

1 خوشبحال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان ننشیند؛
2 بلکه رغبت او در شریعت ایواو است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند. **3** پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش می‌دهد، و برگش پژمرده نمی‌گردد و هر آنچه می‌کند نیک انجام خواهد بود. **4** شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می‌کند. **5** لهذا شریران در داوری نخواهند ایستاد و نه گناهکاران در جماعت عادلان. **6** زیرا ایواو طریق عادلان را می‌داند، ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد.

2 چرا امت‌ها شورش نموده‌اند و طوائف در باطل تفکر می‌کنند؟ **2** پادشاهان زمین برمی‌خیزند و سروران با هم مشورت نموده‌اند، به ضد ایواو و به ضد مسیح او؛ **3** که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم. **4** او که بر آسمانها نشسته است می‌خندد. خداوند بر ایشان استهزا می‌کند. **5** آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت. **6** و من پادشاه خود را نصب کرده‌ام، بر کوه مقدس خود صهیون. **7** فرمان را اعلام می‌کنم، ایواو به من گفته است، تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم. **8** از من درخواست کن و امت‌ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید. **9** ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛ مثل کوزه کوزه مگر آنها را خرد خواهی نمود. **10** و الآن ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! **11** ایواو را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید! **12** پسر را ببوسید مبدا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود. خوشبحال همه آنانی که بر او توکل دارند.

3 [مزمور داود وقتی که از پسر خود ابشالوم فرار کرد] ای ایواو دشمنانم چه بسیار شده‌اند بسیاری به ضد من برمی‌خیزند. **2** بسیاری برای جان من می‌گویند، بجهت او در خدا خلاصی نیست. سلاه. **3** لیکن تو ای ایواو گرداگرد من سپر هستی، جلال من و فرزانده سر من. **4** به آواز خود نزد ایواو می‌خوانم و مرا از کوه مقدس خود اجابت می‌نماید. سلاه. **5** و اما من خسبیده، به خواب رفتم و بیدار شدم زیرا ایواو مرا تقویت می‌دهد. **6** از کروورهای مخلوق نخواهم ترسید که گرداگرد من صف بسته‌اند. **7** ای ایواو، برخیز! ای خدای من، مرا برهان! زیرا بر رخسار همه دشمنانم زدی؛ دندانهای شریران را شکستی. **8** نجات از آن ایواو است و برکت تو بر قوم تو می‌باشد. سلاه.

4 [برای سالار مغنیان برذوات اوتار. مزمور داود] ای خدای عدالت من، چون بخوانم مرا مستجاب فرما. در تنگی مرا وسعت دادی. بر من کرم فرموده، دعای مرا بشنو. **2** ای فرزندان انسان تا به کی جلال من عار خواهد بود، و بطالت را دوست داشته، دروغ را خواهید طلبید؟ سلاه. **3** اما بدانید که ایواو مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم ایواو خواهد شنید. **4** خشم گیرید و گناه مورزید. در دلها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید. سلاه. **5** قربانی‌های عدالت را بگردانید و بر ایواو توکل نمایید.

6 بسیاری می‌گویند، کیست که به ما احسان نماید؟ ای ایواو نور چهره خویش را بر ما برافراز. **7** شادمانی در دل من پدید آورده‌ای، بیشتر از وقتی که غله و شیره ایشان افزون گردید. **8** بسلامتی می‌خسیم و به خواب هم می‌روم زیرا که تو فقط ای ایواو مرا در اطمینان ساکن می‌سازی.

5 [رای سالار مغنیان برذوات نفعه. مزمور داود] ای ایواو، به سخنان من گوش بده! در تفکر من تأمل فرما! **2** ای پادشاه و خدای من، به آواز فریادم توجه کن زیرا که نزد تو دعا می‌کنم. **3** ای ایواو صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید؛ بامدادان [دعای خود را] نزد تو آراسته می‌کنم و انتظار می‌کنم. **4** زیرا تو خدایی نیستی که به شرارت راغب باشی، و گناهکار نزد تو ساکن نخواهد شد. **5** متکبران در نظر تو نخواهند ایستاد. از همه بطالتکنندگان نفرت می‌کنی. **6** دروغ‌گویان را هلاک خواهی ساخت. ایواو شخص خونی و حیل‌گر را مکروه می‌دارد. **7** و اما من از کثرت رحمت تو به خانه‌ات داخل خواهم شد، و از ترس تو بسوی هیکل قدس تو عبادت خواهم نمود. **8** ای ایواو، به سبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من راست گردان. **9** زیرا در زبان ایشان راستی نیست؛ باطن ایشان محض شرارت است؛ گلی ایشان قبر گشاده است و زبانهای خود را جلا می‌دهند. **10** ای خدا، ایشان را ملزم ساز تا به سبب مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطایای ایشان، ایشان را دور انداز زیرا که بر تو فتنه کرده‌اند، **11** و همه متوکلان شادی خواهند کرد و تا به ابد ترم خواهند نمود. زیرا که ملجاء ایشان تو هستی و آنانی که اسم تو را دوست می‌دارند، در تو وجد خواهند نمود. **12** زیرا تو ای ایواو مرد عادل را برکت خواهی داد، او را به رضامندی مثل سپر احاطه خواهی نمود.

6 [برای سالار مغنیان برذوات اوتار برثمانی. مزمور داود] ای ایواو، مرا در غضب خود توییخ نما و مرا در خشم خویش تأدیب مکن! **2** ای ایواو، بر من کرم فرما زیرا که پژمرده‌ام! ای ایواو، مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم مضطرب است، **3** و جان من بشدت پریشان است. پس تو ای ایواو، تا به کی؟ **4** ای ایواو، رجوع کن و جانم را خلاصی ده! به رحمت خویش مرا نجات بخش! **5** زیرا که در موت ذکر تو نمی‌باشد! در هاویه کیست که تو را حمد گوید؟ **6** از ناله خود وامانده‌ام! تمامی شب تختخواب خود را غرق می‌کنم، و بستر خویش را به اشکها تر می‌سازم! **7** چشم من از غصه کاهیده شد و به سبب همه دشمنانم تار گردید. **8** ای همه بدکاران از من دور شوید، زیرا ایواو آواز گریه مرا شنیده است! **9** ایواو استغاثه مرا شنیده است. ایواو دعای مرا اجابت خواهد نمود. **10** همه دشمنانم به شدت خجل و پریشان خواهند شد. روبرگردانیده، ناگهان خجل خواهند گردید.

7 [سرود داود که آن را برای ایواو سرایید به سبب سخنان گوش بنیامینی] ای ایواو خدای من، در تو پناه می‌برم. از همه تعاقب کنندگانم مرا نجات ده و برهان. **2** مبدا او مثل شیر جان مرا ببرد، و خرد سازد و نجات‌دهنده‌ای نباشد. **3** ای ایواو خدای من اگر این را کردم و اگر در دست من ظلمی پیدا شد، **4** اگر به خیر اندیش خود بدی کردم و بی سبب دشمن خود را تاراج نمودم،

12 زیرا او که انتقام گیرنده خون است، ایشان را به یاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش نکرده است. 13 ای ایوآوُ بر من کرم فرموده، به ظلمی که از خصمان خود می‌کشم نظر افکن! ای که برافرازانده من از درهای موت هستی! 14 تا همه تسبیحات تو را بیان کنم در دروازه‌های دختر صهیون. در نجات تو شادی خواهم نمود. 15 اَمَت‌ها به چاهی که کنده بودند خود افتادند؛ در دامی که نهفته بودند پای ایشان گرفتار شد. 16 ایوآوُ خود را شناسانیده است و داوری کرده، و شریر از کار دست خود به دام گرفتار گردیده است. هجایون سلاه. 17 شریران به هاویه خواهند برگشت و جمیع اَمَت‌هایی که خدا را فراموش می‌کنند، 18 زیرا مسکین همیشه فراموش خواهد شد؛ امید حلیمان تا به ابد ضایع خواهد بود. 19 برخیز ای ایوآوُ تا انسان غالب نیاید. بر اَمَت‌ها به حضور تو داوری خواهد شد. 20 ای ایوآوُ ترس را بر ایشان مستولی گردان، تا اَمَت‌ها بدانند که انسانند. سلاه.

10 ای ایوآوُ چرا دور ایستاده‌ای و خود را در وقت‌های تنگی پنهان می‌کنی؟ 2 از تکبر شریران، فقیر سوخته می‌شود؛ در مشورت‌هایی که اندیشیده‌اند، گرفتار می‌شوند. 3 زیرا که شریر به شهوات نفس خود فخر می‌کند، و آنکه می‌رباید شکر می‌گوید و ایوآوُ را اهانت می‌کند. 4 شریر در غرور خود می‌گوید، بازخواست نخواهد کرد. همه فکرهای او اینست که خدایی نیست. 5 راه‌های او همیشه استوار است. احکام تو از او بلند و بعید است. همه دشمنان خود را به هیچ می‌شمارد. 6 در دل خود گفته است، هرگز جنبش نخواهم خورد، و دور به دور بدی را نخواهم دید. 7 دهان او از لعنت و مکر و ظلم پر است؛ زیر زبانش مشقت و گناه است؛ 8 در کمینهای دهات می‌نشیند؛ در جایهای مخفی بی‌گناه را می‌کشد؛ چشمانش برای مسکینان مراقب است؛ 9 در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین می‌کند؛ بجهت گرفتن مسکین کمین می‌کند؛ فقیر را به دام خود کشیده، گرفتار می‌سازد. 10 پس کوفته و زیون می‌شود؛ و مساکین در زیر جباران او می‌افتند. 11 در دل خود گفت، خدا فراموش کرده است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد دید. 12 ای ایوآوُ برخیز! ای خدا دست خود را برافراز و مسکینان را فراموش مکن! 13 چرا شریر خدا را اهانت کرده، در دل خود می‌گوید، تو بازخواست نخواهی کرد؟ 14 البته دیده‌ای زیرا که تو بر مشقت و غم می‌نگری، تا به دست خود مکافات برسانی. مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است. مددکار یتیمان تو هستی. 15 بازوی گناهکار را بشکن. و اما شریر را از شرارت او بازخواست کن تا آن را نیابی. 16 ایوآوُ پادشاه است تا ابدالابد. اَمَت‌ها از زمین او هلاک خواهند شد. 17 ای ایوآوُ مسألت مسکینان را اجابت کرده‌ای، دل ایشان را استوار نموده‌ای و گوش خود را فراگرفته‌ای، 18 تا یتیمان و کوفته‌شدگان را دادرسی کنی. انسانی که از زمین است، دیگر نترساند.

11 [رای سالار مغنیان. مزمو ر داود] بر ایوآوُ توکل می‌دارم. چرا به جانم می‌گویند، مثل مرغ به کوه خود بگریزی؟ 2 زیرا اینک، شریران کمان را می‌کشند و تیر را به زه نهاده‌اند، تا بر راست‌دلان در تاریکی بیندازند. 3 زیرا که ارکان منهدم می‌شوند و مرد عادل چه کند؟ 4 ایوآوُ در هیکل قدس خود است و کرسی ایوآوُ در آسمان. چشمان او می‌نگرد، پلکهای وی بنی‌آدم را می‌آزماید.

5 پس دشمن جانم را تعاقب کند، و آن را گرفتار سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند، و جلالم را در خاک ساکن سازد. سلاه. 6 ای ایوآوُ در غضب خود برخیز، به سبب قهر دشمنانم بلند شو و برای من بیدار شو! ای که داوری را امر فرموده‌ای! 7 و مجمع اَمَت‌ها گرداگرد تو بیایند. و بر فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما. 8 ایوآوُ اَمَت‌ها را داوری خواهد نمود. ای ایوآوُ، موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا داد بده! 9 بدی شریران نابود شود و عادل را پایدار کن زیرا امتحان‌کننده دلها و قلوب، خدای عادل است. 10 سپر من بر خدا می‌باشد که راست دلان را نجات‌دهنده است. 11 خدا داور عادل است و هر روزه خدا خشنام می‌شود. 12 اگر بازگشت نکند شمشیر خود را نیز خواهد کرد؛ کمان خود را کشیده و آماده کرده است. 13 و برای او آلات موت را مهیا ساخته و تیرهای خویش را شعله‌ور گردانیده است. 14 اینک به بطالت آبتن شده، و به ظلم حامله گردیده، دروغ را زاییده است. 15 حفره‌ای کند و آن را گود نمود، و در چاهی که ساخت خود بیفتاد. 16 ظلم او بر سرش خواهد برگشت و ستم او بر فرقتش فرود خواهد آمد. 17 ایوآوُ را برحسب عدالتش حمد خواهم گفت و اسم ایوآوُ تعالی را تسبیح خواهم خواند.

8 [برای سالار مغنیان بر جنتیت. مزمو ر داود] ای ایوآوُ خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمانها گذارده‌ای! 2 از زبان کودکان و شیرخوارگان به سبب خصمانت قوت را بنا نهادی تا دشمن و انتقام گیرنده را ساکت گردانی. 3 چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشته‌ای توست، و به ماه و ستارگانی که تو آفریده‌ای، 4 پس انسان چیست که او را به یاد آوری، و بنی‌آدم که از او تفقد نمایی؟ 5 او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی. 6 او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی، 7 گوسفندان و گاوان جمیعاً، و بهایم صحرا را نیز؛ 8 مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر راه‌های آنها سیر می‌کند. 9 ای ایوآوُ خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین!

9 [برای سالار مغنیان بر موت لیبین. مزمو ر داود] ایوآوُ را به تمامی دل حمد خواهم گفت؛ جمیع عجایب تو را بیان خواهم کرد. 2 در تو شادی و وجد خواهم نمود؛ نام تو را ای متعال خواهم سراپید. 3 چون دشمنانم به عقب بازگردند، آنگاه لغزیده، از حضور تو هلاک خواهند شد. 4 زیرا انصاف و داوری من کردی. داور عادل بر مسند نشسته‌ای. 5 اَمَت‌ها را توبیخ نموده‌ای و شریران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده‌ای تا ابدالابد. 6 و اما دشمنان نیست شده خرابه‌های ابدی گردیده‌اند؛ و شهرها را ویران ساخته‌ای، حتی ذکر آنها نابود گردید. 7 لیکن ایوآوُ نشسته است تا ابدالابد، و تخت خویش را برای داوری برپا داشته است؛ 8 و او ربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و اَمَت‌ها را به راستی داد خواهد داد. 9 و ایوآوُ قلعه بلند برای کوفته‌شدگان خواهد بود، قلعه بلند در زمانهای تنگی. 10 و آنانی که نام تو را می‌شناسند، بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای ایوآوُ تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده‌ای. 11 ایوآوُ را که بر صهیون نشسته است بسرایید؛ کارهای او را در میان قومها اعلان نمایید،

5 ایواوؤ مرد عادل را امتحان می‌کند؛ و اما از شریر و ظلم‌دوست، جان او نفرت می‌دارد. 6 بر شریر دامها و آتش و کبریت خواهد بارانید، و باد سموم حصهٔ پیالهٔ ایشان خواهد بود. 7 زیرا ایواوؤ عادل است و عدالت را دوست می‌دارد، و راستان روی او را خواهند دید.

12 [برای سالار مغنیان بر ثمانی. مزبور داود] ای ایواوؤ نجات بده زیرا که مرد مقدس نابود شده است و امنا از میان بنی‌آدم نایاب گردیده‌اند! 2 همه به یکدیگر دروغ می‌گویند؛ به لبهای چاپلوس و دل منافق سخن می‌رانند. 3 ایواوؤ همهٔ لبهای چاپلوس را منقطع خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان تکبرآمیز بگوید، 4 که می‌گویند، به زبان خویش غالب می‌آییم. لبهای ما با ما است. کیست که بر ما خداوند باشد؟ 5 ایواوؤ می‌گوید، به‌سبب غارت مسکینان و نالهٔ فقیران، الان برمی‌خیزم و او را در نجاتی که برای آن آه می‌کشد، برپا خواهم داشت. 6 کلام ایواوؤ کلام طاهر است، نقرهٔ مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است. 7 تو ای ایواوؤ ایشان را محافظت خواهی نمود؛ از این طبقه و تا ابدالآباد محافظت خواهی فرمود. 8 شریران به هر جانب می‌خرامند، وقتی که خباتت در بنی‌آدم بلند می‌شود.

13 [برای سالار مغنیان. مزبور داود] ای ایواوؤ تا به کی همیشه مرا فراموش می‌کنی؟ تا به کی روی خود را از من خواهی پوشید؟ 2 تا به کی در نفس خود مشورت بکنم و در دلم هرروزه غم خواهد بود؟ تا به کی دشمنم بر من سرفراشته شود؟ 3 ای ایواوؤ خدای من نظر کرده، مرا مستجاب فرما! چشمم را روشن کن مبادا به خواب موت بخسبم. 4 مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم و مخالفانم از پریشانی‌ام شادی نمایند. 5 و اما من به رحمت تو توکل می‌دارم؛ دل من در نجات تو شادی خواهد کرد. 6 برای ایواوؤ سرود خواهم خواند زیرا که به من احسان نموده است.

14 [برای سالار مغنیان. مزبور داود] احمق در دل خود می‌گوید که خدایی نیست. کارهای خود را فاسد و مکروه ساخته‌اند و نیکوکاری نیست. 2 ایواوؤ از آسمان برینی‌آدم نظر انداخت تا ببیند که آیا فهیم و طالب خدایی هست. 3 همه روگردانیده، با هم فاسد شده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. 4 آیا همهٔ گناهکاران بی‌معرفت هستند که قوم مرا می‌خورند، چنانکه نان می‌خورند، و ایواوؤ را نمی‌خوانند؟ 5 آنگاه ترس بر ایشان مستولی شد، زیرا خدا در طبقهٔ عادلان است. 6 مشورت مسکین را خجل می‌سازید چونکه ایواوؤ ملجای اوست. 7 کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد! چون ایواوؤ اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادمان خواهد گردید.

15 [مزبور داود] ای ایواوؤ کیست که در خیمهٔ تو فرود آید؟ و کیست که در کوه مقدس تو ساکن گردد؟ 2 آنکه بی‌عیب سالک باشد و عدالت را به جا آورد، و در دل خویش راستگو باشد؛ 3 که به زبان خود غیبت ننماید؛ و به همسایهٔ خود بدی نکند و دربارهٔ اقارب خویش مذمت را قبول ننماید؛

4 که در نظر خود حقیر و خوار است و آنانی را که از ایواوؤ می‌ترسند مکرم می‌دارد؛ و قسم به ضرر خود می‌خورد و تغییر نمی‌دهد. 5 نقرهٔ خود را به سود نمی‌دهد و رشوه بر بی‌گناه نمی‌گیرد. آنکه این را به جا آورد، تا ابدالآباد جنبش نخواهد خورد.

16 [مکتوم داود] ای خدا مرا محافظت فرما، زیرا بر تو توکل می‌دارم. 2 ایواوؤ را گفتم، تو خداوند من هستی. نیکویی من نیست غیر از تو. 3 و اما مقدسانی که در زمین‌اند و فاضلان، تمامی خوشی من در ایشان است. 4 دردهای آنانی که عقب [خدای] دیگر می‌شبانند، بسیار خواهد شد. هدایای خونی ایشان را نخواهم ریخت، بلکه نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد. 5 ایواوؤ نصیب قسمت و کاسهٔ من است. تو قرعهٔ مرا نگاه می‌داری. 6 خطه‌های من به جایهای خوش افتاد. میراث بهی به من رسیده است. 7 ایواوؤ را که مرا نصیحت نمود، متبارک می‌خوانم. شبانگاه نیز قلمم مرا تنبیه می‌کند. 8 ایواوؤ را همیشه پیش روی خود می‌دارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد. 9 از این رو دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید؛ جسمم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد. 10 زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببند. 11 طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت‌ها تا ابدالآباد!

17 [صلوات داود] ای ایواوؤ، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما! و دعای مرا که از لب بی‌ریا می‌آید، گوش بگیر! 2 داد من از حضور تو صادر شود؛ چشمان تو راستی را ببیند. 3 دل مرا آزموده‌ای، شبانگاه از آن تفقد کرده‌ای. مرا قال گذاشته‌ای و هیچ نیافته‌ای، زیرا عزیمت کردم که زبانم تجاوز نکند. 4 و اما کارهای آدمیان به کلام لبهای تو؛ خود را از راه‌های ظالم نگاه داشتیم. 5 قدمهایم به آثار تو قائم است، پس پاپهایم نخواهد لغزید. 6 ای خدا تو را خوانده‌ام زیرا که مرا اجابت خواهی نمود. گوش خود را به من فراگیر و سخن مرا بشنو. 7 رحمت‌های خود را امتیاز ده، ای که متوکلان خویش را به دست راست خود از مخالفان ایشان می‌رهانی. 8 مرا مثل مردمک چشم نگاه دار؛ مرا زیر سایهٔ بال خود پنهان کن، 9 از روی شریرانی که مرا خراب می‌سازند، از دشمنان جانم که مرا احاطه می‌کنند. 10 دل فربهٔ خود را بسته‌اند. به زبان خویش سخنان تکبرآمیز می‌گویند. 11 الان قدمهای ما را احاطه کرده‌اند، و چشمان خود را دوخته‌اند تا ما را به زمین ببندازند. 12 مثل او مثل شیر است که در دریدن حریص باشد، و مثل شیر زبانی که در بیشهٔ خود در کمین است. 13 ای ایواوؤ برخیز و پیش روی وی درآمده، او را ببنداز و جانم را از شریر به شمشیر خود برهان، 14 از آدمیان، ای ایواوؤ، به دست خویش، از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانی است که شکم ایشان را به ذخایر خود پر ساخته‌ای و از اولاد سیر شده، زیادی مال خود را برای اطفال خویش ترک می‌کنند. 15 و اما من روی تو را در عدالت خواهم دید، و چون بیدار شوم، از صورت تو سیر خواهم شد.

18 [برای سالار مغنیان، مزمور داود بندهٔ ایو او و که کلام این سرود را به ایو او و گفت، در روزی که ایو او و او را از دست همهٔ دشمنانش و از دست شاول رهایی داد. پس گفت،] ای ایو او و! ای قوت من! تو را محبت می‌نمایم.

2 ایو او و صخرهٔ من است و ملجا و نجات‌دهندهٔ من. خدایم صخرهٔ من است که در او پناه می‌برم. سپر من و شاخ نجاتم و قلعهٔ بلند من. 3 ایو او و را که سزاوار کل حمد است، خواهم خواند. پس، از دشمنانم رهایی خواهم یافت.

4 رَسَنهای موت مرا احاطه کرده، و سیلابهای شرارت مرا ترسانیده بود. 5 رَسَنهای گور دور مرا گرفته بود و دامهای موت پیش روی من درآمده. 6 در تنگی خود ایو او و را خواندم و نزد خدای خویش استغاثه نمودم. او آواز مرا از هیكل خود شنید و استغاثهٔ من به حضورش به گوش وی رسید. 7 زمین متزلزل و مرتعش شده، اساس کوه‌ها بلرزید و متزلزل گردید چونکه خشم او افروخته شد. 8 دُخان از بینی او برآمد و نار از دهانش ملتهب گشت و آتشها از آن افروخته گردید. 9 آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می‌بود. 10 برکروبی سوار شده، پرواز نمود و بر بالهای باد طیران کرد. 11 تاریکی را پردهٔ خود و خیمه‌ای گرداگرد خویش بساخت، تاریکی آنها و ابرهای مترکم را. 12 از تابش پیش روی وی ابرهایش می‌شتافتند، تگرگ و آتشیهای افروخته. 13 و ایو او و از آسمان رعد کرده، حضرت اعلیٰ آواز خود را بداد، تگرگ و آتشیهای افروخته را. 14 پس تیرهای خود را فرستاده، ایشان را پراکنده ساخت، و برقها بینداخت و ایشان را پریشان نمود. 15 آنگاه عمق‌های آب ظاهر شد و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه تو ای ایو او و، از نُفخهٔ باد بینی تو! 16 پس، از اعلیٰ فرستاده، مرا برگرفت و از آبهای بسیار بیرون کشید. 17 و مرا از دشمنان زورآورم رهایی داد و از خصمانم، زیرا که از من توانتر بودند. 18 در روز بلای من پیش رویم درآمدند، لیکن ایو او و تکیه‌گاه من بود. 19 و مرا بجای وسیع بیرون آورد؛ مرا نجات داد زیرا که در من رغبت می‌داشت. 20 ایو او و موافق عدالتم مرا جزا داد و به حسب طهارت دستم مرا مکافات رسانید. 21 زیرا که راه‌های ایو او و را نگاه داشته، و به خدای خویش عصیان نورزیده‌ام، 22 و جمیع احکام او پیش روی من بوده است و فرائض او را از خود دور نکرده‌ام، 23 و نزد او بی‌عیب بوده‌ام و خویشتن را از گناه خود نگاه داشته‌ام. 24 پس ایو او و مرا موافق عدالتم پاداش داده است و به حسب طهارت دستم در نظر وی. 25 خویشتن را با رحیم، رحیم می‌نمایم، و با مرد کامل، خود را کامل می‌نمایم. 26 خویشتن را با طاهر، طاهر می‌نمایم و با مکار، به مکر رفتار می‌کنی. 27 زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت. 28 زیرا که تو چراغ مرا خواهی افروخت؛ ایو او و خدایم تاریکی مرا روشن خواهد گردانید. 29 زیرا به مدد تو بر فوجها حمله می‌برم و به خدای خود از حصارها برمی‌جهم. 30 و اما خدا، طریق او کامل است و کلام ایو او و مُصَفی. او برای همهٔ متوکلان خود سپر است؛ 31 زیرا کیست خدا غیر از ایو او و؟ و کیست صخره‌های غیر از خدای ما؟ 32 خدای که کمر مرا به قوت بسته و راه‌های مرا کامل گردانیده است. 33 پایهای مرا مثل آهو ساخته و مرا به مقامهای اعلای من برپا داشته است. 34 دستهای مرا برای جنگ تعلیم داده است، که کمان برنجین به بازویم خم شد. 35 سپر نجات خود را به من داده‌ای. دست راستت عمود من شده و مهربانی تو مرا بزرگ ساخته است.

36 قدمهایم را زیرم وسعت دادی که پایهای من نلغزید. 37 دشمنان خود را تعاقب نموده، بدیشان خواهم رسید و تا تلف نشوند بر نخواهم گشت. 38 ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست و زیر پاهای من خواهند افتاد. 39 زیرا کمر مرا برای جنگ به قوت بستهای و مخالفانم را زیر پایم انداخته‌ای. 40 گردنهای دشمنانم را به من تسلیم کرده‌ای تا خصمان خود را نابود بسازم. 41 فریاد برآوردند اما رهاننده‌ای نبود؛ نزد ایو او و، ولی ایشان را اجابت نکرد. 42 ایشان را چون غبار پیش باد ساییده‌ام؛ مثل گل کوچه‌ها ایشان را دور ریخته‌ام. 43 مرا از منازعه قوم رهانیده، سر امت‌ها ساخته‌ای. قومی را که نشناخته بودم، مرا خدمت می‌نمایند. 44 به مجرد شنیدن، مرا اطاعت خواهند کرد؛ فرزندان غربا نزد من تذلل خواهند نمود. 45 فرزندان غربا پُرمرده می‌شوند و در قلعه‌های خود خواهند لرزید. 46 ایو او و زنده است و صخرهٔ من متبارک باد، و خدای نجات من متعال! 47 خدایی که برای من انتقام می‌گیرد و قومها را زیر من مغلوب می‌سازد. 48 مرا از دشمنانم رهانیده، برخصمانم بلند کرده‌ای و از مرد ظالم مرا خلاصی داده‌ای! 49 لهذا ای ایو او و تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت و به نام تو سرود خواهم خواند، 50 که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به مسیح خویش رحمت نموده است. یعنی به داودو ذُریت او تا ابدالابد.

19 [برای سالار مغنیان. مزمور داود] آسمان جلال خدا را بیان می‌کند و فلک از عمل دستهایش خیر می‌دهد. 2 روز سخن می‌راند تا روز و شب معرفت را اعلان می‌کند تا شب. 3 سخن نیست و کلامی نی و آواز آنها شنیده نمی‌شود. 4 قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون. 5 خیمه‌ای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از حجلهٔ خود بیرون می‌آید و مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند. 6 خروجش از کرانهٔ آسمان است و مدارش تا به کرانهٔ دیگر؛ و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست. 7 شریعت ایو او و کامل است و جان را برمی‌گرداند؛ شهادت ایو او و امین است و جاهل را حکیم می‌گرداند. 8 فرایض ایو او و راست است و دل را شاد می‌سازد. امر ایو او و پاک است و چشم را روشن می‌کند. 9 ترس ایو او و طاهر است و ثابت تا ابدالابد. احکام ایو او و حق و تماماً عدل است. 10 از طلا مرغوبتر و از زر خالص بسیار. از شهید شیرینتر و از قطرات شانهٔ عسل. 11 بندهٔ تو نیز از آنها متنبيه می‌شود، و در حفظ آنها ثواب عظیمی است. 12 کیست که سهوهای خود را بدانند؟ مرا از خطایای مخفیام طاهر ساز. 13 بنده‌ات را نیز از اعمال متکبرانه باز دار تا بر من مسلط نشود؛ آنگاه بی‌عیب و از گناه عظیم میرا خواهم بود. 14 سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای ایو او و که صخرهٔ من و نجات‌دهندهٔ من هستی!

20 [برای سالار مغنیان. مزمور داود] ایو او و تو را در روز تنگی مستجاب فرماید. نام خدای یعقوب تو را سرافراز نماید. 2 نصرت برای تو از قدس خود بفرستد و تو را از صهیون تأیید نماید. 3 جمیع هدایای تو را به یاد آورد و قربانی‌های سوختنی تو را قبول فرماید. سلاه. 4 موافق دل تو به تو عطا فرماید و همهٔ مشورت‌های تو را به انجام رساند. 5 به نجات تو خواهیم سراپید و به نام خدای خود، علم خود را خواهیم افراشت. ایو او و تمامی مسألت تو را به انجام خواهد رسانید.

16 زیرا سگان دور مرا گرفته‌اند؛ جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دستها و پایهای مرا سفته‌اند. 17 همهٔ استخوانهای خود را می‌شمارم. ایشان به من چشم دوخته، می‌نگرند. 18 رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر لباس من قرعه انداختند. 19 اما تو ای ایوآو، دور مباش! ای قوت من، برای نصرت من شتاب کن. 20 جان مرا از شمشیر خلاص کن و یگانهٔ مرا از دست سگان. 21 مرا از دهان شیر خلاصی ده، ای که از میان شاخهای گاو وحشی مرا اجابت کرده‌ای. 22 نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد؛ در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند. 23 ای ترسندگان ایوآو او را حمد گوید؛ تمام ذریت یعقوب او را تمجید نمایند و جمیع ذریت اسرائیل از وی بترسید. 24 زیرا مسکنت مسکین را حقیر و خوار نشمرده، و روی خود را از او نپوشانیده است؛ و چون نزد وی فریاد برآورد، او را اجابت فرمود. 25 تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است. نذرهای خود را به حضور ترسندگان ادا خواهم نمود. 26 حلیمان غذا خورده، سیر خواهند شد؛ و طالبان ایوآو او را تسبیح خواهند خواند؛ و دلهای شما زیست خواهد کرد تا ابدالآباد. 27 جمیع کرانه‌های زمین متذکر شده، بسوی ایوآو بازگشت خواهند نمود؛ و همهٔ قبایل امت‌ها به حضور تو سجده خواهند کرد. 28 زیرا سلطنت از آن ایوآو است و او بر امت‌ها مسلط است. 29 همهٔ متمولان زمین غذا خورده، سجده خواهند کرد؛ و به حضور وی هر که به خاک فرو می‌رود رکوع خواهد نمود؛ و کسی جان خود را زنده نخواهد ساخت. 30 ذریتی او را عبادت خواهند کرد و دربارهٔ خداوند طبقهٔ بعد را اخبار خواهند نمود. 31 ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر خواهند داد قومی را که متولد خواهند شد، که او این کار کرده است.

23 [مزمور داود] ایوآو شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. 2 در مرتعهای سبز مرا می‌خواباند. نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کند. 3 جان مرا برمی‌گرداند و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت می‌نماید. 4 چون در وادی سایهٔ موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوبدستی تو مرا تسلی خواهد داد. 5 سفرهای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی. سر مرا به روغن تذهین کرده‌ای و کاسهام لبریز شده است. 6 هر آینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود و در خانهٔ ایوآو ساکن خواهم بود تا ابدالآباد.

24 [مزمور داود] زمین و پُری آن از آن ایوآو است، ربعمسکون و ساکنان آن. 2 زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد و آن را بر نهرها ثابت گردانید. 3 کیست که به کوه ایوآو برآید؟ و کیست که به مکان قدس او ساکن شود؟ 4 او که پاک دست و صافدل باشد، که جان خود را به بطالت ندهد و قسم دروغ نخورد. 5 او برکت را از ایوآو خواهد یافت، و عدالت را از خدای نجات خود. 6 این است طبقهٔ طالبان او، طالبان روی تو ای [خدای] یعقوب. سیلاه. 7 ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلالداخل شود! 8 این پادشاه جلال کیست؟ ایوآو قدير و جبار، ایوآو که در جنگ جبار است!

6 الان دانسته‌ام که ایوآو مسیح خود را می‌رهاند. از فلک قدس خود او را اجابت خواهد نمود، به قوت نجات‌بخش دست راست خویش. 7 اینان ارابه‌ها را و آنان اسبها را، اما ما نام ایوآو خدای خود را ذکر خواهیم نمود. 8 ایشان خم شده، افتاده‌اند و اما ما برخاسته، ایستاده‌ایم. 9 ای ایوآو نجات بده! پادشاه در روزی که بخوانیم، ما را مستجاب فرماید.

21 [برای سالار مغنیان. مزمور داود.] ای ایوآو در قوت تو پادشاه شادی می‌کند و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهد آمد. 2 مراد دل او را به وی بخشیدی و مسألت زبانش را از او دریغ نداشتی. سیلاه. 3 زیرا به برکات نیکو بر مراد او سبقت جستی. تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی. 4 حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا ابدالآباد. 5 جلال او به سبب نجات تو عظیم شده. اکرام و حشمت را بر او نهاده‌ای. 6 زیرا او را مبارک ساخته‌ای تا ابدالآباد. به حضور خود او را بی‌نهایت شادمان گردانیده‌ای. 7 زیرا که پادشاه بر ایوآو توکل می‌دارد، و به رحمت حضرت اعلیٰ جنبش نخواهد خورد. 8 دست تو همهٔ دشمنانت را خواهد دریافت. دست راست تو آنانی را که از تو نفرت دارند خواهد دریافت. 9 در وقت غضب خود، ایشان را چون تئور آتش خواهی ساخت. ایوآو ایشان را در خشم خود خواهد بلعید و آتش ایشان را خواهد خورد. 10 ثمرهٔ ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت و ذریت ایشان را از میان بنی‌آدم. 11 زیرا قصد بدی برای تو کردند و مکایدی را اندیشیدند که آن را نتوانستند بجا آورند. 12 زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت. بر زه‌های خود تیرها را به روی ایشان نشان خواهی گرفت. 13 ای ایوآو در قوت خود متعال شو. جبروت تو را ترنم و تسبیح خواهیم خواند.

22 [برای سالار مغنیان بر غزالهٔ صبح. مزمور داود] ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای و از نجات من و سخنان فریادم دور هستی؟ 2 ای خدای من، در روز می‌خوانم و مرا اجابت نمی‌کنی، در شب نیز؛ و مرا خاموشی نیست. 3 و اما تو قدوس هستی، ای که بر تسبیحات اسرائیل نشسته‌ای. 4 پدران ما بر تو توکل داشتند؛ بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی؛ 5 نزد تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند؛ بر تو توکل داشتند، پس خجل نشدند. 6 و اما من کرم هستم و انسان نی؛ عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شدهٔ قوم. 7 هر که مرا ببیند به من استهزا می‌کند. لبهای خود را باز می‌کنند و سرهای خود را می‌جنبانند [و می‌گویند]، 8 بر ایوآو توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چونکه به وی رغبت می‌دارد. 9 زیرا که تو مرا از شکم بیرون آوردی؛ وقتی که بر آغوش مادر خود بودم مرا مطمئن ساختی. 10 از رحم بر تو انداخته شدم؛ از شکم مادرم خدای من تو هستی. 11 از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است و کسی نیست که مدد کند. 12 گاوآن نر بسیار دور مرا گرفته‌اند؛ زورمندان باشان مرا احاطه کرده‌اند. 13 دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درندهٔ غران. 14 مثل آب ریخته شده‌ام و همهٔ استخوانهایم از هم گسیخته؛ دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است. 15 قوت من مثل سفال خشک شده و زبانم به کام چسبیده؛ و مرا به خاک موت نهاده‌ای.

9 ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافرازید تا پادشاه جلال داخل شود! 10 این پادشاه جلال کیست؟ ایواو صباپوت پادشاه جلال اوست! سلاه.

25 [مزمور داود] ای ایواو، بسوی تو جان خود را برمیافرازم. ای خدای من، بر تو توکل می‌دارم؛ 2 پس مگذار که خجل بشوم و دشمنانم بر من فخر نمایند. 3 بلی، هر که انتظار تو می‌کشد خجل نخواهد شد. آنانی که بی‌سبب خیانت می‌کنند خجل خواهند گردید. 4 ای ایواو، طریق‌های خود را به من بیاموز و راه‌های خویش را به من تعلیم ده. 5 مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده زیرا تو خدای نجات من هستی. تمامی روز منتظر تو بوده‌ام. 6 ای ایواو، احسانات و رحمت‌های خود را به یاد آور چونکه آنها از ازل بوده است. 7 خطایای جوانی و عصیانم را به یاد میآور. ای ایواو به رحمت خود و به خاطر نیکی‌های خویش مرا یاد کن. 8 ایواو نیکو و عادل است، پس به گناهکاران طریق را خواهد آموخت. 9 مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد. 10 همه راه‌های ایواو رحمت و حق است برای آنانی که عهد و شهادت او را نگاه می‌دارند. 11 ای ایواو به خاطر اسم خود، گناه مرا بیامرز زیرا که بزرگ است. 12 کیست آن آدمی که از ایواو می‌ترسد؟ او را بطریقی که اختیار کرده است خواهد آموخت. 13 جان او در نیکی‌های شب را بسر خواهد برد و ذریت او وارث زمین خواهند شد. 14 سز ایواو با ترسندگان او است و عهد او تا ایشان را تعلیم دهد. 15 چشمان من دائماً بسوی ایواو است زیرا که او پایهای مرا از دام بیرون می‌آورد. 16 بر من ملتفت شده، رحمت بفرما زیرا که منفرد و مسکین هستم. 17 تنگنای دل من زیاد شده است. مرا از مشقت‌های من بیرون آور. 18 بر مسکنت و رنج من نظر افکن و جمیع خطایایم را بیامرز. 19 بر دشمنانم نظر کن زیرا که بسیارند و به کینه تلخ به من کینه می‌ورزند. 20 جانم را حفظ کن و مرا راهی ده تا خجل نشوم زیرا بر تو توکل دارم. 21 کمال و راستی حافظ من باشند زیرا که منتظر تو هستم. 22 ای خدا، اسرائیل را خلاصی ده، از جمیع مشقت‌های وی.

26 [مزمور داود] ای ایواو، مرا داد بده زیرا که من در کمال خود رفتار نموده‌ام و بر ایواو توکل داشته‌ام، پس نخواهم لغزید. 2 ای ایواو مرا امتحان کن و مرا بیازما. باطن و قلب مرا مصفی گردان. 3 زیرا که رحمت تو در مد نظر من است و در راستی تو رفتار نموده‌ام؛ 4 با مردان باطل ننشسته‌ام و با منافقین داخل نخواهم شد. 5 از جماعت بدکاران نفرت می‌دارم و با طالحین نخواهم نشست. 6 دست‌های خود را در صفا می‌شویم. مذبح تو را ای ایواو طواف خواهم نمود، 7 تا آواز حمد تو را بشنوام و عجایب تو را اخبار نمایم. 8 ای ایواو محل خانه تو را دوست می‌دارم و مقام سکونت جلال تو را. 9 جانم را با گناهکاران جمع مکن و نه حیات مرا با مردمان خونریز، 10 که در دست‌های ایشان آزار است و دست راست ایشان پر از رشوه است. 11 و اما من در کمال خود سالک می‌باشم. مرا خلاصی ده و بر من رحم فرما. 12 پایم در جای هموار ایستاده است. ایواو را در جماعتها متبارک خواهم خواند.

27 [مزمور داود] ایواو نور من و نجات من است؛ از کیه بترسم؟ ایواو ملجای جان من است؛ از کیه هراسان شوم؟ 2 چون شریران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم، ایشان لغزیدند و افتادند. 3 اگر لشکری بر من فرود آید، دلم نخواهد ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود، در این نیز اطمینان خواهم داشت. 4 یک چیز از ایواو خواستم و آن را خواهم طلبید، که تمام ایام عمرم در خانه ایواو ساکن باشم تا جمال ایواو را مشاهده کنم و در هیكل او تفکر نمایم. 5 زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود نهفته، در پرده خیمه خود، مرا مخفی خواهد داشت و مرا بر صخره بلند خواهد ساخت. 6 و الآن سرم بر دشمنانم گرداگردم برافراشته خواهد شد. قربانی‌های شادکامی را در خیمه او خواهم گذرانید و برای ایواو سرود و تسبیح خواهم خواند. 7 ای ایواو چون به آواز خود می‌خوانم، مرا بشنو و رحمت فرموده، مرا مستجاب فرما. 8 دل من به تو می‌گوید [که گفته‌ای]، روی مرا بطلبید. بلی روی تو را ای ایواو خواهم طلبید. 9 روی خود را از من میپوشان و بنده خود را در خشم برمگردان. تو مددکار من بوده‌ای. ای خدای نجاتم، مرا رد مکن و ترک منما. 10 چون پدر و مادرم مرا ترک کنند، آنگاه ایواو مرا برمی‌دارد. 11 ای ایواو طریق خود را به من بیاموز و به سبب دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما. 12 مرا به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود کذب و دمنندگان ظلم بر من برخاسته‌اند. 13 اگر باور نمی‌کردم که احسان ایواو را در زمین زندگان ببینم. 14 برای ایواو منتظر باش و قوی شو و دلت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر ایواو باش.

28 [مزمور داود] ای ایواو، نزد تو فریاد برمی‌آورم. ای صخره من، از من خاموش مباش، مبدا اگر از من خاموش شوی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو می‌روند. 2 آواز تضرع مرا بشنو چون نزد تو استغاثه می‌کنم و دست خود را به محراب قدس تو برمیافرازم. 3 مرا با شریران و بدکاران مکش که با همسایگان خود سخن صلح‌آمیز می‌گویند و آزار در دل ایشان است. 4 آنها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده آنها را مطابق عمل دست ایشان بده و رفتار ایشان را به خود ایشان رد نما. 5 چونکه در اعمال ایواو و صنعت دست وی تفکر نمی‌کنند. ایشان را منهدم خواهی ساخت و بنا نخواهی نمود. 6 ایواو متبارک باد زیرا که آواز تضرع مرا شنیده است. 7 ایواو قوت من و سپر من است. دلم بر او توکل داشت و مدد یافته‌ام. پس دل من به وجد آمده است و به سرود خود او را حمد خواهم گفت. 8 ایواو قوت ایشان است و برای مسیح خود قلعه نجات. 9 قوم خود را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را رعایت کن و برافراز تا ابدالابد.

29 [مزمور داود] ای فرزندان خدا، ایواو را توصیف کنید. جلال و قوت را برای ایواو توصیف نمایید. 2 ایواو را به جلال اسم او تمجید نمایید. ایواو را در زینت قدوسیّت سجده کنید. 3 آواز ایواو فوق آنها است. خدای جلال رعد می‌دهد. ایواو بالای آبهای بسیار است. 4 آواز ایواو با قوت است. آواز ایواو با جلال است. 5 آواز ایواو سروهای آزاد را می‌شکند. ایواو سروهای آزاد لبنان را می‌شکند. 6 آنها را مثل گوساله می‌جهاند. لبنان و سربون را مثل بچه گاو وحشی. 7 آواز ایواو زیانه‌های آتش را می‌شکافد.

16 روی خود را بر بندهات تابان ساز و مرا به رحمت خود نجات بخش. 17 ای ایو اووُ خجل نشوم چونکه تو را خوانده‌ام. شیریران خجل شوند و در حفره خاموش باشند. 18 لبهای دروغگو گنگ شود که به درشتی و تکبر و استهانت بر عادلان سخن می‌گوید. 19 زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده‌ای و برای متوکلان پیش‌بنی‌آدم ظاهر ساخته‌ای. 20 ایشان را در پرده روی خود از مکاید مردم خواهی پوشانید. ایشان را در خیمه‌ای از عداوت زبانه مخفی خواهی داشت. 21 متبارک باد ایو اووُ که رحمت عجیب خود را در شهر حصین به من ظاهر کرده است. 22 و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده‌ام. لیکن چون نزد تو فریاد کردم آواز تضرع مرا شنیدی. 23 ای جمیع مقدّسان ایو اووُ او را دوست دارید. ایو اووُ امانا را محفوظ می‌دارد و متکبران را مجازات کثیر می‌دهد. 24 قوی باشید و دل شما را تقویت خواهد داد، ای همگانی که برای ایو اووُ انتظار می‌کشید!

32 [قصیده داود] خوشبحال کسی که عصیان او آمرزیده شد و گناه وی مستور گردید. 2 خوشبحال کسی که ایو اووُ به وی جرمی در حساب نیاورد و در روح او حیل‌های نمی‌باشد. 3 هنگامی که خاموش می‌بودم، استخوانهایم پوسیده می‌شد از نعره‌های که تمامی روز می‌زدم. 4 چونکه دست تو روز و شب بر من سنگین می‌بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید، سلاه. 5 به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم. گفتم، عصیان خود را نزد ایو اووُ اقرار می‌کنم. پس تو آرایش گناهم را عفو کردی، سلاه. 6 از این رو هر مقدّسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد. وقتی که آبهای بسیار به سیلان آید، هرگز بدو نخواهد رسید. 7 تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد. مرا به سرودهای نجات احاطه خواهی نمود، سلاه. 8 تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهم فرمود. 9 مثل اسب و قاطر بی‌فهم می‌باشید که آنها را برای بستن به دهنه و لگام زینت می‌دهند، و الا نزدیک تو نخواهند آمد. 10 غمهای شیرین بسیار می‌باشد، اما هر که بر ایو اووُ توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد. 11 ای صالحان در ایو اووُ شادی و وجد کنید و ای همه! راست‌دلان ترتم نمایید.

33 ای صالحان در ایو اووُ شادی نمایید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می‌شاید. 2 ایو اووُ را با بریط حمد بگویید؛ با عود ده تار او را سرود بخوانید. 3 سرودی تازه برای او بسرایید؛ نیکو بنوازید با آهنگ بلند. 4 زیرا کلام ایو اووُ مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است. 5 عدالت و انصاف را دوست می‌دارد. جهان از رحمت ایو اووُ پر است. 6 به کلام ایو اووُ آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها به نَفْخَة دهان او. 7 آبهای دریا را مثل توده جمع می‌کند و لجه‌ها را در خزانه‌ها ذخیره می‌نماید. 8 تمامی اهل زمین از ایو اووُ بترسند؛ جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند. 9 زیرا که او گفت و شد؛ او امر فرمود و قایم گردید. 10 ایو اووُ مشورت اَمّت‌ها را باطل می‌کند؛ تدبیرهای قبائل را نیست می‌گرداند. 11 مشورت ایو اووُ قائم است تا ابدالآباد؛ تدابیر قلب او تا دهرالدّهور. 12 خوشبحال اَمّتی که ایو اووُ خدای ایشان است و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است.

8 آواز ایو اووُ صحرا را متزلزل می‌سازد. ایو اووُ صحرای قادیس را متزلزل می‌سازد. 9 آواز ایو اووُ غزالها را به درد زه می‌اندازد، و جنگل را بیبرگ می‌گرداند. و در هیکل او جمیعاً جلال را ذکر می‌کنند. 10 ایو اووُ بر طوفان جلوس نموده. ایو اووُ نشسته است پادشاه تا ابدالآباد. 11 ایو اووُ قوم خود را قوت خواهد بخشید. ایو اووُ قوم خود را به سلامتی مبارک خواهد نمود.

30 [سرود برای متبرک ساختن خانه. مزمو داود] ای ایو اووُ تو را تسبیح می‌خوانم زیرا که مرا بالا کشیدی و دشمنانم را بر من مفتخر نساختی. 2 ای ایو اووُ خدای من، نزد تو استغاثه نمودم و مرا شفا دادی. 3 ای ایو اووُ جانم را از حفره برآوردی. مرا زنده ساختی تا به هاویه فرو نروم. 4 ای مقدّسان ایو اووُ او را بسرایید و به ذکر قدوسیت او حمد گویید! 5 زیرا که غضب او لحظه‌های است و در رضامندی او زندگانی. شامگاه گریه نزیل می‌شود. صبحگاهان شادی رخ می‌نماید. 6 و اما من در کامیابی خود گفتم، جنبش نخواهم خورد تا ابدالآباد. 7 ای ایو اووُ به رضامندی خود کوه مرا در قوت ثابت گردانیدی و چون روی خود را پوشانیدی پریشان شدم. 8 ای ایو اووُ نزد تو فریاد برمی‌آورم و نزد خداوند تضرع می‌نمایم. 9 در خون من چه فایده است چون به حفره فرو روم؟ آیا خاک تو را حمد می‌گوید و راستی تو را اخبار می‌نماید؟ 10 ای ایو اووُ بشنو و به من کرم فرما. ای ایو اووُ مددکار من باش. 11 ماتم مرا برای من به رقص مبدل ساخته‌ای. پلاس را از من بیرون کرده و کمر مرا به شادی بستهای. 12 تا جلالم ترا سرود خواند و خاموش نشود. ای ایو اووُ خدای من، تو را حمد خواهم گفت تا ابدالآباد.

31 [برای سالار مغنیان. مزمو داود] ای ایو اووُ بر تو توکل دارم؛ پسخجل نشوم تا به ابد. در عدالت خویش مرا نجات بده. 2 گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان. برابم صخره‌های قوی و خانه‌های حصین باش تا مرا خلاصی دهی. 3 زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما. 4 مرا از دامی که برایم پنهان کرده‌اند بیرون آور. 5 زیرا قلعه من تو هستی. روح خود را به دست تو می‌سپارم. ای ایو اووُ، خدای حق، تو مرا فدیه دادی. 6 از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی می‌کنند نفرت می‌کنم. و اما من بر ایو اووُ توکل می‌دارم. 7 به رحمت تو وجد و شادی می‌کنم زیرا مشقت مرا دیده و جانم را در تنگیها شناختی؛ 8 مرا به دست دشمن اسیر نساخته‌ای؛ پایهای مرا بجای وسیع قائم گردانیده‌ای. 9 ای ایو اووُ بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم. چشم من از غصه کاهیده شد، بلکه جانم و جسم نیز. 10 زیرا که حیاتم از غم و سلاهیم از ناله فانی گردیده است. قوتم از گناهم ضعیف و استخوانهایم پوسیده شد. 11 نزد همه دشمنانم عار گردیده‌ام. خصوصاً نزد همسایگان خویش؛ و باعث خوف آشنایان شده‌ام. هر که مرا بیرون بیند از من می‌گریزد. 12 مثل مرده از خاطر فراموش شده‌ام و مانند ظرف تلف شده گردیده‌ام. 13 زیرا که بهترین را از بسیاری شنیدم و خوف گرداگرد من می‌باشد، زیرا بر من با هم مشورت می‌کنند و در قصد جانم تفکر می‌نمایند. 14 و اما من بر تو ای ایو اووُ توکل می‌دارم و گفته‌ام خدای من تو هستی. 15 وقت‌های من در دست تو می‌باشد. مرا از دست دشمنانم و جفاکنندگانم خلاصی ده.

6 راه ایشان تاریکی و لغزنده باد و فرشته ایواو ایشان را تعاقب کند. 7 زیرا دام خود را برای من بیسبب در حفره‌ای پنهان کردند که آن را برای جان من بیجهت گنده بودند. 8 هلاکت ناگهانی بدو برسد و دامی که پنهان کرد خودش را بگیرد و در آن به هلاکت گرفتار گردد. 9 اما جان من در ایواو وجد خواهد کرد و در نجات او شادی خواهد نمود. 10 همه استخوانهایم می‌گویند، ای ایواو کیست مانند تو که مسکین را از شخص قویتر از او می‌رهاند و مسکین و فقیر را از تاراجکننده‌ی او! 11 شاهدان کینه‌ور بر خاسته‌اند. چیزهایی را که نمی‌دانستم از من می‌پرسند. 12 به عوض نیکویی بدی به من می‌کنند. جان مرا بی‌کس گردانیده‌اند. 13 و اما من چون ایشان بیمار می‌بودم، پلاس می‌پوشیدم؛ جان خود را به روزه می‌رنجانیدم و دعایم به سینهام برمی‌گشت. 14 مثل آنکه او دوست و برادرم می‌بود، سرگردان می‌رفتم. چون کسی که برای مادرش ماتم گیرد، از حزن خم می‌شدم. 15 ولی چون اقدام شادیکان جمع شدند. آن فرومایگان بر من جمع شدند، و کسانی که نشناخته بودم مرا دریدند و ساکت نشدند. 16 مثل فاجرانی که برای نان مسخرگی می‌کنند، دندانهای خود را بر من می‌افشردند. 17 ای خداوند تا به کی نظر خواهی کرد؟ جانم را از خرابیهای ایشان برهان و یگانه‌ی مرا از شیربچگان. 18 و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم گفت. ترا در میان قوم عظیم تسبیح خواهم خواند. 19 تا آنانی که بی‌سبب دشمن منند، بر من فخر نکنند، و آنانی که بر من بی‌سبب بغض می‌نمایند، چشمک نزنند. 20 زیرا برای سلامتی‌سختن نمی‌گویند و بر آنانی که در زمین آرامند، سخنان حیلهمیز را تفکر می‌کنند. 21 و دهان خود را بر من باز کرده، می‌گویند هه‌هه چشم ما دیده است. 22 ای ایواو تو آن را دیده‌ای، پس سکوت مفرما. ای خداوند از من دور مباش. 23 خویشتن را برانگیز و برای داد من بیدار شو، ای خدای من و خداوند من، برای دعوی من. 24 ای ایواو خدایم مرا موافق عدل خود داد بده، مبادا بر من شادی نمایند. 25 تا در دل خود نگویند، اینک مراد ما؛ تا نگویند او را بلعیده‌ایم! 26 و آنانی که در بدی من شادند، با هم خجل و شرمنده شوند؛ و آنانی که بر من تکبر می‌کنند، به خجلت و رسوایی ملبس شوند. 27 آنانی که خواهان حق منند ترتم و شادی نمایند و دائماً گویند ایواو بزرگ است که به سلامتی بنده خود رغبت دارد. 28 و زبانت عدالت تو را بیان خواهد کرد و تسبیح تو را تمامی روز.

36 [برای سالار مغنیان. مزبور داود بنده ایواو] معصیت شریر در اندرون دل منمی‌گوید که ترس خدا در مد نظر او نیست. 2 زیرا خویشتن را در نظر خود تملق می‌گوید تا گناهش ظاهر نشود و مکروه نگردد. 3 سخنان زبانش شرارت و حيله است. از دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته است. 4 شرارت را بر بستر خود تفکر می‌کند. خود را به راه ناپسند قائم کرده، از بدی نفرت ندارد. 5 ای ایواو رحمت تو در آسمانها است و امانت تو تا افلاک. 6 عدالت تو مثل کوه‌های خداست و احکام تو لجه عظیم. ای ایواو انسان و بهایم را نجات می‌دهی. 7 ای خدا رحمت تو چه ارجمند است. بنی‌آدم زیر سایه بالهای تو پناه می‌برند. 8 از چربی خانه تو شاداب می‌شوند. از نهر خوشیهای خود ایشان را می‌نوشانی. 9 زیرا که نزد تو چشمه حیات است و در نور تو نور را خواهیم دید. 10 رحمت خود را برای عارفان خود مستدام فرما و عدالت خود را برای راست دلان.

13 از آسمان ایواو نظر افکند و جمیع بنی‌آدم را نگرست. 14 از مکان سکونت خویش نظر می‌افکند، بر جمیع ساکنان جهان. 15 او که دلهای ایشان را جمیعاً سرشته است و اعمال ایشان را درک نموده است. 16 پادشاه به زیادتی لشکر خلاص نخواهد شد و جبار به بسیاری قوت رهایی نخواهد یافت. 17 اسب بجهت استخلاص باطل است و به شدت قوت خود کسی را رهایی نخواهد داد. 18 اینک چشم ایواو بر آنانی است که از او می‌ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می‌کشند. 19 تا جان ایشان را از موت رهایی بخشد و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد. 20 جان ما منتظر ایواو می‌باشد. او اعانت و سپر ما است. 21 زیرا که دل ما در او شادی می‌کند و در نام قدوس او توکل می‌داریم. 22 ای ایواو رحمت تو بر ما باد، چنانکه امیدوار تو بوده‌ایم.

34 مزبور داود وقتی که منش خود را به حضور آییملک تغییر داد و از حضور او بیرون رانده شده، برفت ایواو را در هر وقت متبارک خواهیم گفت. تسبیح او دائماً بر زبان من خواهد بود. 2 جان من در ایواو فخر خواهد کرد. مسکینان شنیده، شادی خواهند نمود. 3 ایواو را با من تکبیر نمایید. نام او را با یکدیگر برافرازیم. 4 چون ایواو را طلبیدم، مرا مستجاب فرمود و مرا از جمیع ترسهایم خلاصی بخشید. 5 بسوی او نظر کردند و منور گردیدند و رویهای ایشان خجل نشد. 6 این مسکین فریاد کرد و ایواو او را شنید و او را از تمامی تنگیهایش رهایی بخشید. 7 فرشته ایواو گرداگرد ترسندگان او است؛ اردو زده، ایشان را می‌رهاند. 8 بخشید و ببینید که ایواو نیکو است. خوشبالح شخصی که بدو توکل می‌دارد. 9 ای مقدسان ایواو از او بترسید زیرا که ترسندگان او را هیچ کمی نیست. 10 شیربچگان ببینوا شده، گرسنگی می‌کشند و اما طالبان ایواو را به هیچ چیز نیکو کمی نخواهد شد. 11 ای اطفال بیابید مرا بشنوید و ترس ایواو را به شما خواهم آموخت. 12 کیست آن شخصی که آرزومند حیات است و طول ایام را دوست می‌دارد تا نیکویی را ببیند؟ 13 زبانت را از بدی نگاه دار و لبهایت را از سخنان حیلهمیز؛ 14 از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن؛ صلح را طلب نما و در پی آن بکوش. 15 چشمان ایواو بسوی صالحان است و گوشهای وی بسوی فریاد ایشان. 16 روی ایواو بسوی بدکاران است تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد. 17 چون [صالحان] فریاد برآوردند، ایواو ایشان را شنید و ایشان را از همه تنگیهای ایشان رهایی بخشید. 18 ایواو نزدیک شکستهدلان است و روح کوفتگان را نجات خواهد داد. 19 زحمات مرد صالح بسیار است، اما ایواو او را از همه آنها خواهد رهانید. 20 همه استخوانهای ایشان را نگاه می‌دارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد. 21 شریر را شرارت هلاک خواهد کرد و از دشمنان مرد صالح مؤاخذه خواهد شد. 22 ایواو جان بندگان خود را فدیة خواهد داد و از آنانی که بر وی توکل دارند مؤاخذه خواهد شد.

35 [مزبور داود] ای ایواو با خصمان من مخاصمه نما و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می‌کنند. 2 سپر و میجن را بگیر و به اعانت من برخیز، 3 و نیزه را راست کن و راه را پیش روی جفاکنندگانم ببند و به جان من بگو من نجات تو هستم. 4 خجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند؛ و آنانی که بدانندیش منند، برگردانیده و خجل شوند. 5 مثل کاه پیش روی باد باشند و فرشته ایواو ایشان را براند.

11 پای تکبر بر من نیاید و دست شریبران مرا گریزان نسازد. 12 در آنجا بدکرداران افتاده‌اند. ایشان انداخته شده‌اند و نمی‌توانند برخاست.

37 [مزمور داود] به‌سبب شریبران خویشتن را مشوش‌مساز و بر فتنهانگیزان حسد میر. 2 زیرا که مثل علف به زودی بریده می‌شوند و مثل علف سبز پژمرده خواهند شد. 3 بر ایوآو توکل نما و نیکویی بکن. در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو. 4 و در ایوآو تمتع بپر، پس مسألت دل تو را به تو خواهد داد. 5 طریق خود را به ایوآو بسپار و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد، 6 و عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد و انصاف تو را مانند ظهر. 7 نزد ایوآو ساکت شو و منتظر او باش و از شخص فرخنده طریق و مرد حیلهرگر خود را مشوش مساز. 8 از غضب برکنار شو و خشم را ترک کن. خود را مشوش مساز که البته باعث گناهخواهد شد. 9 زیرا که شریبران منقطع خواهند شد. و اما منتظران ایوآو وارث زمین خواهند بود. 10 هان بعد از اندک زمانی شریبران نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. 11 و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید. 12 شریبران بر مرد عادل شورا می‌کنند و دندانهای خود را بر او میافشرد. 13 خداوند بر او خواهد خندید، زیرا می‌بیند که روز او می‌آید. 14 شریبران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده‌اند تا مسکین و فقیر را بیندازند و راستروان را مقتول سازند. 15 شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد. 16 نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است، از اندوخته‌های شریبران کثیر. 17 زیرا که بازوهای شریبران، شکسته خواهد شد. و اما صالحان را ایوآو تأیید می‌کند. 18 ایوآو روزهای کاملان را می‌داند و میراث ایشان خواهد بود تا ابدالآباد. 19 در زمان بلا خجل نخواهند شد، و در ایام قحط سیر خواهند بود. 20 زیرا شریبران هلاک می‌شوند و دشمنان ایوآو مثل خرّمی مرتعها فانی خواهند شد. بلی مثل دُخان فانی خواهند گردید. 21 شریبران قرض می‌گیرند و وفا نمی‌کنند و اما صالح رحیم و بخشنده است. 22 زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند. و اما آنانی که ملعون و یابند، منقطع خواهند شد. 23 ایوآو قدمهای انسان را مستحکم می‌سازد، و در طریق‌هایش سرور می‌دارد. 24 اگر چه بیفتد افکنده نخواهد شد زیرا ایوآو دستش را می‌گیرد. 25 من جوان بودم و الآن پیر هستم و مرد صالح را هرگز متروک ندیده‌ام و نه نسلش را که گدای نان بشوند. 26 تمامی روز رؤف است و قرض دهنده، و ذریبت او مبارک خواهند بود. 27 از بدی برکنار شو و نیکویی بکن. پس ساکن خواهی بود تا ابدالآباد. 28 زیرا ایوآو انصاف را دوست می‌دارد و مقدّسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابدالآباد. و اما نسل شریبران منقطع خواهد شد. 29 صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود. 30 دهان صالح حکمت را بیان می‌کند و زبان او انصاف را ذکر می‌نماید. 31 شریعت خدای وی در دل اوست. پس قدمهایش نخواهد لغزید. 32 شریبران برای صالح کمین می‌کنند و قصد قتل وی می‌دارد. 33 ایوآو او را در دستش ترک نخواهد کرد و چون به داوری آید بر وی فتوا نخواهد داد. 34 منتظر ایوآو باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافزاید. چون شریبران منقطع شوند آن را خواهی دید. 35 شریبران را دیدم که ظلم پیشه بود و مثل درخت بومی سبز خود را به هر سو می‌کشید.

36 اما گذشت و اینک نیست گردید و او را جستجو کردم و یافت نشد. 37 مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را ببین زیرا که عاقبت آن مرد سلامتی است. 38 اما خطاکاران جمعاً هلاک خواهند گردید و عاقبت شریبران منقطع خواهد شد. 39 و نجات صالحان از ایوآو است و در وقت تنگی او قلعه ایشان خواهد بود. 40 و ایوآو ایشان را اعانت کرده، نجات خواهد داد. ایشان را از شریبران خلاص کرده، خواهد رهانید زیرا بر او توکل دارند.

38 [مزمور داود برای تذکر] ای ایوآو مرا در غضب خود توبیخ نما و در خشم خویش تأدیبم مفرما. 2 زیرا که تیرهای تو در من فرو رفته و دست تو بر من فرود آمده است. 3 در جسد من به‌سبب غضب تو صحتی نیست و در استخوانهایم به‌سبب خطای خودم سلامتی نی. 4 زیرا گناهانم از سرم گذشته است. مثل بار گران از طاقتم سنگینتر شده. 5 جراحات من متعفن و مقروح شده است، به‌سبب حماقت من. 6 به خود می‌پیچم و بی‌نهایت منحنی شده‌ام. تمامی روز ماتمکنان تردد می‌کنم. 7 زیرا کمر من از سوزش پر شده است و در جسد من صحتی نیست. 8 من بیحس و بی‌نهایت کوفته شده‌ام و از فغان دل خود نعره می‌زنم. 9 ای خداوند تمامی آرزوی من در مد نظر تو است و ناله‌های من از تو مخفی نمی‌باشد. 10 دل من میطبد و قوتم از من رفته است و نور چشمانم نیز با من نیست. 11 دوستان و رفیقانم از بلای من برکنار میایستند و خویشان من دور ایستاده‌اند. 12 آنانی که قصد جانم دارند دام می‌گسترند و بداندیشانم سخنان فتنهانگیز می‌گویند و تمام روز حيله را تفکر می‌کنند. 13 و اما من مثل کر نمی‌شوم؛ و مانند گنم که دهان خود را باز نکند. 14 و مثل کسی گردیده‌ام که نمی‌شنود و کسی که در زبانش حجتی نباشد. 15 زیرا که ای ایوآو انتظار تو را می‌کشم. تو ای خداوند خدایم جواب خواهی داد. 16 چونکه گفتم مبادا بر من شادی نمایند و چون پایم بلغزد بر من تکبر کنند. 17 زیرا که برای افتادن نصب شده‌ام و درد من همیشه پیش روی من است. 18 زیرا گناهخود را اخبار می‌نمایم و از خطای خود غمگین هستم. 19 اما دشمنانم زنده و زور آورند و آنانی که بی‌سبب بر من بغض می‌نمایند بسیارند، 20 و آنانی که به عوض نیکویی به من بدی می‌رسانند. بر من عداوت می‌ورزند زیرا نیکویی را پیروی می‌کنم. 21 ای ایوآو مرا ترک نما. ای خدای من از من دور مباش، 22 و برای اعانت من تعجیل فرما، ای خداوندی که نجات من هستی.

39 [زای یدوتون سالار مغنیان. مزمور داود] گفتم راه‌های خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانم خطا نورزم. دهان خود را به لجام نگاه خواهم داشت، مادامی که شریبران پیش من است. 2 من گنگ بودم و خاموش و از نیکویی نیز سکوت کردم و درد من به حرکت آمد. 3 دلم در اندرونم گرم شد. چون تفکر می‌کردم آتش افروخته گردید. پس به زبان خود سخن گفتم. 4 ای ایوآو اجل مرا بر من معلوم ساز و مقدار ایامم را که چیست تا بفهمم چه قدر فانی هستم. 5 اینک روزهایم را مثل یک و جب ساخته‌ای و زندگانیم در نظر تو هیچ است. یقیناً هر آدمی محض بطلالت قرار داده شد، سیاه. 6 اینک، انسان در خیال رفتار می‌کند و محض بطلالت مضطرب می‌گردد. ذخیره می‌کند و نمی‌داند کیست که از آن تمتع خواهد برد. 7 و الآن ای خداوند برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می‌باشد.

5 دشمنانم دربارهٔ من به بدی سخن می‌گویند که کی بمیرد و نام او گم شود. 6 و اگر برای دیدن من بیاید، سخن باطل می‌گوید و دلش در خود شرارت را جمع می‌کند. چون بیرون رود آن را شایع می‌کند. 7 و جمیع خصمانم با یکدیگر بر من نَمّامی می‌کنند و دربارهٔ من بدی می‌اندیشند، 8 که حادثهای مهلک بر او ریخته شده است. و حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست. 9 و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می‌داشتم که نان مرا نیز می‌خورد، پاشنهٔ خود را بر من بلند کرد. 10 و اما تو ای ایوآوُ بر من رحم فرموده، مرا برپا بدار تا مجازات بدیشان رسانم. 11 از این می‌دانم که در من رغبت داری زیرا که دشمنم بر من فخر نمی‌نماید. 12 و مرا به سبب کمال مستحکم نموده‌ای و مرا به حضور خویش دائماً قائم خواهی نمود. 13 ایوآوُ خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا به ابد. آمین و آمین.

42 [رای سالار مغنیان. قصیدهٔ بنیقورح] چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا جان من اشتیاق شدید برای تو دارد. 2 جان من تشنهٔ خداست تشنهٔ خدای حی، که کی بیایم و به حضور خدا حاضر شوم. 3 اشکهایم روز و شب نان من می‌بود، چون تمامی روز مرا می‌گفتند، خدای تو کجاست؟ 4 چون این را به یاد می‌آورم، جان خود را بر خود می‌ریزم. چگونه با جماعت می‌رقتم و ایشان را به خانهٔ خدا پیشروی می‌کردم، به آواز ترنم و تسبیح در گروه عید کنندگان. 5 ای جانم چرا منحنی شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت. 6 ای خدای من، جانم در من منحنی شد. بنابراین تو را از زمین اُزُن یاد خواهم کرد، از کوه‌های حرمون و از جبل مصعّر. 7 لجهٔ به لجهٔ ندا می‌دهد از آواز آبشارهای تو؛ جمیع خیزابها و موجهای تو بر من گذشته است. 8 در روز ایوآوُ رحمت خود را خواهد فرمود، و در شب سرود او با من خواهد بود و دعا نزد خدای حیات من. 9 به خدا گفته‌ام، ای صخرهٔ من چرا مرا فراموش کرده‌ای؟ چرا به سبب ظلم دشمن ماتمکنان تردد بکنم؟ 10 دشمنانم به کویبگی در استخوانهایم مرا ملامت می‌کنند، چونکه همه روزه مرا می‌گویند، خدای تو کجاست؟ 11 ای جان من چرا منحنی شده و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

43 ای خدا مرا داوری کن و دعوای مرا با قوم بیرحم فیصل فرما و از مرد حیل‌گر و ظالم مرا خلاصی ده. 2 زیرا تو خدای قوت من هستی. چرا مرا دور انداختی؟ چرا به سبب ستم دشمن ماتم کنان تردد بکنم؟ 3 نور و راستی خود را بفرست تا مرا هدایت نمایند و مرا به کوه مقدّس تو و مسکنهای تو رسانند. 4 آنگاه به مذبح خدا خواهم رفت، بسوی خدایی که سرور و خرمی من است. و تو را ای خدا، خدای من با بربط تسبیح خواهم خواند. 5 ای جان من چرا منحنی شده‌ای؟ و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ امید بر خدا دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

44 [برای سالار مغنیان. قصیدهٔ بنیقورح] ای خدا به گوشهای خود شنیده‌ایم و پدران ما، ما را خبر داده‌اند، از کاری که در روزهای ایشان و در ایام سلف کرده‌ای.

8 مرا از همهٔ گناهانم برهان و مرا نزد جاهلان عار مگردان. 9 من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم زیرا که تو این را کرده‌ای. 10 بلای خود را از من بردار زیرا که از ضرب دست تو من تلف می‌شوم. 11 چون انسان را به سبب گنااهش به عتابها تأدیب می‌کنی، نفایس او را مثل بید می‌گذاری. یقیناً هر انسان محض بطالت است، سیاه. 12 ای ایوآوُ دعای مرا بشنو و به فریادم گوش بده و از اشکهایم ساکت مباش، زیرا که من غریب هستم در نزد تو و نزیل هستم مثل جمیع پدران خود. 13 روی [خشم] خود را از من بگردان تا فرحناک شوم قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم.

40 [برای سالار مغنیان. مزموور داود] انتظار بسیار برای ایوآوُ کشیده‌ام، و به من مایل شده، فریاد مرا شنید. 2 و مرا از چاه هلاکت برآورد و از گِل لجن و پایهایم را بر صخره گذاشته، قدمهایم را مستحکم گردانید. 3 و سرودی تازه در دهانم گذارد، یعنی حمد خدای ما را. بسیاری چون این را ببینند ترسان شده، بر ایوآوُ توکل خواهند کرد. 4 خوشابحال کسی که بر ایوآوُ توکل دارد و به متکبران ظالم و مرتدان دروغ مایل نشود. 5 ای ایوآوُ خدای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده‌ای و تدبیرهایی که برای ما نموده‌ای. در نزد تو آنها را تقویم نتوان کرد، اگر آنها را تقریر و بیان بکنم، از حد شمار زیاده است. 6 در قربانی و هدیه رغبت نداشتی. اما گوشهای مرا باز کردی. قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی. 7 آنگاه گفتم، اینک، می‌آیم! در طومار کتاب دربارهٔ من نوشته شده است. 8 در بجا آوردن ارادهٔ تو ای خدای من رغبت می‌دارم و شریعت تو در اندرون دل من است. 9 در جماعت بزرگ به عدالت بشارت داده‌ام. اینک، لیبهای خود را باز نخواهم داشت و تو ای ایوآوُ می‌دانی. 10 عدالت تو را در دل خود مخفی نداشتی. امانت و نجات تو را بیان کرده‌ام. رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده‌ام. 11 پس تو ای ایوآوُ لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو دائماً مرا محافظت کند. 12 زیرا که بلایای بی‌شمار مرا احاطه می‌کند. گناهانم دور مرا گرفته است به حدی که نمی‌توانم دید. از مویهای سر من زیاده است و دل من مرا ترک کرده است. 13 ای ایوآوُ مرحمت فرموده، مرا نجات بده. ای ایوآوُ به اعانت من تعجیل فرما. 14 آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیعاً خجل و شرم‌زده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند. 15 آنانی که بر من هه‌هه می‌گویند، به سبب خجالت خویش حیران شوند. 16 و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی نمایند و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائماً گویند که ایوآوُ بزرگ است. 17 و اما من مسکین و فقیر هستم و خداوند دربارهٔ من تفکر می‌کند. تو معاون و نجات‌دهندهٔ من هستی. ای خدای من، تأخیر مفرما.

41 [رای سالار مغنیان. مزموور داود] خوشابحال کسی که برای فقیر تفکر می‌کند. ایوآوُ او را در روز بلا خلاصی خواهد داد. 2 ایوآوُ او را محافظت خواهد کرد و زنده خواهد داشت. او در زمین مبارک خواهد بود و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهی کرد. 3 ایوآوُ او را بر بستر بیماری تأیید خواهد نمود. تمامی خوابگاه او را در بیماریاش خواهی گسترانید. 4 من گفتم، ای ایوآوُ بر من رحم نما. جان مرا شفا بده زیرا که تو گناه ورزیده‌ام.

11 تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را عبادت نما. 12 و دختر صور با ارمغانی، و دولتمندان قوم رضامندی تو را خواهند طلبید. 13 دختر پادشاه تماماً در اندرون مجید است و رختهای او با طلا مُرَصَّع است. 14 به لباس طرازدار نزد پادشاه حاضر می‌شود. باکره‌های همراهان او در عقب وی نزد تو آورده خواهند شد. 15 به شادمانی و خوشی آورده می‌شوند و به قصر پادشاه داخل خواهند شد. 16 به عوض پدران پسرانت خواهند بود و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهی ساخت. 17 نام تو را در همهٔ دهرها ذکر خواهیم کرد. پس قومه‌ها تو را حمد خواهند گفت تا ابدالآباد.

46 [برای سالار مغنیان. سرود بنیقورح بر علاموت] خدا ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می‌شود. 2 پس نخواهیم ترسید، اگر چه جهان مبدل گردد و کوه‌ها در قعر دریا به لرزش آید. 3 اگر چه آبهای آشوب کنند و به جوش آیند و کوه‌ها از سرکشی آن متزلزل گردند، سیلاه. 4 نه‌ری است که شعبه‌هایش شهر خدا را فرحناک می‌سازد و مسکن قدوس حضرت اعلیٰ را. 5 خدا در وسط اوست پس جنبش نخواهد خورد. خدا او را اعانت خواهد کرد در طلوع صبح. 6 اَمّت‌ها نعره زدند و مملکتها متحرک گردیدند. او آواز خود را داد. پس جهان گداخته گردید. 7 ایواوُ صباپوت با ماست، و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سیلاه. 8 بیابید کارهای ایواوُ را نظاره کنید، که چه خرابیها در جهان پیدا نمود. 9 او جنگها را تا اقصای جهان تسکین می‌دهد؛ کمان را می‌شکند و نیزه را قطع می‌کند و اربابها را به آتش می‌سوزاند. 10 باز ایستید و بدانید که من خدا هستم؛ در میان اَمّت‌ها، متعال و در جهان، متعال خواهم شد. 11 ایواوُ صباپوت با ماست و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سیلاه.

47 [برای سالار مغنیان. مزمور بنیقورح] ای جمیع اَمّت‌ها دستک زنید. نزد خدا به آواز شادی بانگ برآورید. 2 زیرا ایواوُ متعال و مهیب است و بر تمامی جهان خدای بزرگ. 3 قومه‌ها را در زیر ما مغلوب خواهد ساخت و طایفه‌ها را در زیر پایهای ما. 4 میراث ما را برای ما خواهد برگزید، یعنی جلالت یعقوب را که دوست می‌دارد، سیلاه. 5 خدا به آواز بلند صعود نموده است؛ ایواوُ به آواز کرنا. 6 تسبیح بخوانید، خدا را تسبیح بخوانید. تسبیح بخوانید، پادشاه ما را تسبیح بخوانید. 7 زیرا خدا پادشاه تمامی جهان است. به خردمندی تسبیح بخوانید. 8 خدا بر اَمّت‌ها سلطنت می‌کند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است. 9 سروران قومه‌ها با قوم خدای ابراهیم جمع شده‌اند زیرا که سپرهای جهان از آن خداست. او بسیار متعال می‌باشد.

48 [سرود و مزمور بنیقورح] ایواوُ بزرگ است و بی‌نهایت مجید، در شهر خدای ما و در کوه مقدس خویش. 2 جمیل در بلندپاش و شادی تمامی جهان است کوه صهیون، در جوانب شمال، قریهٔ پادشاه عظیم. 3 خدا در قصرهای آن به ملجای بلند معروف است. 4 زیرا اینک، پادشاهان جمع شدند، و با هم درگشتند. 5 ایشان چون دیدند متعجب گردیدند. و در حیرت افتاده، فرار کردند. 6 لرزه بر ایشان در آنجا مستولی گردید و درد شدید مثل زنی که می‌زاید. 7 تو کشتیهای ترشیش را به باد شرقی شکستی.

2 تو به دست خود اَمّت‌ها را بیرون کردی، اما ایشان را غرس نمودی. قومه‌ها را تباہ کردی، اما ایشان را منتشر ساختی. 3 زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند و بازوی ایشان ایشان را نجات نداد، بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو. زیرا از ایشان خرسند بودی. 4 ای خدا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات یعقوب امر فرما. 5 به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند و به نام تو مخالفان خویش را پایمال خواهیم ساخت. 6 زیرا بر کمان خود تو گل نخواهم داشت و شمشیرم مرا خلاصی نخواهد داد. 7 بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی و مُبْغِضان ما را خجل ساختی. 8 تمامی روز بر خدا فخر خواهیم کرد و نام تو را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند، سیلاه. 9 لیکن الآن تو ما را دور انداخته و رسوا ساخته‌ای و با لشکرهای ما بیرون نمی‌آیی. 10 و ما را از پیش دشمن روگردان ساخته‌ای و خصمان ما برای خویشتن تاراج می‌کنند. 11 ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده‌ای و ما را در میان اَمّت‌ها پراکنده ساخته‌ای. 12 قوم خود را ببیها فروختی و از قیمت ایشان نفع نبردی. 13 ما را نزد همسایگان ما عار گردانیدی. اهانته و سخریهٔ نزد آنانی که گرداگرد مایند. 14 ما را در میان اَمّت‌ها ضرب‌المثل ساخته‌ای، جنبانیدن سر در میان قومه‌ها؛ 15 و رسوایی من همه روزه در نظر من است و خجالت رویم مرا پوشانیده است، 16 از آواز ملامتگو و فحاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده. 17 این همه بر ما واقع شد. اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نوزیدیم. 18 دل ما به عقب برنگردید و پایهای ما از طریق تو انحراف نوزید. 19 هرچند ما را در مکان از درها کوبیدی و ما را به سایهٔ موت پوشانیدی. 20 نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم و دست خود را به خدای غیر برنیفراشتیم. 21 آیا خدا این را غوررسی خواهد کرد؟ زیرا او خفایای قلب را می‌داند. 22 هر آینه به خاطر تو تمامی روز کشته‌می‌شویم و مثل گوسفندان ذبح شمرده می‌شویم. 23 ای خداوند بیدار شو! چرا خوابیده‌ای؟ برخیز و ما را تا به ابد دور مینداز. 24 چرا روی خود را پوشانیدی و دلت و تنگی ما را فراموش کردی؟ 25 زیرا که جان ما به خاک خم شده است و شکم ما به زمین چسبیده. 26 بجهت اعانت ما برخیز و بخاطر رحمانیت خود ما را فدیة ده.

45 [برای سالار مغنیان بر سوسنها. قصیدهٔ بنیقورح. سرود حبیبات] دل من به کلام نیکو می‌جوشد. انشاء خود را دربارۀ پادشاه می‌گویم. زبان من قلم کاتب ماهر است. 2 تو جمیلتر هستی از بنی‌آدم و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است. بنابراین، خدا تو را مبارک ساخته است تا ابدالآباد. 3 ای جبار شمشیر خود را بر ران خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش را. 4 و به کبریایی خود سوار شده، غالب شو بجهت راستی و حلم و عدالت؛ و دست راستت چیزهای ترسناک را به تو خواهد آموخت. 5 به تیرهای تیز تو اَمّت‌ها زیر تو می‌افتند و به دل دشمنان پادشاه فرو می‌رود. 6 ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛ عصای راستی عصای سلطنت تو است. 7 عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی. بنابراین، خدا، خدای تو تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقای مسخ کرده است. 8 همهٔ رختهای تو مُر و عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که به تارها تو را خوش ساختند. 9 دختران پادشاهان از زنانجیب تو هستند. ملکه به دست راستت در طلای اوفیر ایستاده است. 10 ای دختر بشنو و ببین و گوش خود را فرادار، و قوم خود و خانهٔ پدرت را فراموش کن،

8 چنانکه شنیده بودیم، همچنان دیده‌ایم، در شهر ایواو و صباپوت، در شهر خدای ما؛ خدا آن را تا ابدالآباد مستحکم خواهد ساخت، سیلاه. 9 ای خدا در رحمت تو تفکر کرده‌ایم، در اندرون هیکل تو. 10 ای خدا چنانکه نام تو است، همچنان تسبیح تو نیز تا اقصای زمین. دست راست تو از عدالت پُر است. 11 کوه صهیون شادی می‌کند و دختران یهودا به وجد می‌آیند، به سبب داوریهایی تو. 12 صهیون را طواف کنی و گرداگرد او بخرامید و برجهای وی را بشمارید. 13 دل خود را به حصارهایش بنهید و در قصرهایش تأمل کنید تا طبقه آینده را اطلاع دهید. 14 زیرا این خدا، خدای ماست تا ابدالآباد و ما را تا به موت هدایت خواهد نمود.

49 [برای سالار مغنیان. مزبور بنیقورح] ای تمامی قومها این را بشنوید! ای جمیع سگنه ربع مسکون این را گوش گیرید! 2 ای عوام و خواص! ای دولتمندان و فقیران جمیعاً! 3 زبانم به حکمت سخن می‌راند و تفکر دل من فطانت است. 4 گوش خود را به مثلی فرا می‌گیرم. معمای خویش را بر بریط می‌گشایم. 5 چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون گناه پاشنه‌هایم مرا احاطه می‌کند؛ 6 آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند و بر کثرت توانگری خویش فخر می‌نمایند. 7 هیچ کس هرگز برای برادر خود فدیة خواهد داد و کفاره او را به خدا نخواهد بخشید. 8 زیرا فدیة جان ایشان گرانبهاست و ابداً بدان نمی‌توان رسید 9 تا زنده بماند تا ابدالآباد و فساد را نبیند. 10 زیرا می‌بیند که حکیمان می‌میرند و جاهلان و ابلهان با هم هلاک می‌گردند و دولت خود را برای دیگران ترک می‌کنند. 11 فکر دل ایشان این است که خانه‌های ایشان دائمی باشد و مسکنهای ایشان دُوربهدُور؛ و نامه‌های خود را بر زمینهای خود می‌نهند. 12 لیکن انسان در حرمت باقی نمی‌ماند، بلکه مثل بهایم است که هلاک می‌شود. 13 این طریقه ایشان، جهالت ایشان است و اعقاب ایشان سخن ایشان را می‌پسندند، سیلاه. 14 مثل گوسفندان در هاویه رانده می‌شوند و موت ایشان را شبانی می‌کند و صبحگاهان راستان بر ایشان حکومت خواهند کرد و جمال ایشان در هاویه پوسیده خواهد شد تا مسکنی برای آن نباشد. 15 لیکن خدا جان مرا از دست هاویه نجات خواهد داد زیرا که مرا خواهد گرفت، سیلاه. 16 پس ترسان مباش، چون کسی دولتمند گردد و جلال خانه او افزوده شود! 17 زیرا چون بمیرد، چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت. 18 زیرا در حیات خود، خویشتن را مبارک می‌خواند؛ و چون بر خود احسان می‌کنی، مردم ترا میستایند. 19 لیکن به طبقه پدران خود خواهد پیوست که نور را تا به ابد نخواهند دید. 20 انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می‌شود.

50 [مزبور آساف] خدا، خدا ایواو تکلم می‌کند و زمین را از مطلع آفتاب تا به مغربش می‌خواند. 2 از صهیون که کمال زیبایی است، خدا تجلی نموده است. 3 خدای ما می‌آید و سکوت نخواهد نمود. آتش پیش روی او می‌بلعد و طوفان شدید گرداگرد وی خواهد بود. 4 آسمان را از بالا می‌خواند و زمین را، تا قوم خود را دوری کند، 5 مقدسان مرا نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته‌اند. 6 و آسمانها از انصاف او خبر خواهند داد، زیرا خدا خود داور است، سیلاه. 7 ای قوم من بشنو تا سخن گویم، و ای اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا، خدای تو من هستم.

8 دربارهٔ قربانی‌های تو را توبیخ نمی‌کنم و قربانی‌های سوختنی تو دائماً در نظر من است. 9 گوساله‌های از خانه تو نمی‌گیرم و نه بز از اغل تو. 10 زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن منند و بهایمی که بر هزاران کوه می‌باشند. 11 همهٔ پرندگان کوه‌ها را می‌شناسم و وحوش صحرا نزد من حاضرند. 12 اگر گرسنه می‌بودم تو را خبر نمی‌دادم، زیرا ربع مسکون و پُری آن از آن من است. 13 آیا گوشت گاو را بخورم و خون بزها را بنوشم؟ 14 برای خدا قربانی تشکر را بگذران، و نذرهای خویش را به حضرت اعلیٰ وفا نما. 15 پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی. 16 و اما به شریب خدا می‌گویم، ترا چه کار است که فرایض مرا بیان کنی و عهد مرا به زبان خود بیاوری؟ 17 چونکه تو از تادیب نفرت داشته‌ای و کلام مرا پشتسر خود انداخته‌ای. 18 چون دزد را دیدی او را پسند کردی و نصیب تو با زناکاران است. 19 دهان خود را به شرارت گشوده‌ای و زیانت حيله را اختراع می‌کنی. 20 نشسته‌ای تا به ضد برادر خود سخن رانی و دربارهٔ پسر مادر خویش غیبت گویی. 21 این را کردی و من سکوت نمودم. پس گمان بردی که من مثل تو هستم. لیکن تو را توبیخ خواهم کرد. و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد. 22 ای فراموشکنندگان خدا، در این تفکر کنید! مباد شما را بدرم و رهاننده‌ای نباشد. 23 هر که قربانی تشکر را گذراند مرا تمجید می‌کند، و آنکه طریق خود را راست سازد، نجات خدا را به وی نشان خواهم داد.

51 [برای سالار مغنیان. مزبور داود وقتی که ناتان نبی بعد از در آمدنش به بَشْتَبَع نزد او آمد] ای خدا به حسب رحمت خود بر منرحم فرما؛ به حسب کثرت رافتخویش گناهانم را محو ساز. 2 مرا از عصیانم به کلی شست و شو ده و از گناهم مرا طاهر کن. 3 زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر من است. 4 به تو و به تو تنها گناه ورزیده، و در نظر تو این بدی را کرده‌ام، تا در کلام خود مُصَدِّق گردی و در داوری خویش مُرْکَبی شوی. 5 اینک، در معصیت سرشته شدم و مادرم در گناه به من آبتن گردید. 6 اینک، به راستی در قلب راغب هستی. پس حکمت را در باطن من به من بیاموز. 7 مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم. 8 شادی و خرمی را به من بشنوان تا استخوانهایی که کوبیده‌ای به وجد آید. 9 روی خود را از گناهانم بیوشان و همهٔ خطایای مرا محو کن. 10 ای خدا دل طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز. 11 مرا از حضور خود مینداز، و روح قدوس خود را از من بگیر. 12 شادی نجات خود را به من باز ده و به روح آزاد مرا تأیید فرما. 13 آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم خواهم داد، و گناهکاران بسوی تو بازگشت خواهند نمود. 14 مرا از خونها نجات ده! ای خدایی که خدای نجات من هستی! تا زبانم به عدالت تو تَرْتَم نماید. 15 خداوندا لبهایم را بگشا تا زبانم تسبیح تو را اخبار نماید. 16 زیرا قربانی را دوست نداشتی والا می‌دادم. قربانی سوختنی را پسند نکردی. 17 قربانی‌های خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد. 18 به رضامندی خود بر صهیون احسان فرما و حصارهای اورشلیم را بنا نما. 19 آنگاه از قربانی‌های عدالت و قربانی‌های سوختنی تمام راضی خواهی شد و گوساله‌ها بر مذبح تو خواهند گذرانید.

صحرا مأوا می‌گردیم، سلاه. 8 می‌شناقتم بسوی پناهگاهی از باد تند و از طوفان شدید. 9 ای خداوند آنها را هلاک کن و زبانهایشان را تفریق نما زیرا که در شهر ظلم و جنگ دیدم. 10 روز و شب بر حصار هایش گردش می‌کنند و شرارت و مشقت در میانش می‌باشد. 11 فسادها در میان وی است و جور و حيله از کوجه‌هایش دور نمی‌شود. 12 زیرا دشمن نبود که مرا ملامت می‌کرد و الا تحمل می‌کردم؛ و خصم من نبود که بر من سر بلندی می‌نمود؛ و الا خود را از وی پنهان می‌ساختم، 13 بلکه تو بودی ای مرد نظیر من! ای یار خالص و دوست صدیق من! 14 که با یکدیگر مشورت شیرین می‌کردیم و به خانه خدا در انبوه می‌خرامیدیم. 15 موت بر ایشان ناگهان آید و زنده بگور فرو روند. زیرا شرارت در مسکنهای ایشان و در میان ایشان است. 16 و اما من نزد خدا فریاد می‌کنم و ایواؤ مرا نجات خواهد داد. 17 شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله می‌کنم و او آواز مرا خواهد شنید. 18 جانم را از جنگی که بر من شده بود، بسلامتی فدیة داده است. زیرا بسیاری با من مقاومت می‌کردند. 19 خدا خواهد شنید و ایشان را جواب خواهد داد، و او که از ازل نشسته است، سیلاه. زیرا که در ایشان تبدیلی نیست و از خدا نمی‌ترسند. 20 دست خود را بر صلحاندیشان خویش دراز کرده، و عهد خویش را شکسته است. 21 سخنان چرب زبانش نرم، لیکن دلش جنگ است. سخنانش چربتر از روغن لیکن شمشیرهای برهنه است. 22 نصیب خود را به ایواؤ بسیار و تو را رزق خواهد داد. او تا به ابد نخواهد گذاشت که مرد عادل جنبش خورد. 23 و تو ای خدا ایشان را به چاه هلاکت فرو خواهی آورد. مردمان خونریز و حيله‌ساز، روزهای خود را نیمه خواهند کرد. لیکن من بر تو توکل خواهم داشت.

56 [برای سالار مغنیان بر فاخته ساکت در بلاد بعیده. مکتوم داود وقتی که فلسطینیان او را در جت گرفتند] ای خدا بر من رحم فرما، زیرا که انسانمرا به شدت تعاقب می‌کند. تمامی روز جنگ کرده، مرا اذیت می‌نماید. 2 خصمانم تمامی روز مرا به شدت تعاقب می‌کنند. زیرا که بسیاری با تکبر با من می‌جنگند. 3 هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت. 4 در خدا کلام او را خواهم ستود. بر خدا توکل کرده، نخواهم ترسید. انسان به من چه می‌تواند کرد؟ 5 هر روزه سخنان مرا منحرف می‌سازند. همه فکرهای ایشان درباره من بر شرارت است. 6 ایشان جمع شده، کمین می‌سازند. بر قدمهای من چشم دارند زیرا قصد جان من دارند. 7 آیا ایشان بهسبب شرارت خود نجات خواهند یافت؟ ای خدا امنت‌ها را در غضب خویش ببنداز. 8 تو آوارگیهای مرا تقریر کرده‌ای. اشکهایم را در مشک خود بگذار. آیا این در دفتر تو نیست؟ 9 آنگاه در روزی که تو را بخوانم دشمنانم رو خواهند گردانید. این را می‌دانم زیرا خدا با من است. 10 در خدا کلام او را خواهم ستود. در ایواؤ کلام او را خواهم ستود. 11 بر خدا توکل دارم پس نخواهم ترسید. آدمیان به من چه می‌توانند کرد؟ 12 ای خدا نذرهای تو بر مناست. قربانی‌های حمد را نزد تو خواهم گذرانید. 13 زیرا که جانم را از موت رهانیده‌ای. آیا پایهایم را نیز از لغزیدن نگاه نخواهی داشت تا در نور زندگان به حضور خدا سالک باشم؟

52 [برای سالار مغنیان. قصیده داود وقتی که دو آغ ادومی آمد و شاول را خبر داده، گفت که، داود به خانه اخیملک رفت] ای جبار چرا از بدی فخر می‌کنی؟ رحمت خدا همیشه باقی است. 2 زبان تو شرارت را اختراع می‌کند، مثل آستره تیز، ای حيله ساز! 3 بدی را از نیکویی بیشتر دوست می‌داری و دروغ را زیادتیر از راست گویی، سلاه. 4 همه سخنان مهلک را دوست می‌داری، ای زبان حيله‌ساز! 5 خدا نیز تو را تا به ابد هلاک خواهد کرد و تو را ربوده، از مسکن تو خواهد گند و ریشه تو را از زمین زندگان، سلاه. 6 عادلان این را دیده، خواهند ترسید و بر او خواهند خندید، 7 هان این کسی است که خدا را قلعه خویش نمود، بلکه به کثرت دولت خود توکل کرد و از بدی خویش خود را زورآور ساخت. 8 و اما من مثل زیتون سبز در خانه خدا هستم. به رحمت خدا توکل می‌دارم تا ابد آباد. 9 تو را همیشه حمد خواهم گفت، زیرا تو این را کرده‌ای. و انتظار نام تو را خواهم کشید زیرا نزد مقدسان تو نیکوست.

53 [برای سالار مغنیان بر نوات اوتار. قصیده داود] احمق در دل خود می‌گوید که خدایی نیست. فاسد شده، شرارت مکرره کرده‌اند و نیکوکاری نیست. 2 خدا از آسمان بر بنی‌آدم نظر انداخت تا ببیند که فهم و طالب خدایی هست. 3 همه ایشان مرتد شده، با هم فاسد گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. 4 آیا گناهکاران بی‌معرفت هستند که قوم مرا می‌خورند چنانکه نان می‌خورند و خدا را نمی‌خوانند؟ 5 آنگاه سخت ترسان شدند، جایی که هیچ ترس نبود. زیرا خدا استخوانهای محاصره کننده تو را از هم پاشید. آنها را خجل ساخته‌ای زیرا خدا ایشان را رد نموده است. 6 کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد. وقتی که خدا اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادی خواهد کرد.

54 [رای سالار مغنیان. قصیده داود بر نوات اوتار وقتی که زبیبان نزد شاول آمده، گفتند آیا داود نزد ما خود را پنهان نمی‌کند] ای خدا به نام خود مرا نجات بده و بهقوت خویش بر من داوری نما. 2 ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان زبیبان را گوش بگیر. 3 زیرا بیگانگان به ضد من برخاسته‌اند و ظالمان قصد جان من دارند؛ و خدا را در مد نظر خود نگذاشته‌اند، سیلاه. 4 اینک، خدا مددکار من است. خداوند از تأیید کنندگان جان من است. 5 بدی را بر دشمنان من خواهد برگردانید. به راستی خود ریشه ایشان را بکن. 6 قربانی‌های تیرعی نزد تو خواهم گذرانید و نام تو را ای ایواؤ حمد خواهم گفت زیرا نیکوست، 7 چونکه از جمیع تنگیها مرا خلاصی داده‌ای، و چشم من بر دشمنانم نگریسته است.

55 [برای سالار مغنیان. قصیده داود بر نوات اوتار] ای خدا به دعای من گوش بگیر و خود را از تضرع من پنهان مکن! 2 به من گوش فراگیر و مرا مستجاب فرما! زیرا که در تفکر خود متحیرم و ناله می‌کنم 3 از آواز دشمن و بهسبب ظلم شیرین، زیرا که ظلم بر من می‌اندازند و با خشم بر من جفا می‌کنند. 4 دل من در اندرونم پیچ و تاب می‌کند، و ترسهای موت بر من افتاده است. 5 ترس و لرز به من در آمده است. وحشتی هولناک مرا در گرفته است. 6 و گفتم کاش که مرا بالها مثل کبوتر می‌بود تا پرواز کرده، استراحت می‌یافتم. 7 هر آینه بجای دور می‌پریدم، و در

9 ای قوت من، بسوی تو انتظار خواهم کشید زیرا خدا قلعه بلند من است. 10 خدای رحمت من پیش روی من خواهد رفت. خدا مرا بردشمنانم نگران خواهد ساخت. 11 ایشان را به قتل مرسان. مبادا قوم من فراموش کنند. ایشان را به قوت خود پراکنده ساخته، به زیر انداز، ای خداوند که سپر ما هستی! 12 به سبب گناه زبان و سخنان لبهای خود، در تکبر خویش گرفتار شوند؛ و به عوض لعنت و دروغی که می‌گویند، 13 ایشان را فانیکن، در غضب فانی کن تا نیست گردند و بدانند که خدا در یعقوب تا اقصای زمین سلطنت می‌کند. سیلاه. 14 و شامگاهان برگردیده، مثل سگ بانگ زنند و در شهر گردش کنند. 15 و برای خوراک پراکنده شوند و سیر نشده، شب را بسر برند. 16 و اما من قوت تو را خواهم سرابید و بامدادان از رحمت تو ترنم خواهم نمود. زیرا قلعه بلند من هستی و در روز تنگی ملجای منی. 17 ای قوت من برای تو سرود می‌خوانم، زیرا خدا قلعه بلند من است و خدای رحمت من.

60 [برای سالار مغنیان بر سوسن شهادت. مکتوم داود برای تعلیم وقتی که با ارم نهرین و ارم صوبه از در مقاتله بیرون آمد و یوآب برگشته، دوازده هزار نفر از ادومیان را در وادی الملح کشت] ای خدا ما را دور انداخته، پراکنده ساخته‌ای! خشمناک بودی، بسوی ما رجوع فرما! 2 زمین را متزلزل ساخته، آن را شکافتی! شکستگیهایش را شفا ده زیرا به جنبش آمده است. 3 چیزهای مشکل را به قوم خود نشان داده‌ای. باده سرگردانی به ما نوشانیده‌ای. 4 غمی به ترسندگان خود داده‌ای تا آن را برای راستی برافرازند، سیلاه. 5 تا حبیبان تو نجات یابند. به دست راست خود نجات ده و مرا مستجاب فرما. 6 خدا در قدوسیت خود سخن گفته است. پس وجد خواهم نمود، شکریم را تقسیم می‌کنم و وادی سگوت را خواهم پیمود. 7 جلعاد از آن من است، منسی از آن من. افرایم خود سر مناست و یهودا عصای سلطنت من. 8 موآب ظرف طهارت من است و بر انوم کفش خود را خواهم انداخت. ای فلسطین برای من بانگ برآور! 9 کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟ و کیست که مرا به ادم رهبری کند؟ 10 مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته‌ای و با لشکرهای ما ای خدا بیرون نمی‌آیی؟ 11 مرا از دشمن اعانت فرما زیرا معاونت انسان باطل است. 12 با خدا ظفر خواهیم یافت. زیرا اوست که دشمنان ما را پایمال خواهد کرد.

61 [برای سالار مغنیان بر ذوات اوتار. مزمو داود] ای خدا فریاد مرا بشنو و دعای مرا اجابت فرما! 2 از اقصای جهان تو را خواهم خواند، هنگامی که دلم بیهوش می‌شود. مرا به صخره‌های که از من بلندتر است هدایت نما. 3 زیرا که تو ملجای من بوده‌ای و برج قوی از روی دشمن. 4 در خیمه تو ساکن خواهم بود تا ابدالآباد. زیر سایه بالهای تو پناه خواهم برد، سیلاه. 5 زیرا تو ای خدا نذرهای مرا شنیده‌ای و میراث ترسندگان نام خود را به من عطا کرده‌ای. 6 بر عمر پادشاه روزها خواهی افزود و سالهای او تا نسلها باقی خواهد ماند. 7 به حضور خدا خواهد نشست تا ابدالآباد. رحمت و راستی را مهیا کن تا او را محافظت کنند. 8 پس نام تو را تا به ابد خواهم سرابید تا هر روز نذرهای خود را وفا کنم.

57 [برای سالار مغنیان بر لاتهلک. مکتوم داود وقتی که از حضور شاول به مغاره فرار کرد] ای خدا بر من رحم فرما، بر من رحم فرما! زیرا جانم در تو پناه می‌برد، و در سایه بالهای تو پناه می‌برم تا این بلایا بگذرد. 2 نزد خدای تعالی آواز خواهم داد، نزد خدایی که همه چیز را برایم تمام می‌کند. 3 از آسمان فرستاده، مرا خواهد رهانید. زیرا تعاقب کننده سخت من ملامت می‌کند، سیلاه. خدا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد. 4 جان من در میان شیران است. در میان آتش افروزان می‌خوابم، یعنی آدمیانی که دندانهایشان نیزه‌ها و تیرهاست و زبان ایشان شمشیر بُرنده است. 5 ای خدا بر آسمانها متعال شو و جلال تو بر تمامی جهان. 6 دامی برای پایهایم مهیا ساختند و جانم خم گردید. چاهی پیش رویم کردند، و خود در میانش افتادند، سیلاه. 7 دل من مستحکم است؛ خدایا دل من مستحکم است. سرود خواهم خواند و ترنم خواهم نمود. 8 ای جلال من بیدار شو! ای بربط و عود بیدار شو! صبحگاهان من بیدار خواهم شد. 9 ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت. تو را در میان قومها تسبیح خواهم خواند. 10 زیرا رحمت تو تا آسمانها عظیم است و راستی تو تا افلاک. 11 خدایا بر آسمانها متعال شو، و جلال تو بر تمامی جهان.

58 [برای سالار مغنیان بر لاتهلک. مکتوم داود] آیا فی الحقیقت به عدالتی که گنگاست سخن می‌گویند؟ و ای بنی آدم، آیا به راستی داوری می‌نمایید؟ 2 بلکه در دل خود شرارتها به عمل می‌آورید و ظلم دستهای خود را در زمین از میزان درمی‌کنید. 3 شریران از رحم منحرف هستند، از شکم مادر دروغ گفته، گمراه می‌شوند. 4 ایشان را زهری است مثل زهر مار؛ مثل افعی کر که گوش خود را می‌بندد 5 که آواز افسونگران را نمی‌شنود، هر چند به مهارت افسون می‌کند. 6 ای خدا دندانهایشان را در دهانشان بشکن. ای ایواو و دندانهای شیران را خرد بشکن. 7 گداخته شده، مثل آب بگذرند. چون او تیرهای خود را می‌اندازد، در ساعت منقطع خواهند شد. 8 مثل حلزون که گداخته شده، می‌گذرد. مثل سیقط زن، آفتاب را نخواهند دید. 9 قبل از آنکه دیگهای شما آتش خارها را احساس کند، آنها را چه تر و چه خشک خواهد رفت. 10 مرد عادل چون انتقام را دید شادی خواهد نمود. پایهای خود را به خون شریر خواهد شست. 11 و مردم خواهند گفت، هر آینه ثمرهای برای عادلان هست. هر آینه خدایی هست که در جهان داوری می‌کند.

59 [برای سالار مغنیان بر لاتهلک. مکتوم داود وقتی که شاول فرستاد که خانه را کشیک بکشند تا او را بکشند] ای خدایم مرا از دشمنانم برهان! مرا از مقاومت کنندگان برافراز! 2 مرا از گناهکاران خلاصی ده! و از مردمان خونریز رهایی بخش! 3 زیرا اینک، برای جانم کمین می‌سازند و زورآوران به ضد من جمع شده‌اند، بدون تقصیر من ای ایواو و بدون گناه من. 4 بیقصور من می‌شتابند و خود را آماده می‌کنند. پس برای ملاقات من بیدار شو و ببین. 5 اما تو ای ایواو و، خدای صباوت، خدای اسرائیل، بیدار شده، همه امت‌ها را مکافات برسان و بر غداران بدکار شفقت مفرما، سیلاه. 6 شامگاهان برمی‌گردند و مثل سگ بانگ می‌کنند و در شهر دور می‌زنند. 7 از دهان خود بدی را فرو می‌ریزند. در لبهای ایشان شمشیرهاست. زیرا می‌گویند، کیست که بشنود؟ 8 و اما تو ای ایواو و، بر ایشان خواهی خندید و تمامی امت‌ها را استهزا خواهی نمود.

9 و جمیع آدمیان خواهند ترسید و کار خدا را اعلام خواهند کرد و عمل او را درک خواهند نمود. 10 و مرد صالح در ایواؤ شادی می‌کند و بر او توکل می‌دارد و جمیع راست‌دلان، فخر خواهند نمود.

65 [برای سالار مغنیان. مزبور و سرود داود] ای خدا، تسبیح در صهیون منتظر توست، و نذرهای تو وفا خواهد شد. 2 ای که دعا می‌شنوی، نزد تو تمامی بشر خواهند آمد! 3 گناهان بر من غالب آمده است. تو تقصیرهای مرا کفاره خواهی کرد. 4 خوشبحال کسی که او را برگزیده و مُقرب خود ساخته‌ای تا به درگاه‌های تو ساکن شود. از نیکویی خانه‌ی تو سیر خواهیم شد و از قدوسیت هیکل تو. 5 به چیزهای ترسناک در عدل، ما را جواب خواهی داد، ای خدایی که نجات ما هستی، ای که پناه تمامی اقصای جهان و ساکنان بعیده دریا هستی، 6 و کوه‌ها را به قوت خود مستحکم ساخته‌ای، و کمر خود را به قدرت بستهای، 7 و تلاطم دریا را ساکن می‌گردانی، تلاطم امواج آن و شورش امت‌ها را. 8 ساکنان اقصای جهان از آیات تو ترسانند. مَطْلَع‌های صبح و شام را شادمان می‌سازی. 9 از زمین تفقد نموده، آن را سیراب می‌کنی و آن را بسیار توانگر می‌گردانی. نهر خدا از آب پر است. غله ایشان را آماده می‌کنی زیرا که بدین طور تهیه کرده‌ای. 10 پشته‌هایش را سیراب می‌کنی و مرزهایش را پست می‌سازی. به بارشها آن را شاداب می‌نمایی. نباتاتش را برکت می‌دهی. 11 به احسان خویش سال را تاجدار می‌سازی و راه‌های تو چربی را می‌چکاند. 12 مرتعهای صحرا نیز می‌چکاند و کمر تلها به شادمانی بسته شده است. 13 چمنها به گوسفندان آراسته شده است و دره‌ها به غله پیراسته؛ از شادی بانگ می‌زنند و نیز میسر آیند.

66 [برای سالار مغنیان. سرود و مزبور] ای تمامی زمین، برای خدا بانگ شادمانی بزنید! 2 جلال نام او را بسرایید، و در تسبیح او جلال او را توصیف نمایید! 3 خدا را گویند، چه مهیب است کارهای تو! از شدت قوت تو دشمنانت نزد تو تذلل خواهند کرد! 4 تمامی زمین تو را پرستش خواهند کرد و تو را خواهند سراپید و به نام تو ترنم خواهند نمود. سیلاه. 5 بیابید کارهای خدا را مشاهده کنید. او درکارهای خود به بنی‌ادم مهیب است. 6 دریا را به خشکی مبدل ساخت و مردم از نهر با پا عبور کردند. در آنجا بدو شادی نمودیم. 7 در توانایی خود تا به ابد سلطنت می‌کند و چشمانش مراقب امت‌ها است. فتنهانگیزان خویشش را برنیفرانند، سیلاه. 8 ای قومها، خدای ما را متبارک خوانید و آواز تسبیح او را بشنوانید. 9 که جانهای ما را در حیات قرار می‌دهد و نمی‌گذارد که پایهای ما لغزش خورد. 10 زیرا ای خدا تو ما را امتحان کرده‌ای و ما را غال گذاشته‌ای چنانکه نقره را غال می‌گذارند. 11 ما را به دام درآوردی و باری گران بر پشتهای ما نهادی. 12 مردمان را بر سر ما سوار گردانیدی و به آتش و آب در آمدیم. پس ما را به جای خرم بیرون آوردی. 13 قربانی‌های سوختنی به خانه‌ی تو خواهیم آورد. نذرهای خود را به تو وفا خواهیم نمود، 14 که لبهای خود را بر آنها گشودم و در زمان تنگی خود آنها را به زبان خود آوردم. 15 قربانی‌های سوختنی پرواری را نزد تو خواهیم گذرانید. گوساله‌ها و بزها را با بخور قوچها ذبح خواهیم کرد، سیلاه. 16 ای همه! خداترسان بیابید و بشنوید تا از آنچه او برای جان من کرده است خبر دهم.

62 [برای یدوتون سالار مغنیان. مزبور داود] جان من فقط برای خدا خاموشی‌شود زیرا که نجات من از جانب اوست. 2 او تنها صخره و نجات من است و قلعه بلند من. پس بسیار جنبش نخواهم خورد. 3 تا به کی بر مردی هجوم می‌آوری تا همگی شما او را هلاک کنید مثل دیوار خم شده و حصار جنبش خورده؟ 4 در این فقط مشورت می‌کنند که او را از مرتبه‌اش بیندازند. و دروغ را دوست می‌دارند. به زبان خود برکت می‌دهند و در دل خود لعنت می‌کنند، سیلاه. 5 ای جان من، فقط برای خدا خاموش شو زیرا که امید من از وی است. 6 او تنها صخره و نجات من است و قلعه بلند من تا جنبش نخورم. 7 برخداست نجات و جلال من. صخره قوت من و پناه من در خداست. 8 ای قوم همه وقت بر او توکل کنید و دل‌های خود را به حضور وی بریزید. زیرا خدا ملجای ماست، سیلاه. 9 البته بنی‌ادم بظالتاند و بنیشر دروغ. در ترازو بالا می‌روند زیرا جمیعاً از بظالت سبک‌ترند. 10 بر ظلم توکل نکنید و بر غارت مغرور مشوید. چون دولت افزوده شود دل در آن میندید. 11 خدا یک بار گفته است و دو بار این را شنیده‌ام که قوت از آن خداست. 12 ای خداوند رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس موافق عملش جزا خواهی داد.

63 [مزبور داود هنگامی که در صحرای یهودا بود] ای خدا، تو خدای من هستی. در سحر تو را خواهم طلبید. جان من تشنه تو است و جسم مشتاق تو در زمین خشک تشنه بی‌آب. 2 چنانکه در قدس بر تو نظر کردم تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم. 3 چونکه رحمت تو از حیات نیکوتر است. پس لبهای من ترا تسبیح خواهد خواند. 4 از این رو تا زنده هستم تو را متبارک خواهم خواند. و دستهای خود را به نام تو خواهم برافراشت. 5 جان من سیر خواهد شد چنانکه از مغز و پیه، و زبان من به لبهای شادمانی تو را حمد خواهد گفت، 6 چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم و در پاسهای شب در تو تفکر می‌کنم. 7 زیرا تو مددکار من بوده‌ای و زیر سایه بالهای تو شادی خواهم کرد. 8 جان من به تو چسبیده است و دست راست تو مرا تأیید کرده است. 9 و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد و در اسفل زمین فرو خواهند رفت. 10 ایشان به دم شمشیر سپرده می‌شوند و نصیب شغالها خواهند شد. 11 اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد و هر که بدو قسم خورد، فخر خواهد نمود، زیرا دهان دروغ‌گویان بسته خواهد گردید.

64 [برای سالار مغنیان. مزبور داود] ای خدا وقتی که تضرع می‌نمایم، آواز مرا بشنو و حیاتم را از خوف دشمن نگاهدار! 2 مرا از مشاورت شریران پنهان کن و از هنگامه گناهکاران. 3 که زبان خود را مثل شمشیر تیز کرده‌اند و تیرهای خود، یعنی سخنان تلخ را بر زه آراسته‌اند. 4 تا در کمینهای خود بر مرد کامل بیندازند. ناگهان بر او می‌اندازند و نمی‌ترسند. 5 خویشش را برای کار زشت تقویت می‌دهند. درباره پنهان کردن دامها گفتگو می‌کنند. می‌گویند، کیست که ما را ببیند؟ 6 کارهای بد را تدبیر می‌کنند و می‌گویند، تدبیر نیکو کرده‌ایم. و اندرون و قلب هر یک از ایشان عمیق است. 7 اما خدا تیرها بر ایشان خواهد انداخت و ناگهان جراحتهای ایشان خواهد شد، 8 و زبانهای خود را برخورد فرود خواهند آورد و هر که ایشان را ببیند فرار خواهد کرد.

17 به دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم و تسبیح بلند بر زبان من بود. 18 اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتیم، خداوند مرا نمی‌شنید. 19 لیکن خدا مرا شنیده است و به آواز دعای من توجه فرموده. 20 متبارک باد خدا که دعای مرا از خود، و رحمت خویش را از من برنگردانیده است.

67 [برای سالار مغنیان. مزمور و سرود بر ذوات اوتار] خدا بر ما رحم کند و ما را مبارک سازد و نور روی خود را بر ما متجلی فرماید! سلاه. 2 تا راه تو در جهان معروف گردد و نجات تو به جمیع امت‌ها. 3 ای خدا قومه‌ها تو را حمد گویند. جمیع قومه‌ها تو را حمد گویند. 4 امت‌ها شادی و ترنم خواهند نمود زیرا قومه‌ها را به انصاف حکم خواهی نمود و امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد، سلاه. 5 ای خدا قومه‌ها تو را حمد گویند. جمیع قومه‌ها تو را حمد گویند. 6 آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد و خدا خدای ما، ما را مبارک خواهد فرمود. 7 خدا ما را مبارک خواهد فرمود. و تمامی اقصای جهان از او خواهند ترسید.

68 [رای سالار مغنیان. مزمور و سرود داود] خدا برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند! و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند! 2 چنانکه دود پراکنده می‌شود، ایشان را پراکنده ساز، و چنانکه موم پیش آتش گداخته می‌شود، همچنان شریران به حضور خدا هلاک گردند. 3 اما صالحان شادی کنند و در حضور خدا به وجد آیند و به شادمانی خرسند شوند. 4 برای خدا سرود بخوانید و به نام او ترنم نمایید و راهی درست کنید برای او که در صحراها سوار است. نام او ایو است! به حضورش به وجد آید! 5 پدر بییمان و داور بیوه زنان، خداست در مسکن قدس خود! 6 خدا بی‌کسان را ساکن خانه می‌گرداند و اسیران را به رستگاری بیرون می‌آورد، لیکن فتنه‌انگیزان در زمین تفتیده ساکن خواهند شد. 7 ای خدا هنگامی که پیش روی قوم بیرون رفتی، هنگامی که در صحرا خرامیدی، سلاه. 8 زمین متزلزل شد و آسمان به حضور خدا بارید، این سینا نیز از حضور خدا، خدای اسرائیل. 9 ای خدا باران نعمتها بارانیدی و میراثت را چون خسته بود، مستحکم گردانیدی. 10 جماعت تو در آن ساکن شدند. ای خدا، به جود خویش برای مساکین نذارک دیده‌ای. 11 خداوند سخن را می‌دهد. مبشرات انبوه عظیمی می‌شوند. 12 ملوک لشکرها فرار کرده، منهزم می‌شوند و زنی که در خانه مانده است، غارت را تقسیم می‌کند. 13 اگرچه در آغلها خوابیده بودید، لیکن مثل بالهای فاخته شده‌اید که به نقره پوشیده است و پر هایش به طلای سرخ. 14 چون قادر مطلق پادشاهان را در آن پراکنده ساخت، مثل برف بر صلّمون درخشان گردید. 15 کوه خدا، کوه باشان است، کوهی با قله‌های افراشته کوه باشان است. 16 ای کوه‌های با قله‌های افراشته، چرا نگرانید بر این کوهی که خدا برای مسکن خود برگزیده است؟ هر آینه ایو او در آن تا به ابد ساکن خواهد بود. 17 اربابه‌های خدا کرورها و هزارهاست. خداوند در میان آنهاست و سینا در قدس است. 18 بر اعلیٰ علین صعود کرده، و اسیران را به اسیری برده‌ای. از آدمیان بخششها گرفته‌ای. بلکه از فتنه‌انگیزان نیز تا ایو خدا در ایشان مسکن گیرد. 19 متبارک باد خداوندی که هر روزه متحمل بارهای ما می‌شود خدایی که نجات ماست، سلاه. 20 خدا برای ما، خدای نجات است و مفرهای موت از آن خداوند ایو او است.

21 هر آینه خدا سر دشمنان خود را خرد خواهد کوبید و کله می‌دار کسی را که در گناه خود سالک باشد. 22 خداوند گفت، از باشان باز خواهم آورد. از ژرفیهای دریا باز خواهم آورد. 23 تا پای خود را در خون فروبری و زبان سگان تو از دشمنانت بهره خود را بیابد. 24 ای خدا طریق‌های تو را دیده‌اند، یعنی طریق‌های خدا و پادشاه مرا در قدس. 25 در پیش رو، مغنیان می‌خرامند و در عقب، سازندگان و در وسط دوشیزگان دفت زن. 26 خدا را در جماعتها متبارک خوانید و خداوند را از چشمه اسرائیل. 27 آنجاست بنیامین صغیر، حاکم ایشان و رؤسای یهودا محفل ایشان. رؤسای زبولون و رؤسای نفتالی. 28 خدایت برای تو قوت را امر فرموده است. ای خدا آنچه را که برای ما کرده‌ای، استوار گردان. 29 به سبب هیکل تو که در اورشلیم است، پادشاهان هدایا نزد تو خواهند آورد. 30 و وحش نیزار را توبیخ فرما و رمه گاو را با گوساله‌های قوم که با شمشهای نقره نزد تو گردن می‌نهند. و قومهایی که جنگ را دوست می‌دارند پراکنده ساخته است. 31 سروران از مصر خواهند آمد و حبشه دستهای خود را نزد خدا بزودی دراز خواهد کرد.

32 ای ممالک جهان برای خدا سرود بخوانید. برای خداوند سرود بخوانید، سلاه. 33 برای او که بر فلک‌الافلاک قدیمی سوار است. اینک، آواز خود را می‌دهد، آوازی که پُر قوت است. 34 خدا را به قوت توصیف نمایید. جلال وی بر اسرائیل است و قوت او در افلاک. 35 ای خدا از قدسهای خود مهیب هستی. خدای اسرائیل قوم خود را قوت و عظمت می‌دهد. متبارک باد خدا.

69 [برای سالار مغنیان بر سوسنها. مزمور داود.] خدایا مرا نجات ده! زیرا آبها به جان من درآمده است. 2 در خلاب ژرف فرو رفته‌ام، جایی که نتوان ایستاد. به آبهای عمیق درآمده‌ام و سیل مرا می‌پوشاند. 3 از فریاد خود خسته شده‌ام و گلوی من سوخته و چشمانم از انتظار خدا تار گردیده است. 4 آنانی که بی‌سبب از من نفرت دارند، از مویهای سرم زیاده‌اند و دشمنان ناحق من که قصد هلاکت من دارند زور آورند. پس آنچه نگرفته بودم، رد کردم. 5 ای خدا، تو حماقت مرا می‌دانی و گناهانم از تو مخفی نیست. 6 ای خداوند ایو او صباوت، منتظرین تو به سبب من خجل نشوند. ای خدای اسرائیل، طالبان تو به سبب من رسوا نگردند. 7 زیرا به خاطر تو متحمل عار گردیده‌ام و رسوایی روی من، مرا پوشیده است. 8 نزد برادرانم اجنبی شده‌ام و نزد پسران مادر خود غریب. 9 زیرا غیرت خانه تو مرا خورده است و ملامت‌های ملامت‌کنندگان تو بر من طاری گردیده. 10 روزه داشته، جان خود را مثل اشک ریخته‌ام. و این برای من عار گردیده است. 11 پلاس را لباس خود ساخته‌ام و نزد ایشان ضربالمثل گردیده‌ام. 12 دروازه نشینان درباره من حرف می‌زنند و سرود می‌گسارن گشته‌ام. 13 و اما من، ای ایو او دعای خود را در وقت اجابت نزد تو می‌کنم. ای خدا در کثرت رحمانیت خود و راستی نجات خود مرا مستجاب فرما. 14 مرا از خلاب خلاصی ده تا غرق نشوم و از نفر تکتندگم و از ژرفیهای آب رستگار شوم. 15 مگذار که سیلان آب مرا ببوشاند و ژرفی مرا ببعد و هاویه دهان خود را بر من ببندد. 16 ای ایو او مرا مستجاب فرما زیرا رحمت تو نیکوست. به کثرت رحمانیتت بر من توجه نما، 17 و روی خود را از بندهات مپوشان زیرا در تنگی هستم. مرا بزودی مستجاب فرما. 18 به جانم نزدیک شده، آن را رستگار ساز. به سبب دشمنانم مرا فدیہ ده.

13 خصمان جانم خجل و فانی شوند. و آنانی که برای ضرر من می‌کوشند، به عار و رسوایی ملبس گردند. 14 و اما من دائماً امیدوار خواهم بود و بر همهٔ تسبیح تو خواهم افزود. 15 زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و نجاست راتمامی روز. زیرا که حد شمارهٔ آن را نمی‌دانم. 16 در توانایی خداوند ایو او او خواهم آمد و از عدالت تو و بس خبر خواهم داد. 17 ای خدا از طفولیتم مرا تعلیم داده‌ای و تا الآن، عجایب تو را اعلان کرده‌ام. 18 پس ای خدا، مرا تا زمان پیری و سفید مویی نیز ترک مکن، تا این طبقه را از بازوی تو خبر دهم و جمیع آیندگان را از توانایی تو. 19 خدایا عدالت تو تا اعلی‌علیین است. تو کارهای عظیم کرده‌ای. خدایا مانند تو کیست؟ 20 ای که تنگیهای بسیار و سخت را به ما نشان داده‌ای، رجوع کرده، باز ما را زنده خواهی ساخت؛ و برگشته، ما را از عمق‌های زمین برخواهی آورد. 21 بزرگی مرا مزید خواهی کرد و برگشته، مرا تسلی خواهی بخشید. 22 پس من نیز تو را با بربط خواهم ستود، یعنی راستی تو را ای خدای من، و تو را ای قدوس اسرائیل با عود ترنم خواهم نمود. 23 چون برای تو سرود می‌خوانم لبهایم بسیار شادی خواهد کرد و جانم نیز که آن را فدیهِ داده‌ای. 24 زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر خواهد کرد. زیرا آنانی که برای ضرر من می‌کوشیدند، خجل و رسوا گردیدند.

72 [مزمور سلیمان] ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه! 2 و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف. 3 آنگاه کوه‌ها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد و تله‌ها نیز در عدالت. 4 مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد؛ و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد؛ و ظالمان را زیون خواهد ساخت. 5 از تو خواهند ترسید، مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. 6 او مثل باران بر علفزار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می‌کند. 7 در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگردد. 8 و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان. 9 به حضور وی صحرائشینیان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید. 10 پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبا ارمانها خواهند رسانید. 11 جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود. 12 زیرا چون مسکین استغاثه کند، او را راهی خواهد داد و فقیری را که رهاننده‌ای ندارد. 13 بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جانهای مساکین را نجات خواهد بخشید. 14 جانهای ایشان را از ظلم و ستم فدیهِ خواهد داد و خون ایشان در نظر وی گرانها خواهد بود. 15 و او زنده خواهد ماند و از طلای شبا بدو خواهد داد. دائماً برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند. 16 و فراوانی غله در زمین بر قلهٔ کوه‌ها خواهد بود که ثمرهٔ آن مثل لبنان جنبش خواهد کرد. و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد. 17 نام او تا ابدالایاد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند. 18 متبارک باد ایو او او خدا که خدای اسرائیل است. که او فقط کارهای عجیب می‌کند. 19 و متبارک باد نام مجید او تا ابدالایاد. و تمامی زمین از جلال او پر بشود. آمین و آمین. 20 دعاها را داود بن یسی تمام شد.

19 تو عار و خجالت و رسوایی مرا می‌دانی و جمیع خصمانم پیش نظر تو اند. 20 عار، دل مرا شکسته است و به شدت بیمار شده‌ام. انتظار مُشَفِّقی کشیدم، ولی نبود و برای تسلیدهندگان، اما نیافتم. 21 مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند. 22 پس مائدهٔ ایشان پیش روی ایشان تله باد و چون مطمئن هستند، دامی باشد. 23 چشمان ایشان تار گردد تا نبینند و کمرهای ایشان را دائماً لرزان گردان. 24 خشم خود را بر ایشان بریز و سورت غضب تو ایشان را دریابد. 25 خانه‌های ایشان مخروبه گردد و در خیمه‌های ایشان هیچ‌کس ساکن نشود. 26 زیرا بر کسی که تو زده‌ای جفا می‌کنند و دردهای کوفتگان تو را اعلان می‌نمایند. 27 گناه بر گناه ایشان مزید کن و در عدالت تو داخل نشوند. 28 از دفتر حیات محو شوند و با صالحین مرقوم نگردند. 29 و اما من، مسکین و دردمند هستم. پس ای خدا، نجات تو مرا سرفراز سازد. 30 و نام خدا را با سرود تسبیح خواهم خواند و او را با حمد تعظیم خواهم نمود. 31 و این پسندیدهٔ ایو او او خواهد بود، زیاده از گاو و گوساله‌ای که شاخها و سمها دارد. 32 حلیمان این را دیده، شادمان شوند، و ای طالبان خدا دل شما زنده گردد، 33 زیرا ایو او او فقیران را مستجاب می‌کند و اسیران خود را حقیر نمی‌شمارد. 34 آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند. آنها نیز و آنچه در آنها می‌جنبند. 35 زیرا خدا صهیون را نجات خواهد داد و شهرهای یهودا را بنا خواهد نمود تا در آنجا سکونت نمایند و آن را متصرف گردند. 36 و ذریت بندگان و ارث آن خواهند شد و آنانی که نام او را دوست دارند، در آن ساکن خواهند گردید.

70 [برای سالار مغنیان. مزمور داود بجهت یادگاری] خدایا، برای نجات من بشتاب! ای ایو او او به اعانت من تعجیل فرما! 2 آنانی که قصد جان من دارند، خجل و شرم‌منده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، رو برگردانیده و رسوا گردند، 3 و آنانی که هه‌هه می‌گویند، به‌سبب خجالت خویش رو برگردانیده شوند. 4 و اما جمیع طالبان تو، در تو وجد و شادی کنند، و دوست دارندگان نجات تو دائماً گویند، خدا متعال باد! 5 و اما من مسکین و فقیر هستم. خدایا برای من تعجیل کن. تو مددکار و نجات‌دهندهٔ من هستی. ای ایو او او تأخیر منما.

71 در تو ای ایو او او پناه برده‌ام، پس تا به ابد خجل نخواهم شد. 2 به عدالت خود مرا خلاصی ده و برهان. گوش خود را به من فراگیر و مرا نجات ده. 3 برای من صخرهٔ سکونت باش تا همه وقت داخل آن شوم. تو به نجات من امر فرموده‌ای، زیرا صخره و قلعهٔ من تو هستی. 4 خدایا مرا از دست شریر برهان و از کف بدکار و ظالم. 5 زیرا ای خداوند ایو او او، تو امید من هستی و از طفولیتم اعتماد من بوده‌ای. 6 از شکم بر تو انداخته شده‌ام. از رحم مادرم ملجای من تو بوده‌ای و تسبیح من دائماً دربارهٔ تو خواهد بود. 7 بسیاری را آیتی عجیب شده‌ام. لیکن تو ملجای زورآور من هستی. 8 دهانم از تسبیح تو پر است و از کبریاپی تو تمامی روز. 9 در زمان پیری مرا دور مینداز چون قوتم زایل شود مرا ترک منما. 10 زیرا دشمنانم بر من حرف می‌زنند و مترصدان جانم با یکدیگر مشورت می‌کنند 11 و می‌گویند، خدا او را ترک کرده است. پس او را تعاقب کرده، بگیرد، زیرا که رهاننده‌ای نیست. 12 ای خدا از من دور مشو. خدایا به اعانت من تعجیل نما.

73 [مزمور آساف] هر آینه خدا برای اسرائیل نیکوست، یعنی برای آنانی که پاکدل هستند. 2 و اما من نزدیک بود که پاپه‌ایم از راه در رود و نزدیک بود که قدمه‌ایم بلغزد. 3 زیرا بر متکبران حسد بردم چون سلامتی شریران را دیدم. 4 زیرا که در موت ایشان قیده‌ایم نیست و قوت ایشان مستحکم است. 5 مثل مردم در زحمت نیستند و مثل آدمیان مبتلا نمی‌باشند. 6 بنابراین گردن ایشان به تکبر آراسته است و ظلم مثل لباس ایشان را می‌پوشاند. 7 چشمان ایشان از فربهی بدر آمده است و از خیالات دل خود تجاوز می‌کنند. 8 استهزا می‌کنند و حرفهای بد می‌زنند و سخنان ظلم‌آمیز را از جای بلند می‌گویند. 9 دهان خود را بر آسمانها گذارده‌اند و زبان ایشان در جهان گردش می‌کند. 10 پس قوم او بدینجا برمی‌گردند و آبهای فراوان، بدیشان نوشانیده می‌شود. 11 و ایشان می‌گویند، خدا چگونه بداند و آیا حضرت اعلی علم دارد؟ 12 اینک، اینان شریر هستند که همیشه مطمئن بوده، در دولتندی افزوده می‌شوند. 13 یقیناً من دل خود را عبث طاهر ساخته و دستهای خود را به پاکی شستهم. 14 و من تمامی روز مبتلا می‌شوم و تأدیب من هر بامداد حاضر است. 15 اگر می‌گفتم که چنین سخن گویم، هر آینه بر طبقه فرزندان تو خیانت می‌کردم. 16 چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد. 17 تا به قدسهای خدا داخل شدم. آنگاه در آخرت ایشان تأمل کردم. 18 هر آینه ایشان را در جایهای لغزنده گذارده‌ای. ایشان را به خرابیها خواهی انداخت. 19 چگونه بگفته به هلاکت رسیده‌اند! تباه شده، از ترسهای هولناک نیست گردیده‌اند. 20 مثل خواب کسی چون بیدار شد، ای خداوند! همچنین چون برخیزی، صورت ایشان را ناچیز خواهی شمرد. 21 لیکن دل من تلخ شده بود و در اندرون خود، دل ریش شده بودم. 22 و من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم. 23 ولی من دائماً با تو هستم. تو دست راست مرا تأیید کرده‌ای. 24 موافق رأی خود مرا هدایت خواهی نمود و بعد از این مرا به جلال خواهی رسانیدی. 25 کیست برای من در آسمان؟ و غیر از تو هیچ چیز را در زمین نمی‌خواهم. 26 اگر چه جسد و دل من زائل گردد، لیکن صخره دلم و حصه من خداست تا ابدالابد. 27 زیرا آنانی که از تو دورند هلاک خواهند شد. و آنانی را که از تو زنا می‌کنند، نابود خواهی ساخت. 28 و اما مرا نیکوست که به خدا تقرب جویم. بر خداوند ایواو توکل کرده‌ام تا همه کارهای تو را بیان کنم.

75 [برای سالار مغنیان بر لاته‌لک. مزمور و سرود آساف] تو را حمد می‌گوییم! ای خدا تو را حمد می‌گوییم! زیرا نام تو نزدیک است و مردم کارهای عجیب تو را ذکر می‌کنند. 2 هنگامی که به زمان معین برسم، برآستی داوری خواهم کرد. 3 زمین و جمیع ساکنانش گداخته شده‌اند. من ارکان آن را برقرار نموده‌ام، سیله. 4 متکبران را گفتم، فخر مکنید! و به شریران که شاخ خود را می‌فرازید. 5 شاخهای خود را بهلندی می‌فرازید. و با گردنکشی سخنان تکبرآمیز مگویید. 6 زیرا نه از مشرق و نه از مغرب، و نه از جنوب سرفرازی می‌آید. 7 لیکن خدا، داور است. این را به زیر می‌اندازد و آن را سرفراز می‌نماید. 8 زیرا در دست ایواو کاسهای است و باده آن پر جوش. از شراب ممزوج پر است که از آن می‌ریزد. و اما دُرده‌ایش را جمیع شریران جهان افشرد، خواهند نوشید. 9 و اما من، تا به ابد ذکر خواهم کرد و برای خدای یعقوب ترنم خواهم نمود. 10 جمیع شاخهای شریران را خواهم برید و اما شاخهای صالحین برافراشته خواهد شد.

76 [برای سالار مغنیان بر ذوات اوتار. مزمور و سرود آساف] خدا در یهودا معروف است و نام او در اسرائیل عظیم! 2 خیمه او است در شالیم و مسکن او در صهیون. 3 در آنجا، برقه‌ای کمان را شکست. سپر و شمشیر و جنگ را، سیله. 4 تو جلیل هستی و مجید، زیاده از کوه‌های یغما! 5 قوی دلان تاراج شده‌اند و خواب ایشان را درر بود و همه مردان زورآور دست خود را نیافتند. 6 از توییخ تو ای خدای یعقوب، بر اربابها و اسبان خوابی گران مستولی گردید. 7 تو مهیب هستی، تو! و در حین غضبت، کیست که به حضور تو ایستد؟ 8 از آسمان داوری را شنوایدی. پس جهان بترسید و ساکت گردید. 9 چون خدا برای داوری قیام فرماید تا همه مساکین جهان را خلاصی بخشد، سیله، 10 آنگاه خشم انسان تو را حمد خواهد گفت، و باقی خشم را بر کمر خود خواهی بست.

74 [قصیده آساف] چرا ای خدا ما را ترک کرده‌ای تا به ابد و خشم تو بر گوسفندان مرتع خود افروخته شده است؟ 2 جماعت خود را که از قدیم خریدهای، به یاد آور و آن را که فدیه داده‌ای تا سبط میراث تو شود و این کوه صهیون را که در آن ساکن بوده‌ای. 3 قدمهای خود را بسوی خرابه‌های ابدی بردار زیرا دشمن هر چه را که در قدس تو بود، خراب کرده است. 4 دشمنانت در میان جماعت تو غرّش می‌کنند و علمهای خود را برای علامات برپا می‌نمایند. 5 و ظاهر می‌شوند چون کسانی که تیرها را بر درختان جنگل بلند می‌کنند. 6 و الان همه نقشهای تراشیده آن را به تیرها و چکشها خرد می‌شکنند. 7 قدسهای تو را آتش زده‌اند و مسکن نام تو را تا به زمین بی‌حرمت کرده‌اند. 8 و در دل خود می‌گویند، آنها را تماماً خراب می‌کنیم. پس جمیع کنیسه‌های خدا را در زمین سوزانیده‌اند. 9 آیات خود را نمی‌بینیم و دیگر هیچ نبی نیست. و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کی خواهد بود.

11 نذر کنید و وفا نمایید برای ایو او و خدای خود. همه که گرداگرد او هستند، هدیه بگذرانند نزد او که مهیب است.
12 روح رؤسا را منقطع خواهد ساخت و برای پادشاهان جهان مهیب می‌باشد.

77 [برای سالار مغنیان بر یوتون. مزمو آساف] آواز من بسوی خداست و فریاد می‌کنم؛ آواز من بسوی خداست. گوش خود را به من فرا خواهد گرفت. 2 در روز تنگی خود **خداوند** را طلب کردم. در شب، دست من دراز شده، بازکشیده نگشت و جان من تسلی نیپذیرفت. 3 خدا را یاد می‌کنم و پریشان می‌شوم. تفکر می‌نمایم و روح من متحیر می‌گردد، سلاه. 4 چشمانم را بیدار می‌داشتی. بیتاب می‌شدم و سخن نمی‌توانستم گفت. 5 درباره ایام قدیم تفکر کرده‌ام. دربارهٔ سالهای زمانهای سلف. 6 سرود شبانه خود را بخاطر می‌آورم و در دل خود تفکر می‌کنم و روح من تفتیش نموده است. 7 مگر **خدا** تا به ابد ترک خواهد کرد و دیگر هرگز راضی نخواهد شد. 8 آیا رحمت او تا به ابد زایل شده است؟ و قول او باطل گردیده تا ابدالآباد؟ 9 آیا خدا رأفت را فراموش کرده؟ و رحمتهای خود را در غضب مسدود ساخته است؟ سلاه. 10 پس گفتم این ضعف من است. زهی سالهای دست راست حضرت اعلیٰ! 11 کارهای ایو را ذکر خواهم نمود زیرا کار عجیب تو را که از قدیم است، به یاد خواهم آورد. 12 و در جمیعکارهای تو تأمل خواهم کرد و در صنعتهای تو تفکر خواهم نمود. 13 ای خدا، طریق تو در قدوسیت است. کیست خدای بزرگ مثل خدا؟ 14 تو خدایی هستی که کارهای عجیب می‌کنی و قوت خویش را بر قوما معروف گردانیده‌ای. 15 قوم خود را به بازوی خویش رها نیده‌ای، یعنی بنی‌یعقوب و بنی‌یوسف را. سلاه. 16 آنها تو را دید، ای خدا، آنها تو را دیده، متزلزل شد. لجه‌ها نیز سخت مضطرب گردید. 17 ابرها آب بریخت و افلاک رعد بداد. تیرهای تو نیز به هر طرف روان گردید. 18 صدای رعد تو در گردباد بود و برقها ربع مسکون را روشن کرد. پس زمین مرتعش و متزلزل گردید. 19 طریق تو در دریاست و راه‌های تو در آبهای فراوان و آثار تو را نتوان دانست. 20 قوم خود را مثل گوسفندان راهنمایی نمودی، به دست موسی و هارون.

78 [قصیده آساف] ای قوم من شریعت مرا بشنوید! گوشهای خود را به سخنان دهانم فراگیرید! 2 دهان خود را به مثل باز خواهم کرد به چیزهایی که از بنای عالم مخفی بود، تنطق خواهم نمود، 3 که آنها را شنیده و دانسته‌ایم و پدران ما برای ما بیان کرده‌اند. 4 از فرزندان ایشان آنها را پنهان نخواهیم کرد. تسبیحات ایو او را برای نسل آینده بیان می‌کنیم و قوت او و اعمال عجیبی را که او کرده است. 5 زیرا که شهادتی در یعقوب برپا داشت و شریعتی در اسرائیل قرار داد و پدران ما را امر فرمود که آنها را به فرزندان خود تعلیم دهند؛ 6 تا نسل آینده آنها را بدانند و فرزندان که می‌بایست مولود شوند تا ایشان برخیزند و آنها را به فرزندان خود بیان نمایند؛ 7 و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند، بلکه احکام او را نگاه دارند. 8 و مثل پدران خود نسلی گردنکش و فتنهانگیز نشوند، نسلی که دل خود را راست نساختند و روح ایشان بسوی خدا امین نبود. 9 بنی‌افرایم که مسلح و کمانکش بودند، در روز جنگ رو برتافتند. 10 عهد خدا را نگاه نداشتند و از سلوک به شریعت او ابا نمودند،

11 و اعمال و عجایب او را فراموش کردند که آنها را بدیشان ظاهر کرده بود، 12 و در نظر پدران ایشان اعمال عجیب کرده بود، در زمین مصر و در دیار صوعن.
13 دریا را مُثَنَّق ساخته، ایشان را عبور داد و آنها را مثل توده برپا نمود. 14 و ایشان را در روز به ابر راهنمایی کرد و تمامی شب به نور آتش. 15 در صحرا صخره‌ها را بشکافت و ایشان را گویا از لجه‌های عظیم نوشانید. 16 پس سیلها را از صخره بیرون آورد و آب را مثل نهرها جاری ساخت. 17 و بار دیگر بر او گناه ورزیدند و بر حضرت اعلیٰ در صحرا فتنه انگیزتند، 18 و در دل‌های خود خدا را امتحان کردند، چونکه برای شهوات خود غذا خواستند. 19 و بر ضد خدا تکلم کرده، گفتند، آیا خدا می‌تواند در صحرا سفرهای حاضر کند؟ 20 اینک، صخره را زد و آنها روان شد و وادیها جاری گشت. آیا می‌تواند نان را نیز بدهد. و گوشت را برای قوم خود حاضر سازد؟ 21 پس ایو او این را شنیده، غضبناک شد و آتش در یعقوب افروخته گشت و خشم بر اسرائیل مشتعل گردید. 22 زیرا به خدا ایمان نیاوردند و به نجات او اعتماد نمودند. 23 پس ابرها را از بالا امر فرمود و درهای آسمان را گشود و من را بر ایشان بارانید تا بخورند و غله آسمان را بدیشان بخشید. 25 مردمان، نان زورآوران را خوردند و آذوقهای برای ایشان فرستاد تا سیر شوند. 26 باد شرقی را در آسمان وزانید و به قوت خود، باد جنوبی را آورد، 27 و گوشت را برای ایشان مثل غبار بارانید و مرغان بالدار را مثل ریگ دریا. 28 و آن را در میان اردوی ایشان فرود آورد، گرداگرد مسکنهای ایشان. 29 پس خوردند و نیکو سیر شدند و موافق شهوات ایشان بدیشان داد. 30 ایشان از شهوت خود دست نکشیدند. و غذا هنوز در دهان ایشان بود 31 که غضب خدا بر ایشان افروخته شده؛ تنومندان ایشان را بگشت و جوانان اسرائیل را هلاک ساخت. 32 با وجود این همه، باز گناه ورزیدند و به اعمال عجیب او ایمان نیاوردند. 33 بنابراین، روزهای ایشان را در بطالت تمام کرد و سالهای ایشان را در ترس. 34 هنگامی که ایشان را گشت او را طلبیدند و بازگشت کرده، دربارهٔ خدا تقصص نمودند، 35 و به یاد آوردند که خدا صخره ایشان، و خدای تعالی ولی ایشان است. 36 اما به دهان خود او را تملق نمودند و به زبان خویش به او دروغ گفتند، 37 زیرا که دل ایشان با او راست نبود و به عهد وی مؤتمن نبودند. 38 اما او به حسب رحمانیتش گناه ایشان را عفو نموده، ایشان را هلاک نساخت بلکه بارها غضب خود را برگردانیده، تمامی خشم خویش را برنمی‌گذاشت. 39 و به یاد آورد که ایشان بشرند، بادی که می‌رود و بر نمی‌گردد. 40 چند مرتبه در صحرا بدو فتنه انگیزتند و او را در بادیه رنجانیدند. 41 و برگشته، خدا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند، 42 و قوت او را به خاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رها نیده بود؛ 43 که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن. 44 و نهرهای ایشان را به خون مبدل نمود و روده‌ای ایشان را تا نتوانستند نوشید. 45 انواع پشه‌ها در میان ایشان فرستاد که ایشان را گزیدند و غوکهایی که ایشان را تباہ نمودند؛ 46 و محصول ایشان را به کرم صد پا سپرد و عمل ایشان را به ملخ داد. 47 تاکستان ایشان را به تگرگ خراب کرد و درختان جُمیز ایشان را به تگرگهای درشت. 48 بهایم ایشان را به تگرگ سپرد و مواشی ایشان را به شعله‌های برق. 49 و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و ضیق را، به فرستادن فرشتگان شیر.

12 و جزای هفت چندان به آغوش همسایگان ما رسان،
برای اهانتی که به تو کرده‌اند، ای خداوند. 13 پس ما که قوم
تو و گوسفندان مرتع تو هستیم، تو را تا به ابد شکر خواهیم
گفت و تسبیح تو را نسل بعد نسل ذکر خواهیم نمود.

80 [برای سالار مغنیان. شهادتی بر سوسنها. مزمور
آساف] ای شبان اسرائیل بشنو! ای که یوسف را مثل گله
رعایت می‌کنی! ای که بر کروبیین جلوس نموده‌ای، تجلی
فرما! 2 به حضور افرایم و بنیامین و منسی، توانایی خود را
برانگیز و برای نجات ما بیا! 3 ای خدا ما را باز آور و
روی خود را روشن کن تا نجات یابیم! 4 ای ایواوؤ، خدای
صبایوت، تا به کی به دعای قوم خویش غضبناک خواهی
بود، 5 نان ماتم را بدیشان می‌خورانی و اشکهای بیاندازه
بدیشان می‌نوشانی؟ 6 ما را محل منازعه همسایگان ما
ساخته‌ای و دشمنان ما در میان خویش استهزا می‌نمایند.
7 ای خدای لشکرها ما را باز آور و روی خود را روشن کن
تا نجات یابیم! 8 موی را از مصر بیرون آوردی. امت‌ها را
بیرون کرده، آن را غرس نمودی. 9 پیش روی آن را وسعت
دادی. پس ریشه خود را نیکو زده، زمین را پر ساخت.
10 کوه‌ها به سایه‌های خود را تا به دریا پهن کرد و
شاخه‌هایش. 11 شاخه‌های خود را تا به دریا پهن کرد و
فرعهای خویش را تا به نهر. 12 پس چرا دیوارهایش را
شکستهای که هر راهگذری آن را می‌چیند؟ 13 گرازهای
جنگل آن را ویران می‌کنند و وحوش صحرا آن را می‌چرند.
14 ای خدای لشکرها رجوع کرده، از آسمان نظر کن و
ببین و از این مؤتفق نما 15 و از این نهالی که دست راست
تو غرس کرده است و از آن پسری که برای خویشتن قوی
ساخته‌ای! 16 مثل هیزم در آتش سوخته شده و از عتاب
روی تو تباہ گردیده‌اند! 17 دست تو بر مرد دست راست تو
باشد و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساخته‌ای.
18 و ما از تو رو نخواهیم تافت. ما را حیات بده تا نام تو را
بخوانیم. 19 ای ایواوؤ، خدای لشکرها ما را باز آور و روی
خود را روشن ساز تا نجات یابیم.

81 [برای سالار مغنیان بر جثیت. مزمور آساف.] ترتم
نمایید برای خدایی که قوت ماست. برای خدای یعقوب آواز
شادمانی دهید! 2 سرود را بلند کنید و دف را بیاورید و بربط
دلنواز را بارباب! 3 کرنا را بنوازید در اول ماه، در ماه
تمام و در روز عید ما. 4 زیرا که این فریضهای است در
اسرائیل و حکمی از خدای یعقوب. 5 این را شهادتی در
یوسف تعیین فرمود، چون بر زمین مصر بیرون رفت،
جایی که لغتی را که نفهمیده بودم شنیدم، 6 دوش او را از
بار سنگین آزاد ساختم و دستهای او از سید رها شد. 7 در
تنگی استدعا نمودی و تو را خلاصی دادم. در ستر رعد، تو
را اجابت کردم و تو را نزد آب مرینه امتحان نمودم. سلاه.
8 ای قوم من بشنو و تو را تأکید می‌کنم. و ای اسرائیل اگر
به من گوش دهی. 9 در میان تو خدای غیر نباشد و نزد
خدای بیگانه سجده نمما. 10 من ایواوؤ خدای تو هستم که
تو را از زمین مصر برآوردم. دهان خود را نیکو باز کن و
آن را پر خواهم ساخت. 11 لیکن قوم من سخن مرا نشنیدند
و اسرائیل مرا ابا نمودند. 12 پس ایشان را به سختی دلشان
ترک کردم که به مشورت‌های خود سلوک نمایند. 13 ای کاش
که قوم من به من گوش می‌گرفتند و اسرائیل در طریق‌های
من سالک می‌بودند.

50 و راهی برای غضب خود مهیا ساخته، جان ایشان را از
موت نگاه نداشت، بلکه جان ایشان را به وبا تسلیم نمود.
51 و همه نخستزادگان مصر را کشت، اوایل قوت ایشان
را در خیمه‌های حام. 52 و قوم خود را مثل گوسفندان
کوچانید و ایشان را در صحرا مثل گله راهنمایی نمود.
53 و ایشان را در امنیت رهبری کرد تا نترسند و دریا
دشمنان ایشان را پوشانید. 54 و ایشان را به حدود مقدس
خود آورد، بدین کوهی که به دست راست خود تحصیل کرده
بود. 55 و امت‌ها را از حضور ایشان راند و میراث را
برای ایشان به ریسمان تقسیم کرد و اسباط اسرائیل را در
خیمه‌های ایشان ساکن گردانید. 56 لیکن خدای تعالی را
امتحان کرده، بدو فتنه انگیزتند و شهادت او را نگاه
نداشتند. 57 و برگشته، مثل پدران خود خیانت ورزیدند و
مثل کمان خطا کننده منحرف شدند. 58 و به مقامهای بلند
خود خشم او را به هیجان آوردند و به بتهای خویش غیرت
او را جنبش دادند. 59 چون خدا این را بشنید غضبناک
گردید و اسرائیل را به شدت مکروه داشت. 60 پس مسکن
شیلو را ترک نمود، آن خیمه‌ای را که در میان آدمیان برپا
ساخته بود، 61 و [تابوت] قوت خود را به اسیری داد و
جمال خویش را به دست دشمن سپرد، 62 و قوم خود را به
شمشیر تسلیم نمود و با میراث خود غضبناک گردید.
63 جوانان ایشان را آتش سوزانید و برای دوشیزگان ایشان
سرود نکاح نشد. 64 کاهنان ایشان به دم شمشیر افتادند و
بیوه‌های ایشان نوحه‌گری نمودند. 65 آنگاه خداوند مثل
کسی که خوابیده بود بیدار شد، مثل جباری که از شراب
می‌خروشد، 66 و دشمنان خود را به عقب زد و ایشان را
عار ابدی گردانید. 67 و خیمه یوسف را رد نموده، سبط
افرایم را برنگزید. 68 لیکن سبط یهودا را برگزید و این کوه
صهیون را که دوست می‌داشت. 69 و قدس خود را مثل
کوه‌های بلند بنا کرد، مثل جهان که آن را تا ابدالآباد بنیاد
نهاد. 70 و بنده خود داود را برگزید و او را از آغلهای
گوسفندان گرفت. 71 از عقب میشهای شیرده او را آورد تا
قوم او یعقوب و میراث او اسرائیل را رعایت کند. 72 پس
ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به
مهات دستهای خویش هدایت کرد.

79 [مزمور آساف] ای خدا، امت‌ها به میراث تو داخل
شده، هیکل قدس تو را بیعصمت ساختند. اورشلیم را
خرابه‌ها نمودند. 2 لاشهای بندگان را به مرغان هوا برای
خوراک دادند و گوشت مقدسات را به وحوش صحرا.
3 خون ایشان را گرداگرد اورشلیم مثل آب ریختند و کسی
نبود که ایشان را دفن کند. 4 نزد همسایگان خود عار
گردیده‌ایم و نزد مجاوران خویش استهزا و سُخریه شده‌ایم.
5 تا کی ای خداوند تا به ابد خشمناک خواهی بود؟ آیا غیرت
تو مثل آتش افروخته خواهد شد تا ابدالآباد؟ 6 قهر خود را
بر امت‌هایی که تو را نمی‌شناسند بریز و بر ممالکی که نام
تو را نمی‌خوانند! 7 زیرا که یعقوب را خورده، و مسکن او
را خراب کرده‌اند. 8 گناهان اجداد ما را بر ما به یاد میاور.
رحمت‌های تو بزودی پیش روی ما آید زیرا که بسیار ذلیل
شده‌ایم. 9 ای خدا، ای نجات‌دهنده ما، به خاطر جلال نام
خود ما را یاری فرما و ما را نجات ده و بخاطر نام خود
گناهان ما را بیامرز. 10 چرا امت‌ها گویند که خدای ایشان
کجاست؟ انتقام خون بندگان که ریخته شده است، بر امت‌ها
در نظر ما معلوم شود. 11 ناله اسیران به حضور تو برسد.
به حسب عظمت بازوی خود آنانی را که به موت سپرده
شده‌اند، برهان.

7 از قوت تا قوت می‌خرامند و هر یک از ایشان در صهیون نزد خدا حاضر می‌شوند. 8 ای ایوآوؤ خدای لشکرها! دعای مرا بشنو! ای خدای یعقوب گوش خود را فراگیر! سلاه. 9 ای خدایی که سپر ما هستی، ببین و به روی مسیح خود نظر انداز. 10 زیرا یک روز در صحنهای تو بهتر است از هزار. ایستادن بر آستانه خانه خدای خود را بیشتر می‌پسندم از ساکن شدن در خیمه‌های اشرار. 11 زیرا که ایوآوؤ خدا آفتاب و سپر است. ایوآوؤ فیض و جلال خواهد داد و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که به راستی سالک باشند. 12 ای ایوآوؤ صباپوت، خوشبحال کسی که بر تو توکل دارد.

85 [برای سالار مغنیان. مزمور بنیقورح] ای ایوآوؤ از زمین خود راضی شده‌ای. اسیری یعقوب را باز آورده‌ای. 2 عصیان قوم خود را عفو کرده‌ای. تمامی گناهان ایشان را پوشانیده‌ای، سلاه. 3 تمامی غضب خود را برداشته و از حدت خشم خویش رجوع کرده‌ای. 4 ای خدای نجات ما، ما را برگردان و غیظ خود را از ما بردار. 5 آیا تا به ابد با ما غضبناک خواهی بود؟ و خشم خویش را نسلأ بعد نسل طول خواهی داد؟ 6 آیا برگشته ما را حیات خواهی داد تا قوم تو در تو شادی نمایند؟ 7 ای ایوآوؤ رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما. 8 آنچه خدا ایوآوؤ می‌گوید خواهیم شنید زیرا به قوم خود و به مقدسان خویش به سلامتی خواهد گفت تا بسوی جهالت برنگردند. 9 یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است تا جلال در زمین ما ساکن شود. 10 رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند. عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده‌اند. 11 راستی از زمین خواهد رویید و عدالت از آسمان خواهد نگرست. 12 ایوآوؤ نیز چیزهای نیکو را خواهد بخشید و زمین ما محصول خود را خواهد داد. 13 عدالت پیش روی او خواهد خرامید و آثار خود را طریقی خواهد ساخت.

86 [دعای داود] ای ایوآوؤ گوش خود را فراگرفته، مرا مستجاب فرما زیرا مسکین و نیازمند هستم! 2 جان مرا نگاه دار زیرا من متقی هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده. 3 ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که تمامی روز تو را می‌خوانم! 4 جان بنده خود را شادمان گردان زیرا ای خداوند جان خود را نزد تو برمی‌دارم. 5 زیرا تو ای خداوند، نیکو و غفار هستی و بسیار رحیم برای آنانی که تو را می‌خوانند. 6 ای ایوآوؤ دعای مرا اجابت فرما و به آواز تصرع من توجه نما! 7 در روز تنگی خود تو را خواهم خواند زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود. 8 ای خداوند در میان خدایان مثل تو نیست و کاری مثل کارهای تو نی. 9 ای خداوند همه امت‌هایی که آفریده‌ای آمده، به حضور تو سجده خواهند کرد و نام تو را تمجید خواهند نمود. 10 زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می‌کنی. تو تنها خدا هستی. 11 ای ایوآوؤ طریق خود را به من بیاموز تا در راستی تو سالک شوم. دل مرا واحد ساز تا از نام تو ترسان باشم. 12 ای خداوند خدای من، تو را به تمامی دل حمد خواهم گفت و نام تو را تمجید خواهم کرد تا ابدالآباد. 13 زیرا که رحمت تو به من عظیم است و جان مرا از هابویه اسفل رهانیده‌ای. 14 ای خدا متکبران بر من برخاسته‌اند و گروهی از ظالمان قصد جان من دارند و تو را در مد نظر خود نمی‌آورند. 15 و تو ای خداوند خدای رحیم و کریم هستی. دیر غضب و پُر از رحمت و راستی.

14 آنگاه دشمنان ایشان را بزودی به زیر می‌انداختم و دست خود را بر خصمان ایشان برمی‌گردانیدم. 15 آنانی که از ایوآوؤ نفرت دارند بدو گردن می‌نهند. اما زمان ایشان باقی می‌بود تا ابدالآباد. 16 ایشان را به نیکوترین گندم می‌پرورد؛ و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم.

82 [مزمور آساف] خدا در جماعت خدا ایستاده است، در میان خدایان داوری می‌کند، 2 تا به کی به بی‌انصافی داوری خواهید کرد و شریران را طرفداری خواهید نمود؟ سلاه. 3 فقیران و یتیمان را دادرسی بکنید. مظلومان و مسکینان را انصاف دهید. 4 مظلومان و فقیران را برهائید و ایشان را از دست شریران خلاصی دهید. 5 نمی‌دانند و نمی‌فهمند و در تاریکی راه می‌روند و جمیع اساس زمین متزلزل می‌باشد. 6 من گفتم که شما خدایانید و جمیع شما فرزندان حضرت اعلی. 7 لیکن مثل آدمیان خواهید مرد و چون یکی از سروران خواهید افتاد! 8 ای خدا برخیز و جهان را داوری فرما زیرا که تو تمامی امت‌ها را متصرف خواهی شد.

83 [سرود و مزمور آساف] ای خدا تو را خاموشی نباشد! ای خدا ساکت مباش و مبارام! 2 زیرا اینک، دشمنانت شورش می‌کنند و آنانی که از تو نفرت دارند، سر خود را برافراشته‌اند. 3 بر قوم تو مکاید می‌اندیشند ویر پناه‌آورندگان تو مشورت می‌کنند. 4 و می‌گویند، بیابید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر مذکور نشود. 5 زیرا به یک دل با هم مشورت می‌کنند و بر ضد تو عهد بسته‌اند. 6 خیمه‌های اذوم و اسماعیلیان و موآب و هاجریان. 7 جبال و عمون و عمالیق و فلسطین با ساکنان صور. 8 آشور نیز با ایشان متفق شدند و بازویی برای بنیلوط گردیدند، سلاه. 9 بدیشان عمل نما چنانکه به مدیان کردی، چنانکه به سیسرا و یابین در وادی قیشون، 10 که در عیندور هلاک شدند و سرگین برای زمین گردیدند. 11 سروران ایشان را مثل غراب و ذئب گردان و جمیع امرای ایشان را مثل ذئب و صلمتاع، 12 که می‌گفتند، مساکن خدا را برای خویشتن تصرف نماییم. 13 ای خدای من، ایشان را چون غبار گردباد بساز و مانند کاه پیش روی باد. 14 مثل آتشی که جنگل را می‌سوزاند و مثل شعلهای که کوه‌ها را مشتعل می‌سازد. 15 همچنان ایشان را به تند باد خود بران و به طوفان خویش ایشان را آشفته گردان. 16 رویهای ایشان را به ذلت پر کن تا نام تو را ای ایوآوؤ بطلند. 17 خجل و پریشان بشوند تا ابدالآباد و شرم‌منده و هلاک گردند. 18 و بدانند تو که سمت ایوآوؤ می‌باشد، به تنها بر تمامی زمین متعال هستی.

84 [برای سالار مغنیان برجئیت. مزمور بنیقورح] ای ایوآوؤ صباپوت، چه دلپذیر است مسکنهای تو! 2 جان من مشتاق، بلکه کاهیده شده است برای صحنهای ایوآوؤ. دلم و جسدم برای خدای حی صیحه می‌زند. 3 گنجشک نیز برای خود خانه‌ای پیدا کرده است و پرستوک برای خویشتن آشیانه‌ای تا بچه‌های خود را در آن بگذارد، در مذبحهای تو ای ایوآوؤ صباپوت که پادشاه من و خدای من هستی. 4 خوشبحال آنانی که در خانه تو ساکنند که تو را دائماً تسبیح می‌خوانند، سلاه. 5 خوشبحال مردمانی که قوت ایشان در تو است و طریق‌های تو در دل‌های ایشان. 6 چون از وادی بکا عبور می‌کنند، آن را چشمه می‌سازند و باران آن را بهیرکات می‌پوشاند.

6 زیرا کیست در آسمانها که با ایو او و برابر می تواند کرد؟ و از فرزندان زور آوران که را با ایو او و تشبیه توان نمود؟
 7 خدا بی نهایت مهیب است در جماعت مقدّسان و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد او هستند. 8 ای ایو او و خدای لشکرها کیست ای ایو و قدیر مانند تو؟ و امانت تو، تو را احاطه می کند. 9 بر تکبر دریا تو مسلط هستی. چون امواجش بلند می شود، آنها را ساکن می گردانی. 10 رهب را مثل کشته شده خرد شکسته های. به بازوی زور آور خویش دشمنان را پراکنده نموده ای. 11 آسمان از آن تو است و زمین نیز از آن تو. ربع مسکون و پری آن را تو بنیاد نهاده ای. 12 شمال و جنوب را تو آفریده ای. تابور و حرمون به نام تو شادی می کنند. 13 بازوی تو با قوت است. دست تو زور آور است و دست راست تو متعال. 14 عدالت و انصاف اساس تخت تو است. رحمت و راستی پیش روی تو می خرامند. 15 خوشبحال قومی که آواز شادمانی را می دانند. در نور روی تو ای ایو او و خواهند خرامید. 16 در نام تو شادمان خواهند شد تمامی روز و در عدالت تو سرفراشته خواهند گردید. 17 زیرا که فخر قوت ایشان تو هستی و به رضامندی تو شاخ ما مرتفع خواهد شد. 18 زیرا که سپر ما از آن ایو او و است و پادشاه ما از آن قدوس اسرائیل. 19 آنگاه در عالم رویا به مقدّس خود خطاب کرده، گفتی که نصرت را بر مردی زور آور نهادم و برگزیده ای از قوم را ممتاز کردم. 20 بنده خود داود را یافتم و او را به روغن مقدّس خود مسح کردم. 21 که دست من با او استوار خواهد شد. بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید. 22 دشمنی بر او ستم نخواهد کرد و هیچ پسر ظلم بدو انیت نخواهد رسانید. 23 و خصمان او را پیش روی وی خواهم گرفت و آنانی را که از او نفرت دارند مبتلا خواهم گردانید. 24 و امانت و رحمت من با وی خواهد بود و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد. 25 دست او را بر دریا مستولی خواهم ساخت و دست راست او را بر نهرها. 26 او مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی، خدای من و صخره نجات من. 27 من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت، بلندتر از پادشاهان جهان. 28 رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت تا ابدالآباد و عهد من با او استوار خواهد بود. 29 و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا ابدالآباد و تخت او را مثل روزهای آسمان. 30 اگر فرزندان شریعت مرا ترک کنند، و در احکام من سلوک نمایند، 31 اگر فرایض مرا بشکنند، و اوامر مرا نگاه ندارند، 32 آنگاه معصیت ایشان را به عصا تأدیب خواهم نمود و گناه ایشان را به تازیانه ها. 33 لیکن رحمت خود را از او برخواهم داشت و امانت خویش را باطل نخواهم ساخت. 34 عهد خود را نخواهم شکست و آنچه را از دهانم صادر شد تغییر نخواهم داد. 35 یک چیز را به قدوسیت خود قسم خوردم و به داود هرگز دروغ نخواهم گفت. 36 که ذریت او باقی خواهد بود تا ابدالآباد و تخت او به حضور من مثل آفتاب، 37 مثل ماه ثابت خواهد بود تا ابدالآباد و مثل شاهد امین در آسمان، سلاه. 38 لیکن تو ترک کرده ای و دور انداخته ای و با مسیح خود غضبناک شده ای. 39 عهد بنده خود را باطل ساخته ای و تاج او را بر زمین انداخته، بیعصمت کرده ای. 40 جمیع حصارهایش را شکسته و قلعه های او را خراب نموده ای. 41 همه راه گذران او را تاراج می کنند و او نزد همسایگان خود عار گردیده است. 42 دست راست خصمان او را برافراشته، و همه دشمنانش را مسرور ساخته ای. 43 دم شمشیر او را نیز برگردانیده ای و او را در جنگ پایدار نساخته ای.

16 بسوی من التفات کن و بر من کرم فرما. قوت خود را به بندهات بده و پسر کنیز خود را نجات بخش. 17 علامت خوبی را به من بنما تا آنانی که از من نفرت دارند آن را دیده، خجل شوند زیرا که تو ای ایو او و مرا اعانت کرده و تسلی داده ای.

87 [مزمور و سرود بنیقورح] اساس او در کوه های مقدّس است 2 ایو او و دروازه های صهیون را دوست می دارد، بیشتر از جمیع مسکنهای یعقوب. 3 سخنهای مجید درباره ُ تو گفته می شود، ای شهر خدا! سیلاه. 4 رَهَب و بابل را از شناسندگان خود ذکر خواهم کرد. اینک، فلسطین و صور و حبش، این در آنجا متولد شده است. 5 و درباره ُ صهیون گفته خواهد شد که این و آن در آن متولد شده اند. و خود حضرت اعلی آن را استوار خواهد نمود. 6 ایو او و چون امت ها را می نویسد، ثبت خواهد کرد که این در آنجا متولد شده است، سیلاه. 7 مغنیان و رقصکنندگان نیز. جمیع چشمه های من در تو است.

88 [سرود و مزمور بنیقورح برای سالار مغنیان بر مَحَلَّتْ لَعْنَوْتُ. قصیده هیمان ازراحی] ای ایو او و خدای نجات من، شب و روز نزد تو فریاد کرده ام. 2 دعای من به حضور تو برسد، به ناله من گوش خود را فراگیر. 3 زیرا که جان من از بلایا پر شده است و زندگانیام به قبر نزدیک گردیده. 4 از فروروندگان به هاویه شمرده شدم و مثل مرد بیقوت گشته ام. 5 در میان مردگان منفرد شده، مثل گشتگان که در قبر خوابیده اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از دست تو منقطع شده اند. 6 مرا در هاویه اسفل گذاشته ای، در ظلمت در ژرفیها. 7 خشم تو بر من سنگین شده است و به همه ُ امواج خود مرا مبتلا ساخته ای، سیلاه. 8 آشنایانم را از من دور کرده، و مرا مکروه ایشان گردانیده ای. محبوس شده، بیرون نمی توانم آمد. 9 چشمانم از مذلت کاهیده شد. ای ایو او و، نزد تو فریاد کرده ام تمامی روز. دستهای خود را به تو دراز کرده ام. 10 آیا برای مردگان کاری عجیب خواهی کرد؟ مگر مردگان بر خاسته، تو را حمد خواهند گفت؟ سلاه. 11 آیا رحمت تو در قبر مذکور خواهد شد؟ و امانت تو در هلاکت؟ 12 آیا کار عجیب تو در ظلمت اعلام می شود و عدالت تو در زمین فراموشی؟ 13 و اما من نزد تو ای ایو او و فریاد بر آورده ام و بامدادان دعای من در پیش تو می آید. 14 ای ایو او و چرا جان مرا ترک کرده، و روی خود را از من پنهان نموده ای. 15 من مستمند و از طفولیت مشرف بر موت شده ام. ترسهای تو را متحمل شده، متحیر گردیده ام. 16 حدت خشم تو بر من گذشته است و خوفهای تو مرا هلاک ساخته. 17 مثل آب دور مرا گرفته است تمامی روز و مرا از هر سو احاطه نموده. 18 باران و دوستان را از من دور کرده ای و آشنایانم را در تاریکی.

89 [قصیده ایبان ازراحی] رحمتهای ایو او و را تا به ابد خواهم سرایید. امانت تو را به دهان خود نسلاً بعد نسل اعلام خواهم کرد. 2 زیرا گفتم رحمت بنا خواهد شد تا ابدالآباد و امانت خویش را در افلاک پایدار خواهی ساخت. 3 با برگزیده خود عهد بستهام. برای بنده خویش داود قسم خورده ام. 4 که ذریت تو را پایدار خواهم ساخت تا ابدالآباد و تخت تو را نسلاً بعد نسل بنا خواهم نمود، سلاه. 5 و آسمانها کارهای عجیب تو را ای ایو او و تمجید خواهند کرد و امانت تو را در جماعت مقدّسان.

44 جلال او را باطل ساخته و تخت او را به زمین انداخته‌ای. 45 ایام شبایش را کوتاه کرده، و او را به خجالت پوشانیده‌ای، سلاه. 46 تا به کی ای ایواوُ خود را تا به ابد پنهان خواهی کرد و غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد؟ 47 به یاد آور که ایام حیاتم چه کم است. چرا تمامی بنی‌آدم را برای بطلالت آفریده‌ای؟ 48 کدام آدمی زنده است که موت را نخواهد دید؟ و جان خویش را از دست قیر خلاص خواهد ساخت؟ سلاه. 49 ای خداوند رحمت‌های قدیم تو کجاست که برای داود به امانت خود قسم خوردی؟ 50 ای خداوند ملامت بنده خود را به یاد آور که آن را از قومهای بسیار در سینه خود متحمل می‌باشم. 51 که دشمنان تو ای ایواوُ ملامت کرده‌اند، یعنی آثار مسیح تو را ملامت نموده‌اند. 52 ایواوُ متبارک باد تا ابدالابد. آمین و آمین.

10 هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلایی نزد خیمه تو نخواهد رسید. 11 زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راه‌هایت تو را حفظ نمایند. 12 تو را بر دستهای خود بر خواهند داشت، مبدا پای خود را به سنگ بزنی. 13 بر شیر و افعی پای خواهی نهاد؛ شیربچه و ازدها را پایمال خواهی کرد. 14 چونکه به من رغبت دارد او را خواهم رهانید و چونکه به اسم من عارف است او را سرفراز خواهم ساخت. 15 چون مرا خواند او را اجابت خواهم کرد. من در تنگی با او خواهم بود و او را نجات داده، مُعزّز خواهم ساخت. 16 به طول ایام او را سیر می‌گردانم و نجات خویش را بدو نشان خواهم داد.

92 [مزمور و سرود برای روز سبت] ایواوُ را حمد گفتن

نیکو است و به نام تو تسبیح خواندن، ای حضرت اعلیٰ. 2 بامدادان رحمت تو را اعلام نمودن و در هر شب امانت تو را. 3 بر ذات ده اوتار و بر رباب و به نغمه هجابون و بربط. 4 زیرا که ای ایواوُ مرا به کارهای خودت شادمان ساخته‌ای. به سبب اعمال دستهای تو ترنم خواهم نمود. 5 ای ایواوُ اعمال تو چه عظیم است و فکرهای تو بی‌نهایت عمیق. 6 مرد وحشی این را نمی‌داند و جاهل در این تأمل نمی‌کند. 7 وقتی که شیران مثل علف می‌رویند و جمیع بدکاران می‌شکفند، برای این است که تا به ابد هلاک گردند. 8 لیکن تو ای ایواوُ بر اعلیٰ علین هستی، تا ابدالابد. 9 زیرا اینک، دشمنان تو ای ایواوُ، هان دشمنان تو هلاک خواهند شد و جمیع بدکاران پراکنده خواهند شد. 10 و اما شاخ مرا مثل شاخ گاو وحشی بلند کرده‌ای و به روغن تازه مسح شده‌ام. 11 و چشم من بر دشمنانم خواهد نگرست و گوشهای من از شیرانی که با من مقاومت می‌کنند خواهد شنید. 12 عادل مثل درخت خرما خواهد شکفت و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد. 13 آنانی که در خانه ایواوُ غرس شده‌اند، در صحنهای خدای ما خواهند شکفت. 14 در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد و تر و تازه و سبز خواهند بود. 15 تا اعلام کنند که ایواوُ راست است. اوصخره من است و در وی هیچ بی‌انصافی نیست.

93 ایواوُ سلطنت را گرفته و خود را بهجلال آراسته

است. ایواوُ خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است. ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و جنبش نخواهد خورد. 2 تخت تو از ازل پایدار شده است و تو از قدیم هستی. 3 ای ایواوُ سیلابها برافراشته‌اند سیلابها آواز خود را برافراشته‌اند. سیلابها خروش خود را برافراشته‌اند. 4 فوق آواز آبهای بسیار، فوق امواج زورآور دریا. ایواوُ در اعلیٰ علین زورآورتر است. 5 شهادت تو بی‌نهایت امین است. ای ایواوُ، قدوسیّت خانه تو را میزبید تا ابدالابد.

94 ای ایواوُ خدای ذوالانتقام، ای خدای ذوالانتقام، تجلی

فرما! 2 ای داور جهان متعال شو و بر متکبران مکافات برسان! 3 ای ایواوُ تا به کی شیران، تا به کی شیران فخر خواهند نمود؟ 4 حرفها می‌زنند و سخنان ستم‌آمیز می‌گویند. جمیع بدکاران لاف می‌زنند. 5 ای ایواوُ، قوم تو را می‌شکنند و میراث تو را دلیل می‌سازند. 6 بیوه زنان و غریبان را می‌کشند و یتیمان را به قتل می‌رسانند 7 و می‌گویند ایو نمی‌بیند و خدای یعقوب ملاحظه نمی‌نماید. 8 ای احمقان قوم بفهمید! و ای ابلهان کی تعقل خواهید نمود؟

90 [دعای موسی مرد خدا] ای خداوند مسکن ما تو

بوده‌ای، در جمیع نسلها، 2 قبل از آنکه کوه‌ها به وجود آید و زمین و ربع مسکون را بیافرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی. 3 انسان را به غبار برمی‌گردانی، و می‌گویی ای بنی‌آدم رجوع نمایند. 4 زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پاسی از شب. 5 مثل سیلاب ایشان رفته‌ای و مثل خواب شده‌اند. بامدادان مثل گیاهی که می‌روید. 6 بامدادان می‌شکفد و می‌روید. شامگاهان بریده و پژمرده می‌شود. 7 زیرا که در غضب تو کاهیده می‌شویم و در خشم تو پریشان می‌گردیم. 8 چونکه گناهان ما را در نظر خود گذارده‌ای و خفایای ما را در نور روی خویش. 9 زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد و سالهای خود را مثل خیالی بسر برده‌ایم. 10 ایام عمر ما هفتاد سال است و اگر از بئیه، هشتاد سال باشد. لیکن فخر آنها محنت و بطالت است زیرا به زودی تمام شده، پرواز می‌کنیم. 11 کیست که شدت خشم تو را می‌داند و غضب تو را چنانکه از تو می‌باید ترسید؟ 12 ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل نماییم. 13 رجوع کن ای ایواوُ! تا به کی؟ و بر بندگان خود شفقت فرما. 14 صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا تمامی عمر خود ترنم و شادی نماییم. 15 ما را شادمان گردان به عوض ایامی که ما را مبتلا ساختی و سالهایی که بدی را دیده‌ایم. 16 اعمال تو بر بندگان ظاهر بشود و کبریایی تو بر فرزندان ایشان. 17 جمال خداوند خدای ما بر ما باد و عمل دستهای ما را بر ما استوار ساز! عمل دستهای ما را استوار گردان!

91 آنکه در ستر حضرت اعلیٰ نشسته‌است، زیر سایه

قادر مطلق ساکن خواهد بود. 2 درباره ایواوُ می‌گویم که او ملجا و قلعه من است و خدای من که بر او توکل دارم. 3 زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهانید و از وبای خبیث. 4 به پرهای خود تو را خواهد پوشانید و زیر بالهایش پناه خواهی گرفت. راستی او تو را مچن و سپر خواهد بود. 5 از خوفی در شب نخواهی ترسید و نه از تیری که در روز می‌پرد. 6 و نه از وبایی که در تاریکی می‌خرامد و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند. 7 هزار نفر به جانب تو خواهند افتاد و ده‌هزار به دست راست تو. لیکن نزد تو نخواهد رسید. 8 فقط به چشمان خود خواهی نگرست و پاداش شیران را خواهی دید. 9 زیرا گفتی تو ای ایواوُ ملجای من هستی و حضرت اعلیٰ را ماوای خویش گردانیده‌ای.

12 صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود 13 به حضور ایواوؤ زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به امانت خود.

97 ایواوؤ سلطنت گرفته است، پس زمینشادی کند و جزیره‌های بسیار مسرور گردند. 2 ابرها و ظلمت غلیظ گرداگرد اوست. عدل و انصاف قاعده تخت اوست. 3 آتش پیش روی وی می‌رود و دشمنان او را به اطرافش می‌سوزاند. 4 برقهایش ربع مسکون را روشن می‌سازد. زمین این را بدید و بلرزید. 5 کوهها از حضور ایواوؤ مثل موم گداخته می‌شود، از حضور خداوند تمامی جهان. 6 آسمانها عدالتا را اعلام می‌کنند و جمیع قومها جلال او را می‌بینند. 7 همهٔ پرستندگان بتهای تراشیده خجل می‌شوند که به بتها فخر می‌نمایند. ای جمیع خدایان او را بپرستید. 8 صهیون شنید و شادمان شد و دختران یهودا مسرور گردیدند، ای ایواوؤ بهسبب داوریهایی تو. 9 زیرا که تو ای ایواوؤ بر تمامی روی زمین متعال هستی. بر جمیع خدایان، بسیار اعلیٰ هستی. 10 ای شما که ایواوؤ را دوست می‌دارید، از بدی نفرت کنید! او حافظ جانهای مقدسان خود است. ایشان را از دست شیران می‌رهاند. 11 نور برای عادلان کاشته شده است و شادمانی برای راست‌دلان. 12 ای عادلان، در ایواوؤ شادمان باشید! و ذکر قدوسیت او را حمد بگویید.

98 [مزمور] برای ایواوؤ سرود تازه بسرایید زیرا کارهای عجیب کرده است. دست راست و بازوی قدوس او، او را مظفر ساخته است. 2 ایواوؤ نجات خود را اعلام نموده، و عدالتش را به نظر امتها مکشوف کرده است. 3 رحمت و امانت خود را با خاندان اسرائیل به یاد آورد. همهٔ اقصای زمین نجات خدای ما را دیده‌اند. 4 ای تمامی زمین، ایواوؤ را آواز شادمانی دهید. بانگ زنید و ترنم نمایی و بسرایید. 5 ایواوؤ را با بریط بسرایید! با بریط و با آواز نغمات! 6 با گرتاها و آواز سرنا! به حضور ایواوؤ پادشاه آواز شادمانی دهید! 7 دریا و پری آن بخروشند! ربع مسکون و ساکنان آن! 8 نهرها دستک بزنند! و کوهها با هم ترنم نمایند. 9 به حضور ایواوؤ زیرا که داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به راستی.

99 ایواوؤ سلطنت گرفته است، پس قومها بلرزند! بر کروبیین جلوس می‌فرماید، زمین متزلزل گردد! 2 ایواوؤ در صهیون عظیم است و او بر جمیع قومها متعال است! 3 اسم عظیم و مهیب تو را حمد بگویند، که او قدوس است. 4 و قوت پادشاه، انصاف را دوست می‌دارد. تو راستی را پایدار کرده، و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آورده‌ای. 5 ایواوؤ خدای ما را تکریم نمایی و نزد قدمگاه او عبادت کنید، که او قدوس است. 6 موسی و هارون از کاهنانش و سمونیل از خوانندگان نام او. ایواوؤ را خوانند و او ایشان را اجابت فرمود. 7 در ستون ابر بدیشان سخن گفت. شهادت او و فریضهای را که بدیشان داد نگاه داشتند. 8 ای ایواوؤ خدای ما تو ایشان را اجابت فرمودی. ایشان را خدای غفور بودی. اما از اعمال ایشان انتقام کشیدی. 9 ایواوؤ خدای ما را متعال بخوانید و نزد کوه مقدس او عبادت کنید. زیرا ایواوؤ خدای ما قدوس است.

9 او که گوش را غرس نمود، آیا نمی‌شنود؟ او که چشم را ساخت، آیا نمی‌بیند؟ 10 او که امتها را تأدیب می‌کند، آیا توبیخ نخواهد نمود، او که معرفت را به انسان می‌آموزد؟ 11 ایواوؤ فکرهای انسان را می‌داند که محض بطالت است. 12 ای ایواوؤ، خوشبحال شخصی که او را تأدیب می‌نمایی و از شریعت خود او را تعلیم می‌دهی 13 تا او را از روزهای بلا راحت بخشی، مادامی که حفره برای شیران کنده شود. 14 زیرا ایواوؤ قوم خود را رد نخواهد کرد و میراث خویش را ترک نخواهد نمود. 15 زیرا که داوری به انصاف رجوع خواهد کرد و همهٔ راست‌دلان پیروی آن را خواهند نمود. 16 کیست که برای من با شیران مقاومت خواهد کرد و کیست که با بدکاران مقابله خواهد نمود. 17 اگر ایواوؤ مددکار من نمی‌بود، جان من به زودی در خاموشی ساکن می‌شد. 18 چون گفتم که پای من می‌لغزد، پس رحمت تو ای ایواوؤ مرا تأیید نمود. 19 در کثرت اندیشه‌های دل من، تسلیهای تو جانم را آسایش بخشید. 20 آیا کرسی شرارت با تو رفاقت تواند نمود، که فساد را به قانون اختراع می‌کند؟ 21 بر جان مرد صدیق با هم جمع می‌شوند و بر خون بی‌گناه فتوا می‌دهند. 22 لیکن ایواوؤ برای من قلعه بلند است و خدایم صخره ملجای من است. 23 و گناه ایشان را بر ایشان راجع خواهد کرد و ایشان را در شرارت ایشان فانی خواهد ساخت. ایواوؤ خدای ما ایشان را فانی خواهد نمود.

95 بیایید ایواوؤ را بسراییم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم! 2 به حضور او با حمد نزدیک بشویم! و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم! 3 زیرا که ایواوؤ، خدای بزرگ است، 4 و پادشاه عظیم بر جمیع خدایان. نشیبهایی زمین در دست وی است و فرازهای کوهها از آن او. 5 دریا از آن اوست، و او آن را بساخت؛ و دستهای وی خشکی را مصور نمود. 6 بیایید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود ایواوؤ زانو زنیم! 7 زیرا که او خدای ما است! و ما قوم مرتع و گلهٔ دست او می‌باشیم! امروز کاش آواز او را می‌شنیدید! 8 دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا، مانند یوم مسا در صحرا. 9 چون اجداد شما مرا آزمودند و تجربه کردند و اعمال مرا دیدند. 10 چهل سال از آن قوم محزون بودم و گفتم قوم گمراه دل هستند که طرُق مرا نشناختند. 11 پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.

96 زمین ایواوؤ را بسرایید! 2 ایواوؤ را بسرایید و نام او را متبارک خوانید! روز به روز نجات او را اعلام نمایی. 3 در میان امتها جلال او را ذکر کنید و کارهای عجیب او را در جمیع قومها. 4 زیرا ایواوؤ عظیم است و بی‌نهایت حمید. و او مهیب است بر جمیع خدایان. 5 زیراجمیع خدایان امتها بتنهاند، لیکن ایواوؤ آسمانها را آفرید. 6 مجد و جلال به حضور وی است و قوت و جمال در قدس وی. 7 ای قبایل قومها ایواوؤ را توصیف نمایی! ایواوؤ را به جلال و قوت توصیف نمایی! 8 ایواوؤ را به جلال اسم او توصیف نمایی! هدیه بیاورید و به صحنهای او بیایید! 9 ایواوؤ را در زینت قدوسیت بپرستید! ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید! 10 در میان امتها گویند ایواوؤ سلطنت گرفته است. ربع مسکون نیز پایدار شد و جنبش نخواهد خورد. قومها را به انصاف داوری خواهد نمود. 11 آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند.

22 هنگامی که قوماها با هم جمع شوند و ممالک نیز تا ایواو را عبادت نمایند. 23 توانایی مرا در راه ناتوان ساخت و روزهای مرا کوتاه گردانید. 24 گفتم، ای خدای من مرا در نصف روزهایم بر مدار. سالهای تو تا جمیع نسلها است. 25 از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمانها عمل دستهای تو است. 26 آنها فانی می شوند، لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه مندرس خواهند شد. و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد. 27 لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید. 28 فرزندان بندگانت باقی خواهند ماند و ذریت ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود.

103 [مزمور داود] ای جان من ایواو را متبارک بخوان! و هرچه در درون من است نام قدوس او را متبارک خواند. 2 ای جان من ایواو را متبارک بخوان و جمیع احسانهای او را فراموش مکن! 3 که تمام گناهانت را می آمرزد و همه مرضهای تو را شفا می بخشد؛ 4 که حیات تو را از هاویه فدیة می دهد و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می نهد؛ 5 که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود. 6 ایواو عدالت را به جا می آورد و انصاف را برای جمیع مظلومان. 7 طریق های خویش را به موسی تعلیم داد و عملهای خود را به بنی اسرائیل. 8 ایواو رحمان و کریم است؛ دیر غضب و بسیار رحیم. 9 تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت. 10 با ما موافق گناهان ما عمل ننموده، و به ما به حسب خطایای ما جزا نداده است. 11 زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است. 12 به اندازه ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است. 13 چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤف است، همچنان ایواو بر ترسندگان خود رأفت می نماید. 14 زیرا جبلت ما را می داند و یاد می دارد که ما خاک هستیم. 15 و اما انسان، ایام او مثل گیاه است، مثل گل صحرا همچنان می شکفت. 16 زیرا که باد بر آن میوزد و نابود می گردد و مکانش دیگر آن را نمی شناسد. 17 لیکن رحمت ایواو بر ترسندگانش از ازل تا ابدالابد است و عدالت او بر فرزندان فرزندان. 18 بر آنانی که عهد او را حفظ می کنند و فریاض او را یاد می دارند تا آنها را به جا آورند. 19 ایواو تخت خود را بر آسمانها استوار نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است. 20 ایواو را متبارک خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می آورید و آواز کلام او را گوش می گیرید! 21 ای جمیع لشکرهای او ایواو را متبارک خوانید! و ای خادمان او که اراده او را بجا می آورید! 22 ای همه کارهای ایواو او را متبارک خوانید! در همه مکانهای سلطنت او. ای جان من ایواو را متبارک بخوان!

104 ای جان من، ایواو را متبارک بخوان! ای ایواو خدای من تو بی نهایت عظیم هستی! به عزت و جلال ملتس هستی. 2 خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده ای. آسمانها را مثل پرده پهن ساخته ای. 3 آن که غرفات خود را بر آنها بنا کرده است و ابرها را مرکب خود نموده و بر بالهای باد می خرامد؛ 4 فرشتگان خود را بادها می گرداند و خادمان خود را آتش مشتعل؛ 5 که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا جنبش نخورد تا ابدالابد.

100 ای تمامی روی زمین ایواو را آواز شادمانی دهید. 2 ایواو را با شادی عبادت نمایید و به حضور او با ترم ببیاید. 3 بدانید که ایواو خداست؛ او ما را آفرید. ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او. 4 به دروازه های او با حمد ببیاید و به صحنهای او با تسبیح! او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانید! 5 زیرا که ایواو نیکوست و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالابد.

101 [مزمور داود] رحمت و انصاف را خواهم سراپید. نزد تو ای ایواو، تسبیح خواهم خواند. 2 در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم نمود. نزد من کی خواهی آمد؟ در خانه خود با دل سلیم سالک خواهم شد. 3 چیزی بد را پیش نظر خود نخواهم گذاشت. کار کج روان را مکروه می دارم، به من نخواهد چسبید. 4 دل کج از من دور خواهد شد. شخص شریر را نخواهم شناخت. 5 کسی را که در خفیه به همسایه خود غیبت گوید، هلاک خواهم کرد. کسی را که چشم بلند و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد. 6 چشمانم بر امنای زمین است تا با من ساکن شوند. کسی که به طریق کامل سالک باشد، خادم من خواهد بود. 7 حیلۀ گر در خانه من ساکن نخواهد شد. دروغگو پیش نظر من نخواهد ماند. 8 همه شیران زمین را صحبگان هلاک خواهم کرد تا جمیع بدکاران را از شهر ایواو منقطع سازم.

102 [دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده، ناله خود را به حضور ایواو می ریزد] ای ایواو دعای مرا بشنو، و فریاد من نزد تو برسد. 2 در روز تنگیام روی خود را از من میوشان. گوش خود را به من فراگیر، و روزی که بخوانم مرا به زودی اجابت فرما. 3 زیرا روزهایم مثل دود تلف شد و استخوانهایم مثل هیزم سوخته گردید. 4 دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است زیرا خوردن غذای خود را فراموش می کنم. 5 به سبب آواز ناله خود، استخوانهایم به گوشت من چسبیده است. 6 مانند مرغ سقای صحرا شده، و مثل بوم خرابه ها گردیده ام. 7 پاسبانی می کنم و مثل گنجشک بر پشتبام، منفرد گشته ام. 8 تمامی روز دشمنانم مرا سرزنش می کنند و آنانی که بر من دیوانه شده اند مرا لعنت می نمایند. 9 زیرا خاکستر را مثل نان خورده ام و مشروب خود را با اشک آمیخته ام، 10 به سبب غضب و خشم تو زیرا که مرا برافراشته و به زیر افکنده ای. 11 روزهایم مثل سایه زوال پذیر گردیده و من مثل گیاه پژمرده شده ام. 12 لیکن تو ای ایواو جلوس فرموده ای تا ابدالابد! و ذکر تو تا جمیع نسلهاست! 13 تو برخاسته، بر صهیون ترحم خواهی نمود زیرا وقتی است که بر او رأفت کنی و زمان معین رسیده است. 14 چونکه بندگان تو در سنگهای وی رغبت دارند و بر خاک او شفقت می نمایند. 15 پس امتها از نام ایواو خواهند ترسید و جمیع پادشاهان جهان از کبریایی تو. 16 زیرا ایواو صهیون را بنا نموده، و در جلال خود ظهور فرموده است. 17 به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است. 18 این برای نسل آینده نوشته می شود تا قومی که آفریده خواهند شد ایواو را تسبیح بخوانند. 19 زیرا که از بلندی قدس خود نگر بسته، ایواو از آسمان بر زمین نظر افکنده است. 20 تا ناله اسیران را بشنود و آنانی را که به موت سپرده شده اند آزاد نماید. 21 تا نام ایواو را در صهیون ذکر نمایند و تسبیح او را در اورشلیم،

8 عهد خود را یاد می‌دارد تا ابدالآباد و کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است. 9 آن عهده را که با ابراهیم بسته و قسمی را که برای اسحاق خورده است. 10 و آن را برای یعقوب فریضهای استوار ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی. 11 و گفت که، زمین کنعان را به تو خواهم داد تا حصه میراث شما شود. 12 هنگامی که عددی معدود بودند، قلیلالعدد و غربا در آنجا، 13 و از امتی تا امتی سرگردان می‌بودند و از یک مملکت تا قوم دیگر. 14 او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود 15 که بر مسیحان من دست مگذارید و انبیای مرا ضرر مرسانید. 16 پس قطعی را بر آن زمین خواند و تمامی قوام نان را شکست، 17 و مردی پیش روی ایشان فرستاد، یعنی یوسف را که او را به غلامی فروختند. 18 پایهای وی را به زنجیرها بستند و جان او در آهن بسته شد، 19 تا وقتی که سخن او واقع شد و کلام ایواو او را امتحان نمود. 20 آنگاه پادشاه فرستاده، بندهای او را گشاد و سلطان قومها او را آزاد ساخت. 21 او را بر خانه خود حاکم قرار داد و مختار بر تمام مایملک خویش، 22 تا به اراده خود سروران او را بند نماید و مشایخ او را حکمت آموزد. 23 پس اسرائیل به مصر درآمدند و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت. 24 و او قوم خود را به غایت بارور گردانید و ایشان را از دشمنان ایشان قویتر ساخت. 25 لیکن دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه ورزند و بر بندگان وی حمله نمایند. 26 بنده خود موسی را فرستاد و هارون را که برگزیده بود. 27 کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه کردند و عجایب او را در زمین حام. 28 ظلمت را فرستاد که تاریک گردید. پس به کلام او مخالفت نورزیدند. 29 آبهای ایشان را به خون مبدل ساخت و ماهیان ایشان را می‌رانید. 30 زمین ایشان گوکها را به ازدحام پیدا نمود، حتی در حرمهای پادشاهان ایشان. 31 او گفت و انواع مگسها پدید آمد و پشه‌ها در همه حدود ایشان. 32 تگرگ را به عوض باران بارانید و آتش مشتعل را در زمین ایشان. 33 موها و انجیرهای ایشان را زد و درختان محال ایشان را بشکست. 34 او گفت و ملخ پدید آمد و کرمه‌ها از حد شماره افزون. 35 و هر سهم را در زمین ایشان بخوردند و میوه‌های زمین ایشان را خوردند. 36 و جمیع نخستزادگان را در زمین ایشان زد، اوایل تمامی قوت ایشان را. 37 و ایشان را با طلا و نقره بیرون آورد که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود. 38 مصریان از بیرون رفتن ایشان شاد بودند زیرا که خوف ایشان بر آنها مستولی گردیده بود. 39 ابری برای پوشش گسترانید و آتشی که شامگاه روشنایی دهد. 40 سؤال کردند پس سلوی برای ایشان فرستاد و ایشان را از نان آسمان سیر گردانید. 41 صخره را بشکافت و آب جاری شد؛ در جایهای خشک مثل نهر روان گردید. 42 زیرا کلام مقدس خود را به یاد آورد و بنده خویش ابراهیم را. 43 و قوم خود را با شادمانی بیرون آورد و برگزیدگان خویش را با ترم. 44 و زمینهای امت‌ها را بدیشان داد و زحمت قومها را وارث شدند. 45 تا آنکه فریاض او را نگاه دارند و شریعت او را حفظ نمایند.

اُولوایو!

106 اُولوایو! ایواو را حمد بگویند زیرا که او نیکو است و رحمت او تا ابدالآباد! 2 کیست که اعمال عظیم ایواو را بگوید و همه تسبیحات او را بشنوند؟ 3 خوشبحال آنانیکه انصاف را نگاه دارند و آن که عدالت را در همه وقت به عمل آورد.

6 آن را به لجه‌ها مثل ردا پوشانیده‌ای، که آنها بر کوه‌ها ایستاده‌اند. 7 از عتاب تو می‌گریزند. از آواز رعد تو پراکنده می‌شوند. 8 به فراز کوه‌ها برمی‌آیند، و به همواریها فرود می‌آیند، به مکانی که برای آنها مهیا ساخته‌ای. 9 حدی برای آنها قرار داده‌ای که از آن نگذردند و برنگردند تا زمین را ببوشانند. 10 که چشمه‌ها را در وادیها جاری می‌سازد تا در میان کوه‌ها روان بشوند. 11 تمام حیوانات صحرا را سیراب می‌سازد تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند. 12 بر آنها مرغان هوا ساکن می‌شوند و از میان شاخه‌ها آواز خود را می‌دهند. 13 او از غرقات خود کوه‌ها را سیراب می‌کند و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود. 14 نباتات را برای بهایم می‌رویاند و سبزه‌ها را برای خدمت انسان، و نان را از زمین بیرون می‌آورد، 15 و شراب را که دل انسان را شادمان می‌کند، و چهره او را به روغن شاداب می‌سازد؛ و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند. 16 درختان ایواو شادابند، یعنی سروهای آزاد لبنان که غرس کرده است، 17 که در آنها مرغان آشیانهای خود را می‌گیرند و اما صنوبر خانه لقی می‌باشد. 18 کوه‌های بلند برای بزهای کوهی و صخره‌ها برای یربوع ملجاء است. 19 ماه را برای موسما ساخت و آفتاب مغرب خود را می‌داند. 20 تاریکی می‌سازی و شب می‌شود که در آن همه حیوانات جنگلی راه می‌روند. 21 شیر بچگان برای شکار خود غرش می‌کنند و خوراک خویش را از خدا می‌جویند. 22 چون آفتاب طلوع می‌کند جمع می‌شوند و در بیشه‌های خود می‌خوابند. 23 انسان برای عمل خود بیرون می‌آید و بجهت شغل خویش تا شامگاه. 24 ای ایواو اعمال تو چه بسیار است! جمیع آنها را به حکمت کرده‌ای. زمین از دولت تو پر است. 25 و آن دریای بزرگ و وسیع‌الاطراف نیز که در آن حشرات از حد شماره زیاده‌اند و حیوانات خرد و بزرگ. 26 و در آن کشتیها راه می‌روند و آن لویاتان که بجهت بازی کردن در آن آفریده‌ای. 27 جمیع اینها از تو انتظار می‌کشند تا خوراک آنها را در وقتش برسانی. 28 آنچه را که به آنها می‌دهی، فرا می‌گیرند. دست خود را باز می‌کنی، پس از چیزهای نیکو سیر می‌شوند. 29 روی خود را می‌پوشانی، پس مضطرب می‌گردند. روح آنها را قبض می‌کنی، پس می‌میرند و به خاک خود برمی‌گردند. 30 چون روح خود را می‌فرستی، آفریده می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی. 31 جلال ایواو تا ابدالآباد است. ایواو از اعمال خود راضی خواهد بود. 32 که به زمین نگاه می‌کند و آن می‌لرزد. کوه‌ها را لمس می‌کند، پس آتشفشان می‌شوند. 33 ایواو را خواهم سراپید تا زنده می‌باشم. برای خدای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم. 34 تفکر من او را لذیذ بشود و من در ایواو شادمان خواهم بود. 35 گناهکاران از زمین نابود گردند و شریران دیگر یافت نشوند. ای جان من، ایواو را متبارک بخوان! **اُولوایو!**

105 ایواو را حمد گویند و نام او را بخوانید. اعمال او را در میان قومها اعلام نمایید. 2 او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید. 3 در نام قنوس او فخر کنید. دل طالبان خداوند شادمان باشد. 4 خداوند و قوت او را بطلبید؛ روی او را پیوسته طالب باشید. 5 کارهای عجیب را که او کرده است به یاد آورید. آیات او و داوریهای دهان او را. 6 ای ذریت بنده او ابراهیم، ای فرزندان یعقوب، برگزیده او، 7 ایواو خدای ماست! داوریهای او در تمامی جهان است.

4 ای ایواوؤ مرا یاد کن به رضامندیی که با قوم خود می‌داری؛ و به نجات خود از من تفقد نما. 5 تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و با میراث تو فخر نمایم. 6 با پدران خود گناه نموده‌ایم و عصیان ورزیده، شرارت کرده‌ایم. 7 پدران ما کارهای عجیب تو را در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد نیاوردند، بلکه نزد دریا، یعنی بحر قلزم فتنه‌انگیز شدند. 8 لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد تا توانایی خود را اعلان نماید. 9 و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید. پس ایشان را در لجه‌ها مثل بیابان رهبری فرمود. 10 و ایشان را از دست دشمن نجات داد و از دست خصم رهایی بخشید. 11 و آب، دشمنان ایشان را پوشانید که یکی از ایشان باقی نماند. 12 آنگاه به کلام او ایمان آوردند و حمد او را سرآیدند. 13 لیکن اعمال او را به زودی فراموش کردند و مشورت او را انتظار نکشیدند. 14 بلکه شهوت‌پرستی نمودند در بادیه؛ و خدا را امتحان کردند در هامون. 15 و مسألت ایشان را بدیشان داد. لیکن لاغری در جانهای ایشان فرستاد. 16 پس به موسی در اردو حسد بردند و به هارون، مقدس ایواوؤ. 17 و زمین شکافته شده، داتان را فرو برد و جماعت ابیرام را پوشانید. 18 و آتش، در جماعت ایشان افروخته شده، شعله آتش شیریران را سوزانید. 19 گوساله‌های در حوریب ساختند و بتی ریخته شده را پرستش نمودند. 20 و جلال خود را تبدیل نمودند به مثال گاوی که علف می‌خورد. 21 و خدای نجات دهنده خود را فراموش کردند که کارهای عظیم در مصر کرده بود، 22 و اعمال عجیبه را در زمین حام و کارهای ترسناک را در بحر قلزم. 23 آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند، اگر برگزیده او موسی در شکاف به حضور وی نمی‌ایستاد، تا غضب او را از هلاکت ایشان برگرداند. 24 و زمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام وی ایمان نیاوردند. 25 و در خیمه‌های خود همه‌م کردند و قول ایواوؤ را استماع ننمودند. 26 له‌ذا دست خود را برایشان برافراشت، که ایشان را در صحرا از پا درآورَد. 27 و ذریّت ایشان را در میان اّمته‌ها بیندازد و ایشان را در زمینها پراکنده کند. 28 پس به بلع فغور پیوستند و قربانی‌های مردگان را خوردند. 29 و به کارهای خود خشم او را به هیجان آوردند و وبا بر ایشان سخت آمد. 30 آنگاه فینحاس بر پا ایستاده، داوری نمود و وبا برداشته شد. 31 و این برای او به عدالت محسوب گردید، نسلأ بعد نسل تا ابدالآباد. 32 و او را نزد آب مریبه غضبناک نمودند. حتی موسی را به خاطر ایشان آزاری عارض گردید. 33 زیرا که روح او را تلخ ساختند، تا از لبهای خود ناسزا گفت. 34 و آن قومها را هلاک نکردند، که درباره ایشان ایواوؤ امر فرموده بود. 35 بلکه خویشتن را با اّمته‌ها آمیختند و کارهای ایشان را آموختند. 36 و بتهای ایشان را پرستش نمودند تا آنکه برای ایشان دام گردید. 37 و پسران و دختران خویش را برای دیوها قربانی گذرانیدند، 38 و خون بی‌گناه را ریختند، یعنی خون پسران و دختران خود را که آن را برای بتهای کنعان ذبح کردند و زمین از خون ملوث گردید. 39 و از کارهای خود نجس شدند و در افعال خویش زناکار گردیدند. 40 له‌ذا خشم ایواوؤ بر قوم خود افروخته شد و میراث خویش را مکروه داشت. 41 و ایشان را به دست اّمته‌ها تسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، بر ایشان حکمرانی کردند. 42 و دشمنان ایشان بر ایشان ظلم نمودند و زیر دست ایشان ذلیل گردیدند. 43 بارهای بسیار ایشان را خلاصی داد. لیکن به مشورت‌های خویش بر او فتنه کردند و بهسبب گناه خویش خوار گردیدند.

44 با وجود این، بر تنگی ایشان نظر کرد، وقتی که فریاد ایشان را شنید. 45 و به خاطر ایشان، عهد خود را به یاد آورد و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود. 46 و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان. 47 ای ایواوؤ خدای ما، ما را نجات ده! و ما را از میان اّمته‌ها جمع کن! تا نام قدّوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو فخر نماییم. 48 ایواوؤ خدای اسرائیل متبارک باد از ازل تا ابدالآباد. و تمامی قوم بگویند آمین. **اولواؤ!**

107 ایواوؤ را حمد بگوئید زیرا که او نیکو است و رحمت او باقی است تا ابدالآباد. 2 فدیة شدگان ایواوؤ این را بگویند که ایشان را از دست دشمن فدیة داده است. 3 و ایشان را از بلدان جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و جنوب. 4 در صحرا آواره شدند و در بادیهای بیطریق و شهری برای سکونت نیافتند. 5 گرسنه و تشنه نیز شدند و جان ایشان در ایشان مستمند گردید. 6 آنگاه در تنگی خود نزد ایواوؤ فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید، 7 و ایشان را به راه مستقیم رهبری نمود، تا به شهری مسکون درآمدند. 8 پس ایواوؤ را بهسبب رحمتش تشکر نمایند و بهسبب کارهای عجیب وی با بنی‌آدم. 9 زیرا که جان آرزومند را سیر گردانید و جان گرسنه را از چیزهای نیکو پر ساخت، 10 آنانی که در تاریکی و سایه موت نشسته بودند، که در مذلت و آهن بسته شده بودند. 11 زیرا که کلام خدا مخالفت نمودند و به نصیحت حضرت اعلی اهانت کردند. 12 و او دل ایشان را به مشقت ذلیل ساخت؛ بلغزیدند و مددکننده‌ای نبود. 13 آنگاه در تنگی خود نزد ایواوؤ فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. 14 ایشان را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و بندهای ایشان را بگسست. 15 پس ایواوؤ را بهسبب رحمتش تشکر نمایند و بهسبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم. 16 زیرا که دروازه‌های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است. 17 احقان بهسبب طریق شیرانه خود و بهسبب گناهان خویش، خود را ذلیل ساختند. 18 جان ایشان هر قسم خوراک را مکروه داشت و به دروازه‌های موت نزدیک شدند. 19 آنگاه در تنگی خود نزد ایواوؤ فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. 20 کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و ایشان را از هلاکتهای ایشان رهایی بخشید. 21 پس ایواوؤ را بهسبب رحمتش تشکر نمایند و بهسبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم. 22 و قربانی‌های تشکر را بگذرانند و اعمال وی را به تَرَنَم ذکر کنند. 23 آنانی که در کشتیها به دریا رفتند، و در آبهای کثیر شغل کردند. 24 اینان کارهای ایواوؤ را دیدند و اعمال عجیب او را در لجه‌ها. 25 او گفت پس باد تند را وزانید و امواج آن را برافراشت. 26 به آسمانها بالا رفتند و به لجه‌ها فرود شدند و جان ایشان از سختی گداخته گردید. 27 سرگردان گشته، مثل مستان افتان و خیزان شدند و عقل ایشان تماماً حیران گردید. 28 آنگاه در تنگی خود نزد ایواوؤ فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. 29 طوفان را به آرامی ساکت ساخت که موجهای ساکن گردید. 30 پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند و ایشان را به بندر مراد ایشان رسانید. 31 پس ایواوؤ را بهسبب رحمتش تشکر نمایند و بهسبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم. 32 و او را در مجمع قوم متعال بخوانند و در مجلس مشایخ او را تسبیح بگویند. 33 او نهرها را به بادیه مبدل کرد و چشمه‌های آب را به زمین تشنه. 34 و زمین بارور را نیز به شور هزار، بهسبب شرارت ساکنان آن.

16 زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیآورَد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد و بر شکسته دل تا او را به قتل رساند.
 17 چون که لعنت را دوست می‌داشت، بدو رسیده و چون که برکت را نمی‌خواست، از او دور شده است. 18 و لعنت را مثل ردای خود در بر گرفت و مثل آب به شکمش درآمد و مثل روغن در استخوانهای وی. 19 پس مثل جامهای که او را می‌پوشاند، و چون کمربندی که به آن همیشه بسته می‌شود، خواهد بود. 20 این است اجرت مخالفانم از جانب ایواو و برای آنانی که بر جان من بدی می‌گویند. 21 اما تو ای ایواو خدایم، به خاطر نام خود با من عمل نما؛ چون که رحمت تو نیکوست، مرا خلاصی ده. 22 زیرا که من فقیر و مسکین هستم و دل من در اندروم مجروح است.
 23 مثل سایه‌ای که در زوال باشد، رفته‌ام و مثل ملخ رانده شده‌ام. 24 زانوهایم از روزه داشتن می‌لرزد و گوشتم از فریبی کاهیده می‌شود. 25 و من نزد ایشان عار گردیده‌ام. چون مرا می‌بینند سر خود را می‌جنبانند. 26 ای ایواو خدای من مرا اعانت فرما، و به حسب رحمت خود مرا نجات ده، 27 تا بدانند که این است دست تو، و تو ای ایواو این را کرده‌ای. 28 ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. ایشان برخیزند و خجل گردند و اما بنده تو شادمان شود.
 29 جفا کنندگانم به رسوایی ملّیس شوند و خجالت خویش را مثل ردا ببوشند. 30 ایواو را به زبان خود بسیار تشکر خواهم کرد و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت.
 31 زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد تا او را از آنانی که بر جان او فتوا می‌دهند برهاند.

110 [مزمور داود] ایواو به خداوند من گفت، به دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.
 2 ایواو عصای قوت تو را از صهیون خواهد فرستاد. در میان دشمنان خود حکمرانی کن. 3 قوم تو در روز قوت تو، هدایای تبرّعی می‌باشند. در زینتهای قنّوسیت، شبنم جوانی تو از رجم صحراگه برای توست. 4 ایواو قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبه ملک‌صدق. 5 **خداوند** که به دست راست توست؛ در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد. 6 در میان امت‌ها داوری خواهد کرد. از لاشها پر خواهد ساخت و سر آنها را در زمین وسیع خواهد کوبید. 7 از نهر سر راه خواهد نوشید. بنابراین سر خود را بر خواهد افراشت.

111 **اولوایو!** ایواو را به تمامی دل حمد خواهم گفت، در مجلس راستان و در جماعت. 2 کارهای ایواو عظیم است، و همگانی که به آنها رغبت دارند در آنها تفتیش می‌کنند. 3 کار او جلال و کبریایی است و عدالت وی پایدار تا ابدالآباد. 4 یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است. ایواو کریم و رحیم است. 5 ترسندگان خود را رزقی نیکوداده است. عهد خویش را به یاد خواهد داشت تا ابدالآباد. 6 قوت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است تا میراث امت‌ها را بدیشان عطا فرماید. 7 کارهای دستهای راستی و انصاف است و جمیع فریاض وی امین. 8 آنها پایدار است تا ابدالآباد. در راستی و استقامت کرده شده. 9 فدیهای برای قوم خود فرستاد و عهد خویش را تا ابد امر فرمود. نام او قنّوس و مهیب است. 10 ترس ایواو ابتدای حکمت است. همه عاملین آنها را خردمندی نیکو است. حمد او پایدار است تا ابدالآباد.

35 باده را به دریاچه آب مبدل کرد و زمین خشک را به چشمه‌های آب. 36 و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت بنا نمودند. 37 و مزرعه‌ها کاشتند و تاکستانها غرس نمودند و حاصل غله به عمل آوردند. 38 و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر شدند و بهایم ایشان را نگذارد کم شوند. 39 و باز کم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و شقاوت و حزن. 40 ذلت را بر رؤسا می‌ریزد و ایشان را در بادیه‌های که راه ندارد آواره می‌سازد. 41 اما مسکین را از مشقتش برمیافرازد و قبيله‌ها را مثل گله‌ها برایش پیدا می‌کند. 42 صالحان این را دیده، شادمان می‌شوند و تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست. 43 کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید؟ که ایشان رحمت‌های ایواو را خواهند فهمید.

108 [سرود و مزمور داود] ای خدا دل من مستحکم است. من خواهم سرایید و ترنم خواهم نمود و جلال من نیز. 2 ای عود و بریبط بیدار شوید! من نیز در سحرگاه بیدار خواهم شد. 3 ای ایواو، تو را در میان قومها حمد خواهم گفت و در میان طایفه‌ها تو را خواهم سرایید. 4 زیرا که رحمت تو عظیم است، فوق آسمانها! و راستی تو تا افلاک می‌رسد! 5 ای خدا، بر فوق آسمانها متعال باش و جلال تو بر تمامی زمین! 6 تا محبوبان تو خلاصی یابند. به دست راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما. 7 خدا در قنّوسیت خود سخن گفته است، پس وجد خواهم نمود. شکیم را تقسیم می‌کنم و وادی سکوت را خواهم پیمود. 8 جلعاد از آن من است و منسی از آن من. و افرایم خود سر من. و یهودا عصای سلطنت من. 9 مواب ظرف شست و شوی من است، و بر ادم نعلین خود را خواهم انداخت و بر فلسطین فخر خواهم نمود. 10 کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟ کیست که مرا به ادم رهبری نماید؟ 11 آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده‌ای؟ و تو ای خدا که بالشکرهای ما بیرون نمی‌آیی؟ 12 ما را بر دشمن امداد فرما، زیرا که مدد انسان باطل است. 13 در خدا با شجاعت کار خواهیم کرد و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود.

109 [برای سالار مغنیان. مزمور داود] ای خدای تسبیح من، خاموش مباش! 2 زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر من گشوده‌اند، و به زبان دروغ بر من سخن گفته‌اند. 3 به سخنان کینه مرا احاطه کرده‌اند و بی‌سبب با من جنگ نموده‌اند. 4 به عوض محبت من، با من مخالفت می‌کنند، و اما من دعا. 5 و به عوض نیکویی به من بدی کرده‌اند، و به عوض محبت، عداوت نموده. 6 مردی شریر را بر او بگمار، و دشمن به دست راست او بایستد. 7 هنگامی که در محاکمه بیاید، خطا کار بیرون آید و دعای او گناه بشود. 8 ایام عمرش کم شود و منصب او را دیگری ضبط نماید. 9 فرزندان او یتیم بشوند و زوجه وی بیوه گردد. 10 و فرزندان او آواره شده، گدایی بکنند و از خرابه‌های خود قوت را بجویند. 11 طلبکار تمامی مایملک او را ضبط نماید و اجنبیان محنت او را تاراج کنند. 12 کسی نباشد که بر او رحمت کند و بر یتیمان وی احدی رأفت ننماید. 13 ذریت وی منقطع گردند و در طبقه بعد نام ایشان محو شود. 14 عصیان پدرانش نزد ایواو به یاد آورده شود و گناه مادرش محو نگردد. 15 و آنها در مد نظر ایواو دائماً بماند تا یادگاری ایشان را از زمین ببرد.

112 **اُولُوایُو!** خوشباجال کسی که از ایو اوو می ترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد. 2 ذریتش در زمین زور آور خواهد بود. طبقه راستان مبارک خواهند شد. 3 توانگری و دولت در خانه او خواهد بود و عدالتش تا به ابد پایدار است. 4 نور برای راستان در تاریکی طلوع می کند. او کریم و رحیم و عادل است. 5 فرخنده است شخصی که رثوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می دارد. 6 زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. مرد عادل تا به ابد مذکور خواهد بود. 7 از خیر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر ایو اوو توکل دارد. 8 دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند. 9 بذل نموده، به فقرا بخشیده است؛ عدالتش تا به ابد پایدار است. شاخ او با عزت افراشته خواهد شد. 10 شیرین این را دیده، غضبناک خواهد شد. دندانهای خود را فشرده، گداخته خواهد گشت. آرزوی شیرین زایل خواهد گردید.

113 **اُولُوایُو!** ای بندگان ایو اوو، تسبیح بخوانید. نام ایو اوو را تسبیح بخوانید. 2 نام ایو اوو مبارک باد، از الان و تا ابدالابد. 3 از مطلع آفتاب تا مغرب آن، نام ایو اوو تسبیح خوانده شود. 4 ایو اوو بر جمیع امتها متعال است و جلال وی فوق آسمانها. 5 کیست مانند ایو اوو خدای ما که بر اعلی علین نشسته است؟ 6 و متواضع می شود تا نظر نماید بر آسمانها و بر زمین؛ 7 که مسکین را از خاک برمی دارد و فقیر را از مزبله برمیافرازد. 8 تا او را با بزرگان بنشانند، یعنی با بزرگان قوم خویش. 9 زن نازد را خانه نشین می سازد و مادر فرحناک فرزندان. **اُولُوایُو!**

114 اجنبی زبان، 2 یهودا مقدس او بود و اسرائیل محل سلطنت وی. 3 دریا این را بدید و گریخت و اردن به عقب برگشت. 4 کوهها مثل قوچها به جستن درآمدند و تلهای مثل بره های گله. 5 ای دریا تو را چه شد که گریختی؟ و ای اردن که به عقب برگشتی؟ 6 ای کوهها که مثل قوچها به جستن درآمدید و ای تلهای که مثل بره های گله. 7 ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب. 8 صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.

115 ما را نی، ای ایو اوو! ما را نی، بلکه نام خود را جلال ده! به سبب رحمت و به سبب راستی خویش. 2 امتها چرا بگویند که خدای ایشان الان کجاست؟ 3 اما خدای ما در آسمانهاست. آنچه را که اراده نمود، به عمل آورده است. 4 بنهای ایشان نقره و طلاست، از صنعت دستهای انسان. 5 آنها را دهان است و سخن نمی گویند. آنها را چشمهاست و نمی بینند. 6 آنها را گوشهاست و نمی شنوند. آنها را بینی است و نمی بویند. 7 دستها دارند و لمس نمی کنند. و پاهای و راه نمی روند. و به گلوئی خود تنطق نمی نمایند. 8 سازندگان آنها مثل آنها هستند، و هر که بر آنها توکل دارد. 9 ای اسرائیل بر ایو اوو توکل نما. او معاون و سپر ایشان است. 10 ای خاندان هارون بر ایو اوو توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است. 11 ای ترسندگان ایو اوو، بر ایو اوو توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است. 12 ایو اوو ما را به یاد آورده، برکت می دهد. خاندان اسرائیل را برکت خواهد داد و خاندان هارون را برکت خواهد داد. 13 ترسندگان ایو اوو را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ. 14 ایو اوو شما را ترقی خواهد داد، شما و فرزندان شما را.

15 شما مبارک ایو اوو هستید که آسمان و زمین را آفرید. 16 آسمانها، آسمانهای ایو اوو است و اما زمین را به بنی آدم عطا فرمود. 17 مردگان نیستند که ایو را تسبیح می خوانند؛ و نه آنانی که به خاموشی فرو می روند. 18 لیکن ما ایو را متبارک خواهیم خواند، از الان و تا ابدالابد. **اُولُوایُو!**

116 ایو اوو را محبت می نمایم زیرا که آواز من و تضرع مرا شنیده است. 2 زیرا که گوش خود را به من فرا داشته است، پس مدت حیات خود، او را خواهم خواند. 3 ریسمانهای موت مرا احاطه کرد و تنگیهای هاویه مرا دریافت، تنگی و غم پیدا کردم. 4 آنگاه نام ایو اوو را خواندم. آه ای ایو اوو جان مرا رهایی ده! 5 ایو اوو رثوف و عادل است و خدای ما رحیم است. 6 ایو اوو ساده دلان را محافظت می کند. دلیل بودم و مرا نجات داد. 7 ای جان من به آرامی خود برگرد، زیرا ایو اوو به تو احسان نموده است. 8 زیرا که جان مرا از موت خلاصی دادی و چشمانم را از اشک و پایهایم را از لغزیدن. 9 به حضور ایو اوو سالک خواهم بود، در زمین زندگان. 10 ایمان آوردم پس سخن گفتم. من بسیار مستمند شدم. 11 در پریشانی خود گفتم که جمیع آدمیان دروغ گویند. 12 ایو اوو را چه ادا کنم، برای همه احسانهایی که به من نموده است؟ 13 پیاله نجات را خواهم گرفت و نام ایو اوو را خواهم خواند. 14 نذرهای خود را به ایو اوو ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم او. 15 موت مقدسان ایو اوو در نظر وی گرانهاست. 16 آه ای ایو اوو، من بنده تو هستم! من بنده تو و پسر کنیز تو هستم. بندهای مرا گشوده ای! 17 قربانیهای تشکر نزد تو خواهم گذرانید و نام ایو اوو را خواهم خواند. 18 نذرهای خود را به ایو اوو ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم وی، 19 در صحنهای خانه ایو اوو، در اندرون تو ای اورشلیم. **اُولُوایُو!**

117 ای جمیع امتها ایو اوو را تسبیح بخوانید! ای تمامی قیابیل! او را حمد گویند! 2 زیرا که رحمت او بر ما عظیم است و راستی ایو اوو تا ابدالابد. **اُولُوایُو!**

118 ایو اوو را حمد گویند زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالابد است. 2 اسرائیل بگویند که رحمت او تا ابدالابد است. 3 خاندان هارون بگویند که رحمت او تا ابدالابد است. 4 ترسندگان ایو اوو بگویند که رحمت او تا ابدالابد است. 5 در تنگی ایو او را خواندم. ایو او مرا اجابت فرموده، در جای وسیع آورد. 6 ایو اوو با من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد؟ 7 ایو اوو برایم از مددکاران من است. پس من بر نفرت کنندگان خود آرزوی خویش را خواهم دید. 8 به ایو اوو پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان. 9 به ایو اوو پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر امیران. 10 جمیع امتها مرا احاطه کردند، لیکن به نام ایو اوو ایشان را هلاک خواهم کرد. 11 مرا احاطه کردند و دور مرا گرفتند، لیکن به نام ایو اوو ایشان را هلاک خواهم کرد. 12 مثل زنبورها مرا احاطه کردند و مثل آتش خارا خاموش شدند. زیرا که به نام ایو اوو ایشان را هلاک خواهم کرد. 13 بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن ایو اوو مرا اعانت نمود. 14 ایو او قوت و سرود من است و نجات من شده است. 15 آواز ترنم و نجات در خیمه های عادلان است. دست راست ایو اوو با شجاعت عمل می کند.

32 در طریق اوامر تو دوان خواهم رفت، وقتی که دل مرا وسعت دادی. 33 [ه] ای ایواو طریق فریاض خود را به من بیاموز. پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت. 34 مرا فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم داشت و آن را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود. 35 مرا در سبیل اوامر خود سالک گردان زیرا که در آن رغبت دارم. 36 دل مرا به شهادت خود مایل گردان و نه به سوی طمع. 37 چشمانم را از دیدن بطلت برگردان و در طریق خود مرا زنده ساز. 38 کلام خود را بر بنده خویش استوار کن، که به ترس تو سپرده شده است. 39 ننگ مرا که از آن می‌ترسم از من دور کن زیرا که داوریهای تو نیکو است. 40 هان به وصایای تو اشتیاق دارم. به حسب عدالت خود مرا زنده ساز. 41 [و] ای ایواو رحمهای تو به من برسد و نجات تو به حسب کلام تو. 42 تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم زیرا بر کلام تو توکل دارم. 43 و کلام راستی را از دهانم بالکل بگیر زیرا که به داوریهای تو امیدوارم 44 و شریعت تو را دانم نگاه خواهم داشت تا ابدالآباد، 45 و به آزادی راه خواهم رفت زیرا که وصایای تو را طلبیده‌ام. 46 و در شهادت تو به حضور پادشاهان سخن خواهم گفت و خجل نخواهم شد، 47 و از وصایای تو تلذذ خواهم یافت که آنها را دوست می‌دارم؛ 48 و دستهای خود را به اوامر تو که دوست می‌دارم بر خواهم افراشت و در فریاض تو تفکر خواهم نمود. 49 [ز] کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی. 50 این در مصیبت تسلی من است زیرا قول تو مرا زنده ساخت. 51 متکبران مرا بسیار استهزا کردند، لیکن از شریعت تو رو نگردانیدم. 52 ای ایواو داوریهای تو را از قدیم به یاد آوردم و خویشتن را تسلی دادم. 53 خشم مرا در گرفته است، به سبب شریانی که شریعت تو را ترک کرده‌اند. 54 فریاض تو سرودهای من گردید، در خانه غریب من. 55 ای ایواو نام تو را در شب به یاد آوردم و شریعت تو را نگاه داشتم. 56 این بهره من گردید، زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم. 57 [ح] ایواو نصیب من است. گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت. 58 رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم. به حسب کلام خود بر من رحم فرما. 59 در راههای خود تفکر کردم و پایهای خود را به شهادت تو مایل ساختم. 60 شتابیدم و درنگ نکردم تا اوامر تو را نگاه دارم. 61 ریسمانهای شریران مرا احاطه کرد، لیکن شریعت تو را فراموش نکردم. 62 در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم برای داوریهای عدالت تو. 63 من همه ترسندگان را رفیق هستم، و آنانی را که وصایای تو را نگاه می‌دارند. 64 ای ایواو زمین از رحمت تو پر است. فریاض خود را به من بیاموز. 65 [ط] با بنده خود احسان نمودی، ای ایواو موافق کلام خویش. 66 خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز زیرا که به اوامر تو ایمان آوردم. 67 قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم لیکن الان کلام تو را نگاه داشتم. 68 تو نیکو هستی و نیکویی می‌کنی. فریاض خود را به من بیاموز. 69 متکبران بر من دروغ بستند. و اما من به تمامی دل وصایای تو را نگاه داشتم. 70 دل ایشان مثل پیه فربه است. و اما من در شریعت تو تلذذ می‌یابم. 71 مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فریاض تو را بیاموزم. 72 شریعت دهان تو برای من بهتر است از هزاران طلا و نقره. 73 [ی] دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهیم گردان تا اوامر تو را بیاموزم. 74 ترسندگان تو چون مرا ببینند شادمان گردند زیرا که کلام تو امیدوار هستم.

16 دست راست ایواو متعال است. دست راست ایواو با شجاعت عمل می‌کند. 17 نمی‌میرم، بلکه زیست خواهم کرد و کارهای ایو را ذکر خواهم نمود. 18 ایو مرا به شدت تنبیه نموده، لیکن مرا به موت نسپرده است. 19 دروازه‌های عدالت را برای من بگشایی! به آنها داخل شده، ایو را حمد خواهم گفت. 20 دروازه ایواو این است. عادلان بدان داخل خواهند شد. 21 تو را حمد می‌گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده‌ای. 22 سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است. 23 این از جانب ایواو شده و در نظر ما عجیب است. 24 این است روزی که ایواو ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود. 25 آه ای ایواو نجات ببخش! آه ای ایواو سعادت عطا فرما! 26 متبارک باد او که به نام ایواو می‌آید. شما را از خانه ایواو برکت می‌دهیم. 27 ایواو خدایی است که ما را روشن ساخته است. ذبیحه را به ریسمانها بر شاخهای قربانگاه ببندید. 28 تو خدای من هستی تو، پس تو را حمد می‌گویم. خدای من، تو را متعال خواهم خواند. 29 ایواو را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالآباد است.

119 [ا] خوشا به حال کاملان طریق که به شریعت ایواو سالکند. 2 خوشا به حال آنانی که شهادت او را حفظ می‌کنند و به تمامی دل او را می‌طلبند. 3 کج روی نیز نمی‌کنند و به طریق‌های وی سلوک می‌نمایند. 4 تو وصایای خود را امر فرموده‌ای تا آنها را تماماً نگاه داریم. 5 کاش که راه‌های من مستحکم شود تا فریاض تو را حفظ کنم. 6 آنگاه خجل نخواهم شد چون تمام اوامر تو را در مد نظر خود دارم. 7 تو را به راستی دل حمد خواهم گفت چون داوریهای عدالت تو را آموخته شوم. 8 فریاض تو را نگاه می‌دارم. مرا بالکلیه ترک منما. 9 [ب] به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو. 10 به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم. 11 کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم. 12 ای ایواو تو متبارک هستی فریاض خود را به من بیاموز. 13 به لپهای خود بیان کردم تمامی داوریهای دهان تو را. 14 در طریق شهادت تو شادمانم. 15 چنانکه در هر قسم توانگری، در وصایای تو تفکر می‌کنم و به طریق‌های تو نگران خواهم بود. 16 از فریاض تو لذت می‌برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد. 17 [ج] به بنده خود احسان بنما تا زنده شوم و کلام تو را حفظ نمایم. 18 چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم. 19 من در زمین غریب هستم. اوامر خود را از من مخفی مدار. 20 جان من شکسته می‌شود از اشتیاق داوریهای تو در هر وقت. 21 متکبران ملعون را توبیخ نمودی، که از اوامر تو گمراه می‌شوند. 22 ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده‌ام. 23 سروران نیز نشسته، به ضد من سخن گفتند. لیکن بنده تو در فریاض تو تفکر می‌کند. 24 شهادت تو نیز ابتهاج من و مشورت دهندگان من بوده‌اند. 25 [د] جان من به خاک چسبیده است. مرا موافق کلام خود زنده ساز. 26 راه‌های خود را ذکر کردم و مرا اجابت نمودی. پس فریاض خویش را به من بیاموز. 27 طریق وصایای خود را به من بفهمان و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود. 28 جان من از حزن گداخته می‌شود. مرا موافق کلام خود برپا بدار. 29 راه دروغ را از من دور کن و شریعت خود را به من عنایت فرما. 30 طریق راستی را اختیار کردم و داوریهای تو را پیش خود گذاشتم. 31 به شهادت تو چسبیدم. ای ایواو مرا خجل مساز.

118 همه کسانی را که از فریض تو گمراه شده‌اند، حقیر شمرده‌ای زیرا که مکر ایشان دروغ است. 119 جمیع شریران زمین را مثل دُردِ هلاک می‌کنی. بنابراین شهادت تو را دوست می‌دارم. 120 موی بدن من از خوف تو برخاسته است و از داوریه‌های تو ترسیدم. 121 [ع] داد و عدالت را به جا آوردم. مرا به ظلم‌کنندگانم تسلیم منما. 122 برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند. 123 چشمانم برای نجات تو تار شده است و برای کلام عدالت تو. 124 با بنده خویش موافق رحمانیتت عمل نما و فریض خود را به من بیاموز. 125 من بنده تو هستم. مرا فهیم گردان تا شهادت تو را دانسته باشم. 126 وقت است که ایوآوُ عمل کند زیرا که شریعت تو را باطل نموده‌اند. 127 بنابراین، اوامر تو را دوست می‌دارم، زیادت از طلا و زر خالص. 128 بنابراین، همهٔ وصایای تو را در هر چیز راست می‌دانم، و هر راه دروغ را مکروه می‌دارم. 129 [ف] شهادت تو عجیب است. ازین سبب جان من آنها را نگاه می‌دارد. 130 کشف کلام تو نور می‌بخشد و ساده دلان را فهیم می‌گرداند. 131 دهان خود را نیکو باز کرده، نفس زدم زیرا که مشتاق وصایای تو بودم. 132 بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت تو به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند. 133 قدمهای مرا در کلام خودت پایدار ساز، تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد. 134 مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا وصایای تو را نگاه دارم. 135 روی خود را بر بندهٔ خود روشن ساز، و فریض خود را به من بیاموز. 136 نهرهای آب از چشمانم جاری است زیرا که شریعت تو را نگاه نمی‌دارند. 137 [ص] ای ایوآوُ تو عادل هستی و داوریه‌های تو راست است. 138 شهادت خود را به راستی امر فرمودی و به امانت الی نهایت. 139 غیرت من مرا هلاک کرده است زیرا که دشمنان من کلام تو را فراموش کرده‌اند. 140 کلام تو بی‌نهایت مصفی است و بندهٔ تو آن را دوست می‌دارد. 141 من کوچک و حقیر هستم، اما وصایای تو را فراموش نکردم. 142 عدالت تو عدل است تا ابدالآباد و شریعت تو راست است. 143 تنگی و ضیق مرا در گرفته است، اما اوامر تو تلذذ من است. 144 شهادت تو عادل است تا ابدالآباد. مرا فهیم گردان تا زنده شوم. 145 [ق] به تمامی دل خوانده‌ام. ای ایوآوُ مرا جواب ده تا فریض تو را نگاه دارم! 146 تو را خوانده‌ام، پس مرا نجات ده. و شهادت تو را نگاه خواهم داشت. 147 بر طلوع فجر سبقت جسته، استغاثه کردم، و کلام تو را انتظار کشیدم. 148 چشمانم بر پاسهای شب سبقت جست، تا در کلام تو تفکر بنمایم. 149 به حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای ایوآوُ موافق داوریه‌های خود مرا زنده ساز. 150 آنانی که در پی خیانت می‌روند، نزدیک می‌آیند، و از شریعت تو دور می‌باشند. 151 ای ایوآوُ تو نزدیک هستی و جمیع اوامر تو راست است. 152 شهادت تو را از زمان پیش دانسته‌ام که آنها را بنیان کرده‌ای تا ابدالآباد. 153 [ر] بر منظر کن و مرا خلاصی ده زیرا که شریعت تو را فراموش نکردم. 154 در دعوی من دادرسی فرموده، مرا نجات ده و به حسب کلام خویش مرا زنده ساز. 155 نجات از شریران دور است زیرا که فریض تو را نمی‌طلبند. 156 ای ایوآوُ، رحمت‌های تو بسیار است. به حسب داوریه‌های خود مرا زنده ساز. 157 جفاکنندگان و خصمان من بسیارند. اما از شهادت تو رو برنگردانیدم. 158 خیانتکاران را دیدم و مکروه داشتم زیرا کلام تو را نگاه نمی‌دارند.

75 ای ایوآوُ دانسته‌ام که داوریه‌های تو عدل است، و بر حق مرا مصیبت داده‌ای. 76 پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو با بندهٔ خویش. 77 رحمت‌های تو به من برسد تا زنده شوم زیرا که شریعت تو تلذذ من است. 78 متکبران خجل شوند زیرا به دروغ مرا اذیت رسانیدند. و اما من در وصایای تو تفکر می‌کنم. 79 ترسندگان تو به من رجوع کنند و آنانی که شهادت تو را می‌دانند. 80 دل من در فریض تو کامل شود، تا خجل نشوم. 81 [ک] جان من برای نجات تو کاهیده می‌شود. لیکن به کلام تو امیدوار هستم. 82 چشمان من برای کلام تو تار گردیده است و می‌گویم کی مرا تسلی خواهی داد. 83 زیرا که مثل مشک در دود گردیده‌ام. لیکن فریض تو را فراموش نکرده‌ام. 84 چند است روزهای بندهٔ تو؟ و کی بر جفاکنندگانم داوریه خواهی نمود؟ 85 متکبران برای من حفره‌ها زدند زیرا که موافق شریعت تو نیستند. 86 تمامی اوامر تو امین است. بر من ناحق جفا کردند. پس مرا امداد فرما. 87 نزدیک بود که مرا از زمین نابود سازند. اما من وصایای تو را ترک نکردم. 88 به حسب رحمت خود مرا زنده ساز تا شهادت دهان تو را نگاه دارم. 89 [ل] ای ایوآوُ کلام تو تا ابدالآباد در آسمانها پایدار است. 90 امانت تو نسلاً بعد نسل است. زمین را آفریده‌ای و پایدار می‌ماند. 91 برای داوریه‌های تو تا امروز ایستاده‌اند زیرا که همه بندهٔ تو هستند. 92 اگر شریعت تو تلذذ من نمی‌بود، هرآینه در منزلت خود هلاک می‌شدم. 93 وصایای تو را تا به ابد فراموش نخواهم کرد زیرا به آنها مرا زنده ساخته‌ای. 94 من از آن تو هستم مرا نجات ده زیرا که وصایای تو را طلبیدم. 95 شریران برای من انتظار کشیدند تا مرا هلاک کنند. لیکن در شهادت تو تأمل می‌کنم. 96 برای هر کمالی انتهایی دیدم، لیکن حکم تو بی‌نهایت وسیع است. 97 [م] شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم؛ تمامی روز تفکر من است. 98 اوامر تو مرا از دشمنانم حکیمتر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می‌باشد. 99 از جمیع معلمان خود فهیمتر شدم زیرا که شهادت تو تفکر من است. 100 از مشایخ خردمندتر شدم زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم. 101 پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم. 102 از داوریه‌های تو رو برنگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی. 103 کلام تو به مذاق من چه شیرین است و به دهانم از عسل شیرینتر. 104 از وصایای تو فطانت را تحصیل کردم. بنابراین هر راه دروغ را مکروه می‌دارم. 105 [ن] کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راه‌های من نور است. 106 قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود که داوریه‌های عدالت تو را نگاه خواهم داشت. 107 بسیار ذلیل شده‌ام. ای ایوآوُ، موافق کلام خود مرا زنده ساز! 108 ای ایوآوُ هدایای تیرّعی دهان مرا منظور فرما و داوریه‌های خود را به من بیاموز. 109 جان من همیشه در کف من است، لیکن شریعت تو را فراموش نمی‌کنم. 110 شریران برای من دام گذاشته‌اند، اما از وصایای تو گمراه نشدم. 111 شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساخته‌ام زیرا که آنها شادمانی دل من است. 112 دل خود را برای بجا آوردن فریض تو مایل ساختم، تا ابدالآباد و تا نهایت. 113 [س] مردمان دور رو را مکروه داشته‌ام، لیکن شریعت تو را دوست می‌دارم. 114 ستر و سپر من تو هستی. به کلام تو انتظار می‌کشم. 115 ای بدکاران، از من دور شوید! و اوامر خدای خویش را نگاه خواهم داشت. 116 مرا به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم. 117 مرا تقویت کن تا رستگار گردم و بر فریض تو دائماً نظر نمایم.

6 برای سلامتی اورشلیم مسألت کنید. آنانیکه تو را دوست می‌دارند، خجسته حال خواهند شد. 7 سلامتی در باره‌های تو باشد، و رفاهیت در قصرهای تو. 8 به خاطر برادران و یاران خویش، می‌گویم که سلامتی بر تو باد. 9 به خاطر خانه ایوآوؤ خدای ما، سعادت تو را خواهم طلبید.

123 [سرود درجات] به سوی تو چشمان خود را برمیافرازم، ای که بر آسمانها جلوس فرموده‌ای! 2 اینک، مثل چشمان غلامان به سوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون خویش، همچنان چشمان ما به سوی ایوآوؤ خدای ماست تا بر ما کرم بفرماید. 3 ای ایوآوؤ بر ما کرم فرما، بر ما کرم فرما زیرا چه بسیار از اهانت پر شده‌ایم. 4 چه بسیار جان ما پر شده است، از استهزای مُسْتَریحان و اهانت متکبران.

124 [سرود درجات از داود] اگر ایوآوؤ با ما نمی‌بود، اسرائیل الآن بگوید؛ 2 اگر ایوآوؤ با ما نمی‌بود، وقتی که آدمیان با ما مقاومت نمودند، 3 آنگاه هر آینه ما را زنده فرو می‌بردند، چون خشم ایشان بر ما فروخته بود. 4 آنگاه آنها ما را غرق می‌کرد و نهرها بر جان ما می‌گذشت. 5 آنگاه آبهای پر زور، از جان ما می‌گذشت. 6 متبارک باد ایوآوؤ که ما را شکار برای دندانهای ایشان نساخت. 7 جان ما مثل مرغ از دام صیادان خلاص شد. دام گسسته شد و ما خلاصیافتیم. 8 اعانت ما به نام ایوآوؤ است، که آسمان و زمین را آفرید.

125 [سرود درجات] آنانی که بر ایوآوؤ توکل دارند، مثل کوه صهیوناند که جنبش نمی‌خورد و پایدار است تا ابدالآباد. 2 کوه‌ها گرداگرد اورشلیم است؛ و ایوآوؤ گرداگرد قوم خود، از الآن و تا ابدالآباد است. 3 زیرا که عصای شریران بر نصیب عادلان قرار نخواهد گرفت، مبدا عادلان دست خود را به گناه دراز کنند. 4 ای ایوآوؤ به صالحان احسان فرما و به آنانی که راست دل می‌باشند. 5 و اما آنانی که به راه‌های کج خود مایل می‌باشند، ایوآوؤ ایشان را با بدکاران رهبری خواهد نمود. سلامتی بر اسرائیل باد.

126 [سرود درجات] چون ایوآوؤ اسیران صهیون را باز آورد، مثل خواب بینندگان شدید. 2 آنگاه دهان ما از خنده پر شد و زبان ما از تَرَم. آنگاه در میان امت‌ها گفتند که ایوآوؤ با ایشان کارهای عظیم کرده است. 3 ایوآوؤ برای ما کارهای عظیم کرده است که از آنها شادمان هستیم. 4 ای ایوآوؤ اسیران ما را باز آور، مثل نهرها در جنوب. 5 آنانی که با اشکها می‌کارند، با تَرَم درو خواهند نمود. 6 آنکه با گریه بیرون می‌رود و تخم برای زراعت می‌برد، هر آینه با تَرَم خواهد برگشت و بافه‌های خویش را خواهد آورد.

127 [سرود درجات از سلیمان] اگر ایوآوؤ خانه را بنا نکند، بنیانش زحمت بی‌فایده می‌کشند. اگر ایوآوؤ شهر را پاسبانی نکند، پاسبانان بی‌فایده پاسبانی می‌کنند. 2 بی‌فایده است که شما صبح زود برمی‌خیزید و شب دیر می‌خوابید و نان مشقت را می‌خورید. همچنان محبوبان خویش را خواب می‌بخشد. 3 اینک، پسران میراث از جانب ایوآوؤ می‌باشند و ثمره رجم، اجرتی از اوست. 4 مثل تیرها در دست مرد زور آور، همچنان هستند پسران جوانی.

159 ببین که وصایای تو را دوست می‌دارم. ای ایوآوؤ، به حسب رحمت خود مرا زنده ساز! 160 جمله کلام تو راستی است و تمامی داوری عدالت تو تا ابدالآباد است. 161 [ش] سروران بیجهت بر من جفا کردند. اما دل من از کلام تو ترسان است. 162 من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی که غنیمت وافر پیدا نموده باشد. 163 از دروغ کراحت و نفرت دارم. اما شریعت تو را دوست می‌دارم. 164 هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می‌خوانم، برای داوریهای عدالت تو. 165 آنانی را که شریعت تو را دوست می‌دارند، سلامتی عظیم است و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد. 166 ای ایوآوؤ، برای نجات تو امیدوار هستم و اوامر تو را بجا می‌آورم. 167 جان من شهادت تو را نگاه داشته است و آنها را بی‌نهایت دوست می‌دارم. 168 وصایا و شهادت تو را نگاه داشته‌ام زیرا که تمام طریق‌های من در مد نظر تو است. 169 [ت] ای ایوآوؤ، فریاد من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا فهم گردان. 170 مناجات من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا خلاصی ده. 171 لبهای من حمد تو را جاری کند زیرا فریاض خود را به من آموخته‌ای. 172 زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام اوامر تو عدل است. 173 دست تو برای اعانت من بشود زیرا که وصایای تو را برگزیده‌ام. 174 ای ایوآوؤ برای نجات تو مشتاق بوده‌ام و شریعت تو تلذذ من است. 175 جان من زنده شود تا تو را تسبیح بخواند و داوریهای تو معاون من باشد. 176 مثل گوسفند گم شده، آواره گشتم. بنده خود را طلب نما، زیرا که اوامر تو را فراموش نکردم.

120 [سرود درجات] نزد ایوآوؤ در تنگی خود فریاد کردم و مرا اجابت فرمود. 2 ای ایوآوؤ جان مرا خلاصی ده از لب دروغ و از زبان حیل‌گر. 3 چه چیز به تو داده شود و چه چیز بر تو افزوده گردد، ای زبان حیل‌گر؟ 4 تیرهای تیز جباران با اخگرهای طاق! 5 وای بر من که در ماشک ماوا گزیده‌ام و در خیمه‌های قیدار ساکن شده‌ام. 6 چه طویل شد سکونت جان من با کسی که سلامتی را دشمن می‌دارد! 7 من از اهل سلامتی هستم، لیکن چونسخن می‌گویم، ایشان آماده جنگ می‌باشند.

121 [سرود درجات] چشمان خود را به سوی کوه‌ها برمیافرازم، که از آنجا اعانت من می‌آید. 2 اعانت من از جانب ایوآوؤ است، که آسمان و زمین را آفرید. 3 او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد. او که حافظ توست نخواهد خوابد. 4 اینک، او که حافظ اسرائیل است، نمی‌خوابد و به خواب نمی‌رود. 5 ایوآوؤ حافظ تو می‌باشد. ایوآوؤ به دست راستت سایه تو است. 6 آفتاب در روز به تو آذیت نخواهد رسانید و نه ماهتاب در شب. 7 ایوآوؤ تو را از هر بدی نگاه می‌دارد. او جان تو را حفظ خواهد کرد. 8 ایوآوؤ خروج و دخولت را نگاه خواهد داشت، از الآن و تا ابدالآباد.

122 [سرود درجات از داود] شادمان می‌شدم چون به من می‌گفتند، به خانه ایوآوؤ برویم. 2 پایهای ما خواهد ایستاد، به اندرون دروازه‌های تو، ای اورشلیم! 3 ای اورشلیم که بنا شده‌ای مثل شهری که تماماً با هم پیوسته باشد، 4 که بدانجا اسباط بالا می‌روند، یعنی اسباط ایوؤ، تا شهادت باشد برای اسرائیل و تا نام ایوآوؤ را تسبیح بخوانند. 5 زیرا که در آنجا کرسیهای داوری بر پا شده است، یعنی کرسیهای خاندان داود

5 خوشابحال کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است. خجل نخواهند شد، بلکه با دشمنان، در دروازه سخن خواهند راند.

128 [سرود درجات] خوشابحال هر که از ایواو می‌ترسد و بر طریق‌های او سالک می‌باشد. 2 عمل دستهای خود را خواهی خورد. خوشابحال تو و سعادت با تو خواهد بود. 3 زن تو مثل مو بارآور به اطراف خانه تو خواهد بود و پسرانت مثل نهالهای زیتون، گرداگرد سفره تو. 4 اینک، همچنین مبارک خواهد بود کسی که از ایواو می‌ترسد. 5 ایواو تو را از صهیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را خواهی دید. 6 پسران پسران خود را خواهی دید. سلامتی بر اسرائیل باد.

129 [سرود درجات] چه بسیار از طفولیتیم مرا اذیت رسانیدند. اسرائیل الان بگویند، 2 چه بسیار از طفولیتیم مرا اذیت رسانیدند. لیکن بر من غالب نیامدند. 3 شیار کنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را دراز نمودند. 4 اما ایواو عادل است و بندهای شیران را گسیخت. 5 خجل و برگردانیده شوند همه کسانی که از صهیون نفرت دارند. 6 مثل گیاه بر پشتبامها باشند، که پیش از آن که آن را بچینند میخشکد. 7 که درونده دست خود را از آن پر نمی‌کند و نه دسته بند آغوش خود را. 8 و رامگذران نمی‌گویند برکت ایواو بر شما باد. شما را به نام ایواو مبارک می‌خوانیم.

130 [سرود درجات] ای ایواو از عمق‌ها نزد تو فریاد برآوردم. 2 ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوشهای تو به آواز تصرع من ملتفت شود. 3 ای ایو، اگر گناهان را به نظر آوری، کیست ای خداوند که به حضور تو بایستد؟ 4 لیکن مغفرت نزد توست تا از تو بترسند. 5 منتظر ایواو هستم. جان من منتظر است و به کلام او امیدوارم. 6 جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح؛ بلی زیاده از منتظران صبح. 7 اسرائیل برای ایواو امیدوار باشند زیرا که رحمت نزد ایواو است و نزد اوست نجات فراوان. 8 و او اسرائیل را فدی خواهد داد، از جمیع گناهان وی.

131 [سرود درجات از داود] ای ایواو، دل من متکبر نیست و نه چشمانم برافراشته و خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم، و نه به کارهایی که از عقل من بعید است. 2 بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم، مثل بجهای از شیر باز داشته شده، نزد مادر خود. جانم در من بود، مثل بچه از شیر باز داشته شده. 3 اسرائیل بر ایواو امیدوار باشند، از الان و تا ابدالآباد.

132 [سرود درجات] ای ایواو برای داود به یاد آور، همه منتهای او را. 2 چگونه برای ایواو قسم خورد و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود 3 که به خیمه خانه خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر بستر تختخواب خود برنخوام آمد، 4 خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی به مژگان خویش، 5 تا مکانی برای ایواو پیدا کنم و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب. 6 اینک، ذکر آن را در افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یعاریم یافتیم. 7 به مسکنهای او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم. 8 ای ایواو به آرامگاه خود برخیز و بیا، تو و تابوت قوت تو. 9 کاهنان تو به عدالت ملبس شوند و مقدساتن ترتم نمایند.

10 به خاطر بنده خود داود، روی مسیح خود را برمگردان. 11 ایواو برای داود به راستی قسم خورد و از آن برنخواهد گشت که از ثمره صلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت. 12 اگر پسران تو عهد مرا نگاه دارند و شهاداتم را که بدیشان می‌آموزم، پسران ایشان نیز بر کرسی تو تا به ابد خواهند نشست. 13 زیرا که ایواو صهیون را برگزیده است و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده. 14 این است آرامگاه من تا ابدالآباد. اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم. 15 آنوقه آن را هرآینه برکت خواهم داد و فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت، 16 و کاهنانش را به نجات ملبس خواهم ساخت و مقدسانش هرآینه ترتم خواهند نمود. 17 در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید و چراغی برای مسیح خود آماده خواهم ساخت. 18 دشمنان او را به خجالت ملبس خواهم ساخت و تاج او بر وی شکوفه خواهد آورد.

133 [سرود درجات از داود] اینک، چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدلی با هم ساکن شوند. 2 مثل روغن نیکو بر سر است که به ریش فرود می‌آید، یعنی به ریش هارون که به دامن ردایش فرود می‌آید. 3 و مثل شبنم حرمون است که بر کوه‌های صهیون فرود می‌آید. زیرا که در آنجا ایواو برکت خود را فرموده است، یعنی حیات را تا ابدالآباد.

134 [سرود درجات] هان ایواو را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان ایواو که شبانگاه در خانه ایواو میایستید! 2 دستهای خود را به قدس برافرازید، و ایواو را متبارک خوانید. 3 ایواو که آسمان و زمین را آفرید، تو را از صهیون برکت خواهد داد.

135 **اولوایو**، نام ایواو را تسبیح بخوانید! ای بندگان ایواو تسبیح بخوانید! 2 ای شما که در خانه ایواو میایستید، در صحنهای خانه خدای ما. 3 **اولوایو**، زیرا ایواو نیکو است! نام او را بسرایید زیرا که دلپسند است. 4 زیرا که ایواو یعقوب را برای خود برگزید، و اسرائیل را بجهت ملک خاص خویش. 5 زیرا می‌دانم که ایواو بزرگ است و خداوند ما برتر است از جمیع خدایان. 6 هر آنچه ایواو خواست آن را کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجه‌ها. 7 ابرها را از اقصای زمین برمی‌آورد و برقهها را برای باران می‌سازد و بادها را از مخزنهای خویش بیرون می‌آورد. 8 که نخست‌زادگان مصر را کشت، هم از انسان هم از بهایم. 9 آیات و معجزات را در وسط تو ای مصر فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی. 10 که امت‌های بسیار را زد و پادشاهان عظیم را کشت. 11 سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشان و جمیع ممالک کنعان را. 12 و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به میراث قوم خود اسرائیل. 13 ای ایواو، نام توست تا ابدالآباد؛ و ای ایواو، یادگاری توست تا جمیع طبقات. 14 زیرا ایواو قوم خود را داوری خواهد نمود و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود. 15 بتهای امت‌ها طلا و نقره می‌باشند، عمل دستهای انسان. 16 دهنها دارند و سخن نمی‌گویند؛ چشمان دارند و نمی‌بینند؛ 17 گوشها دارند و نمی‌شنوند، بلکه در دهان ایشان هیچ نفس نیست. 18 سازندگان آنها مثل آنها می‌باشند و هرکه بر آنها توکل دارد.

8 ای دختر بابل که خراب خواهی شد، خوشبحال آنکه به تو جزا دهد چنانکه تو به ما جزا دادی! 9 خوشبحال آنکه اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره‌ها بزند.

138 [مزمور داود] تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت. به حضور خدایان تو را حمد خواهم گفت. 2 به سوی هیکل قدس تو عبادت خواهم کرد و نام تو را حمد خواهم گفت، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام خویش را بر تمام اسم خود تمجید نموده‌ای. 3 در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی. و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی. 4 ای ایوآو، تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند. 5 و طریق‌های ایوآو را خواهند سراپید، زیرا که جلال ایوآو عظیم است. 6 زیرا که ایوآو متعال است، لیکن بر فروتنان نظر می‌کند. و اما متکبران را از دور می‌شناسد. 7 اگر چه در میان تنگی راه می‌روم، مرا زنده خواهی کرد. دست خود را بر خشم دشمنانم دراز می‌کنی و دست راست مرا نجات خواهد داد. 8 ایوآو کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای ایوآو، رحمت تو تا ابدالآباد است. کارهای دست خویش را ترک منما.

139 [برای سالار مغنیان. مزمور داود] ای ایوآو مرا آزموده و شناخته‌ای. 2 تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای. 3 راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همه طریق‌های مرا دانسته‌ای. 4 زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه تو ای ایوآو آن را تماماً دانسته‌ای. 5 از عقب و از پیش مرا احاطه کرده‌ای و دست خویش را بر من نهاده‌ای. 6 این گونه معرفت برایم زیاده عجیب است. و بلند است که بدان نمی‌توانم رسید. 7 از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ 8 اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک، تو آنجا هستی! 9 اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم، 10 در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت. 11 و گفتم، یقیناً تاریکی مرا خواهد پوشانید. که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید. 12 تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است و تاریکی و روشنایی یکی است. 13 زیرا که تو بر دل من مالک هستی؛ مرا در رحم مادرم نقش بستی. 14 تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مهیب و عجیب ساخته شده‌ام. کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو می‌داند. 15 استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته می‌شدم و در اسفل زمین نقشبندی می‌گشتم. 16 چشمان تو جنین مرا دیده‌است و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته می‌شد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت. 17 ای خدا، فکرهای تو نزد من چه قدر گرامی است و جمله آنها چه عظیم است! 18 اگر آنها را بشمارم، از ریگ زیاده است. وقتی که بیدار می‌شوم هنوز نزد تو حاضر هستم. 19 یقیناً ای خدا شیریران را خواهی کشت. پس ای مردمان خون ریز از من دور شوید. 20 زیرا سخنان مکرر از دربار تو می‌گویند و دشمنان نام تو را به باطل می‌برند. 21 ای ایوآو آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که تو را نفرت می‌دارند، و آیا مخالفان تو را مکروه نمی‌شمارم؟ 22 ایشان را به نفرت تام نفرت می‌دارم. ایشان را دشمنان خویشان می‌شمارم.

19 ای خاندان اسرائیل، ایوآو را متبارک خوانید. ای خاندان هارون، ایوآو را متبارک خوانید. 20 ای خاندان لای، ایوآو را متبارک خوانید. ای ترسندگان ایوآو، ایوآو را متبارک خوانید. 21 ایوآو از صهیون متبارک باد، که در اورشلم ساکن است. **اولو ایو.**

136 ایوآو را حمد گویند زیرا که نیکو است و رحمت او تا ابدالآباد است. 2 خدای خدایان را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 3 رب الارباب را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 4 او را که تنها کارهای عجیب عظیم می‌کند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 5 او را که آسمانها را به حکمت آفرید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 6 او را که زمین را بر آنها گسترانید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 7 او را که نیرهای بزرگ آفرید زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 8 آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 9 ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 10 که مصر را در نخسترا دگانش زد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 11 و اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 12 با دست قوی و بازوی دراز، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 13 او را که بحر قلزم را به دو بهره تقسیم کرد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 14 و اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 15 و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 16 او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 17 او را که پادشاهان بزرگ را زد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 18 و پادشاهان نامور را کشت، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 19 سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 20 و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 21 و زمین ایشان را به ارتیت داد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 22 یعنی به ارتیت بنده خویش اسرائیل، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 23 و ما را در مثلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 24 و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 25 که همه بشر را روزی می‌دهد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. 26 خدای آسمانها را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

137 نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم و گریه نیز کردیم، چون صهیون را به یاد آوردیم. 2 بریطهای خود را آویختیم بر درختان بید که در میان آنها بود. 3 زیرا آنانی که ما را به اسیری برده بودند، در آنجا از ما سرود خواستند؛ و آنانی که ما را تاراج کرده بودند، شادمانی [خواستند] که یکی از سرودهای صهیون را برای ما بسراید. 4 چگونه سرود ایوآو را، در زمین بیگانه بخوانیم؟ 5 اگر تو را ای اورشلم فراموش کنم، آنگاه دست راست من فراموش کند. 6 اگر تو را به یاد نیاورم، آنگاه زبانم به کام بچسبد، اگر اورشلم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم. 7 ای ایوآو، روز اورشلم را برای بنیادوم به یاد آور، که گفتند، منهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید!

23 ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، 24 و ببین که آیا در من راه فساد است! و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما.

6 به ناله من توجه کن زیرا که بسیار ذلیل! مرا از جفاکنندگانم برهان، زیرا که از من زور آورتنند. 7 جان مرا از زندان درآور تا نام تو را حمد گویم. عادلان گرداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نموده‌ای.

140 [برای سالار مغنیان. مزمور داود] ای ایواو، مرا از مرد شریر رهایی ده و از مرد ظالم مرا محفوظ فرما! 2 که در دل‌های خود در شرارت تفرگ می‌کنند و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند. 3 دندانهای خود را مثل مار تیز می‌کنند و زهر افی زیر لب ایشان است، سلاه. 4 ای ایواو، مرا از دست شریر نگاه دار، از مرد ظالم مرا محافظت فرما که تدبیر می‌کنند تا پایهای مرا بلغزانند. 5 متکبران برای من تله و ریسمانها پنهان کرده و دام به سر راه گسترده، و کمنده برای من نهاده‌اند، سلاه. 6 به ایواو، گفتم، تو خدای من هستی. ای ایواو، آواز تضرع مرا بشنو! 7 ای ایواو، خداوند که قوت نجات من هستی، تو سر مرا در روز جنگ پوشانیده‌ای. 8 ای ایواو، آرزوهای شریر را برایش برمیآور و تدابیر ایشان را به انجام مرسا میباید سرفراشته شوند، سلاه. 9 و اما سرهای آنانی که مرا احاطه می‌کنند، شرارت لبهای ایشان، آنها را خواهد پوشانید. 10 اخگرهای سوزنده را بر ایشان خواهند ریخت، ایشان را در آتش خواهند انداخت و در ژرفیها که دیگر نخواهند برخاست. 11 مرد بدگو در زمین پایدار نخواهد شد. مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را هلاک کند. 12 می‌دانم که ایواو دادرسی فقیر را خواهد کرد و داوری مسکینان را خواهد نمود. 13 هر آینه عادلان نام تو را حمد خواهند گفت و راستان به حضور تو ساکن خواهند شد.

143 [مزمور داود] ای ایواو، دعای مرا بشنو و به تضرع من گوش بده! در امانت و عدالت خویش مرا اجابت فرما! 2 و بر بنده خود به محاکمه برمیآ. زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود. 3 زیرا که دشمن بر جان من جفا کرده، حیات مرا به زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن گردانیده، مثل آنانی که متنی مرده باشند. 4 پس روح من در من مدهوش شده، و دلم در اندرونم متحیر گردیده است. 5 ایام قدیم را به یاد می‌آورم. در همه اعمال تو تفکر نموده، در کارهای دست تو تأمل می‌کنم. 6 دستهای خود را بسوی تو دراز می‌کنم. جان من مثل زمین خشک، تشنه تو است، سلاه. 7 ای ایواو، بزودی مرا اجابت فرما زیرا روح من کاهیده شده است. روی خود را از من میپوشان، مبدا مثل فروروندگان به هاویه بشوم. 8 بامدادان رحمت خود را به من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. طریقی را که بر آن بروم، مرا بیاموز زیرا نزد تو جان خود را برمیافرازم. 9 ای ایواو، مرا از دشمنانم برهان زیرا که نزد تو پناه برده‌ام. 10 مرا تعلیم ده تا اراده تو را بجا آورم زیرا خدای من تو هستی. روح مهربان تو مرا در زمین هموار هدایت بنماید. 11 به خاطر نام خود ای ایواو، مرا زنده ساز؛ به خاطر عدالت خویش جان مرا از تنگی برهان؛ 12 و به خاطر رحمت خود، دشمنانم را منقطع ساز. و همه مخالفان جان مرا هلاک کن زیرا که من بنده تو هستم.

141 [مزمور داود] ای ایواو، تو را می‌خوانم. نزد من بشتاب! و چون تو را بخوانم آواز مرا بشنو! 2 دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دستهایم، مثل هدیه شام. 3 ای ایواو، بر دهان من نگاهبانی فرما و در لبهایم را نگاه دار. 4 دل مرا به عمل بد مایل مگردان تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم. و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم. 5 مرد عادل مرا بزند و لطف خواهد بود، و مرا تأدیب نماید و روغن برای سر خواهد بود! و سر من آن را ابا نخواهد نمود زیرا که در بدیهای ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود. 6 چون داوران ایشان از سر صخره‌ها انداخته شوند، آنگاه سخنان مرا خواهند شنید زیرا که شیرین است. 7 مثل کسی که زمین را فلاحت و شیار بکند، استخوانهای ما بر سر قبرها پراکنده می‌شود. 8 زیرا که ای ایواو، خداوند، چشمان من بسوی توست. و بر تو توکل دارم. پس جان مرا تلف نمما! 9 مرا از دامی که برای من نهاده‌اند نگاه دار و از کمنده‌ای گناهکاران. 10 شیران به دامهای خود بیفتند و من بسلامتی در بگذرم.

144 [مزمور داود] ایواو که صخره من است، متبارک باد؛ که دستهای مرا به جنگ و انگشته‌ای مرا به حرب تعلیم داد! 2 رحمت من اوست و ملجای من و قلعه بلند من و رهاننده من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم مرا در زیر اطاعت من می‌دارد. 3 ای ایواو، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟ 4 انسان مثل نفسی است و روز هایش مثل سایه‌ای است که می‌گذرد. 5 ای ایواو، آسمانهای خود را خم ساخته، فرود بیا. و کوه‌ها را لمس کن تا دود شوند. 6 رعد را جهنده ساخته، آنها را پراکنده ساز. تیرهای خود را بفرست و آنها را منهزم نما. 7 دست خود را از اعلی بفرست، و مرا رهانیده، از آبهای بسیار خلاصی ده، یعنی از دست پسران اجنبی 8 که دهان ایشان به باطل سخن می‌گویند، و دست راست ایشان، دست دروغ است. 9 ای خدا، تو را سرودی تازه میسراریم. با بریط ذات ده تار، تو را ترنم خواهیم نمود. 10 که پادشاهان را نجات می‌بخشی، و بنده خود را از شمشیر مهلک می‌رهانی. 11 مرا از دست اجنبیان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن می‌گویند و دست راست ایشان دست دروغ است. 12 تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده، مثل نهالها باشند. و دختران ما مثل سنگهای زاویه تراشیده شده به مثال قصر. 13 و انبارهای ما پر شده، به انواع نعمت ریزان شوند. و گله‌های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزیاند. 14 و گاوان ما باربردار شوند و هیچ رخنه و خروج و ناله‌ای در کوچه‌های ما نباشد. 15 خوشبحال قومی که نصیب ایشان این است. خوشبحال آن قوم که ایواو خدای ایشان است.

142 [قصیده داود و دعا وقتی که در مغاره بود] به آواز خود نزد ایواو فریاد برمی‌آورم. به آواز خود نزد ایواو تضرع می‌نمایم. 2 ناله خود را در حضور او خواهم ریخت. تنگیهای خود را نزد او بیان خواهم کرد. 3 وقتی که روح من در من مدهوش می‌شود. پس تو طریقت مرا دانسته‌ای. در راهی که می‌روم دام برای من پنهان کرده‌اند. 4 به طرف راست بنگر و ببین که کسی نیست که مرا بشناسد. ملجا برای من نابود شد. کسی نیست که در فکر جان من باشد. 5 نزد تو ای ایواو فریاد کردم و گفتم که تو ملجا و حصه من در زمین زندگان هستی.

6 ایواو مسکینان را برمیافرازد و شریران را به زمین می‌اندازد. 7 ایواو را با تشکر بسرایید. خدای ما را با بربط سرود بخوانید. 8 که آسمانها را با ابرها می‌پوشاند و باران را برای زمین مهیا می‌نماید و گیاه را بر کوهها می‌رویانند. 9 که بهایم را آذوقه می‌دهد و بچه‌های غراب را که او را می‌خوانند. 10 در قوت اسب رغبت ندارد، و از ساقهای انسان راضی نمی‌باشد. 11 رضامندی ایواو از ترسندگان وی است و از آنانیکه به رحمت وی امیدوارند. 12 ای اورشلیم، ایواو را تسبیح بخوان. ای صهیون، خدای خود را حمد بگو. 13 زیرا که پشت بنده‌ای دروازه‌هایت را مستحکم کرده و فرزندان را در اندرون ت مبارک فرموده است. 14 که حدود تو را سلامتی می‌دهد و تو را از مغز گندم سیر می‌گرداند. 15 که کلام خود را بر زمین فرستاده است و قول او به زودی هر چه تمامتر می‌دود. 16 که برف را مثل پشم می‌باراند، و ژاله را مثل خاکستر می‌پاشد. 17 که تگرگ خود را در قطعه‌ها می‌اندازد؛ و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد؟ 18 کلام خود را می‌فرستد و آنها را می‌گدازد. باد خویش را میوزاند، پس آنها جاری می‌شود. 19 کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فرایض و داوریهای خویش را به اسرائیل. 20 با هیچ امتی چنین نکرده است و داوریهای او را ندانسته‌اند. **اؤللویؤ!**

148 اؤللویؤ! ایواو را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلی علین او را تسبیح بخوانید! 2 ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید. ای همه لشکرهای او او را تسبیح بخوانید. 3 ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید. 4 ای فلک‌الافلاک او را تسبیح بخوانید، و ای آبهایی که فوق آسمانهایید. 5 نام ایواو را تسبیح بخوانند زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند. 6 و آنها را پایدار نمود تا ابدالآباد و قانونی قرار داد که از آن در نگذرند. 7 ایواو را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لجه‌ها. 8 ای آتش و تگرگ و برف و مه و باد تند که فرمان او را به جا می‌آورید. 9 ای کوهها و تمام تله‌ها و درختان میوه‌دار و همه سروهای آزاد. 10 ای وحوش و جمیع بهایم و حشرات و مرغان بالدار. 11 ای پادشاهان زمین و جمیع امت‌ها و سروران و همه داوران جهان. 12 ای جوانان و دوشیزگان نیز و پیران و اطفال. 13 نام ایواو را تسبیح بخوانند، زیرا نام او تنها متعال است و جلال او فوق زمین و آسمان. 14 او شاخی برای قوم خود برافراشته است، تا فخر باشد برای همه مقدسان او، یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرب او می‌باشند. **اؤللویؤ!**

149 اؤللویؤ! ایواو را سرود تازه بسرایید و تسبیح او را در جماعت مقدسان! 2 اسرائیل در آفریننده خود شادی کنند و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد نمایند. 3 نام او را با رقص تسبیح بخوانند. با بربط و عود او را بسرایند. 4 زیرا ایواو از قوم خویش رضامندی دارد. مسکینان را به نجات جمیل می‌سازد. 5 مقدسان از جلال فخر بنمایند. و بر بسترهای خود ترنم بکنند. 6 تسبیحات بلند خدا در دهان ایشان باشد. و شمشیر دو دمه در دست ایشان. 7 تا از امت‌ها انتقام بکشند و تادیبها بر طوایف بنمایند. 8 و پادشاهان ایشان را به زنجیرها ببندند و سروران ایشان را به پابندهای آهنین. 9 و دوری را که مکتوب است بر ایشان اجرا دارند. این کرامت است برای همه مقدسان او. **اؤللویؤ!**

145 [تسبیح داود] ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال می‌خوانم و نام تو را متبارک می‌گویم، تا ابدالآباد! 2 تمامی روز تو را متبارک می‌خوانم، و نام تو را حمد می‌گویم تا ابدالآباد. 3 ایواو عظیم است و بی‌نهایت ممدوح، و عظمت او را تفتیش نتوان کرد. 4 طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح می‌خوانند و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود. 5 در مجد جلیل کبریایی تو و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود. 6 در قوت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت. و من عظمت تو را بیان خواهم نمود. 7 و یادگاری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد. و عدالت تو را خواهند سرایید. 8 ایواو کریم و رحیم است و دیر غضب و کثیر الاحسان. 9 ایواو برای همگان نیکو است، و رحمت‌های وی بر همه اعمال وی است. 10 ای ایواو جمیع کارهای تو، تو را حمد می‌گویند. و مقدسان تو، تو را متبارک می‌خوانند. 11 درباره جلال ملکوت تو سخن می‌گویند و توانایی تو را حکایت می‌کنند. 12 تا کارهای عظیم تو را به بنی‌آدم تعلیم دهند و کبریایی مجید ملکوت تو را. 13 ملکوت تو، ملکوتی است تا جمیع دهرها و سلطنت تو باقی تا تمام دورها. 14 ایواو جمیع افتادگان را تأیید می‌کند و خمشدگان را برمی‌خیزاند. 15 چشمان همگان منتظر تو می‌باشد و تو طعام ایشان را در موسم می‌دهی. 16 دست خویش را باز می‌کنی و آرزوی همه زندگان را سیر می‌نمایی. 17 ایواو عادل است در جمیع طریق‌های خود و رحیم در کل اعمال خویش. 18 ایواو نزدیک است به آنانیکه او را می‌خوانند، به آنانیکه او را به راستی می‌خوانند. 19 آرزوی ترسندگان خود را بجا می‌آورد و تضرع ایشان را شنیده، ایشان را نجات می‌دهد. 20 ایواو همه محبان خود را نگاه می‌دارد و همه شریران را هلاک خواهد ساخت. 21 دهان من تسبیح ایواو را خواهد گفت و همه بشر نام قنوس او را متبارک بخوانند تا ابدالآباد.

146 اؤللویؤ! ای جان من ایواو را تسبیح بخوان! 2 تا زنده هستم، ایواو را حمد خواهم گفت. مادامی که وجود دارم، خدای خود را خواهم سرایید. 3 بر رؤسا توکل مکنید و نه بر ابن آدم که نزد او اعانتی نیست. 4 روح او بیرون می‌رود و او به خاک خود برمی‌گردد و در همان روز فکر هایش نابود می‌شود. 5 خوشبحال آنکه خدای یعقوب مددکاراوست، که امید او بر ایواو خدای وی می‌باشد، 6 که آسمان و زمین را آفرید و دریا و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را نگاه دارد تا ابدالآباد؛ 7 که مظلومان را دادرسی می‌کند؛ و گرسنگان را نان می‌بخشد. ایواو اسیران را آزاد می‌سازد. 8 ایواو چشمان کوران را باز می‌کند. ایواو خم شدگان را برمیافرازد. ایواو عادلان را دوست می‌دارد. 9 ایواو غریبان را محافظت می‌کند و یتیمان و بیوه زنان را پایدار می‌نماید. لیکن طریق شریران را کج می‌سازد. 10 ایواو سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد و خدای تو ای صهیون، نسل بعد نسل. **اؤللویؤ!**

147 اؤللویؤ! زیرا خدای ما را سراییدنیکو است و دلپسند، و تسبیح خواندن شایسته است! 2 ایواو اورشلیم را بنا می‌کند و پراکندگان اسرائیل را جمع می‌نماید. 3 شکسته دلان را شفا می‌دهد و جراحت‌های ایشان را می‌بندد. 4 عدد ستارگان را می‌شمارد و جمیع آنها را به نام می‌خواند. 5 خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت وی غیرمتناهی.

مزامیر - Psalms

4 او را با دف و رقص تسبیح بخوانید. او را با ذوات اوتار و نی تسبیح بخوانید. 5 او را با صنجهای بلندآواز تسبیح بخوانید. او را با صنجهای خوشصدا تسبیح بخوانید. 6 هر که روح دارد، ایو را تسبیح بخواند. **اولوایو!**

150 اولوایو! خدا را در قدس او تسبیح بخوانید. در فلک قوت او، او را تسبیح بخوانید! 2 او را به سبب کارهای عظیم او تسبیح بخوانید. او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح بخوانید. 3 او را به آواز گرتا تسبیح بخوانید. او را با بربط و عود تسبیح بخوانید.